

تذکر این کتاب توسط مؤسسه فرهنگی - اسلامی شبکه الامامین الحسنین علیهما السلام
بصورت الکترونیکی برای مخاطبین گرامی منتشر شده است.

لازم به ذکر است تصحیح اشتباهات تایپی احتمالی، روی این کتاب انجام گردیده است.

معرفی اهل بیت علیهم السلام و بنی امیه در پیام امام حسین علیه السلام

پیام عاشورا (حاوی بیش از 160 پیام از حسین بن علی علیه السلام)

محمد صادق نجمی

مقدمه دفتر

(عاشورا) واژه ای است خاطره انگیز که پیوسته، فداکاری، شجاعت، جوانمردی، ایستادگی در برابر بیدادگری، پیروی از رهبر اسلامی و حمایت از دین را به همراه دارد. (عاشورا) نشانگر حرکت آغاز شده از سوی آدم عَلَيْهِ السَّلَام است که وارث او پرچمداریش را به عهده گرفته و در راه آن، جان باخته است.

(عاشورا) آینه تمام نمای فریاد (هیئات منا الذلّة) امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام است که هیچ سنگی توان شکستن آن را ندارد.

(عاشورا) خورشید فروزانی است که ابرهای تیره و تار ستم، هرگز توان پنهان ساختن آن را ندارند.

کلام آخر اینکه: (عاشورا)، پیام آور انقلاب سرخ علوی است که تا ستم و ستم پیشه در جهان وجود دارد، هرگز از جوش و خروش باز نمی ایستد.

کتابی که اکنون در دست شما خواننده گرامی است، بیان چندین پیام از پیام های عاشورا است که توسط مؤلف محترم آن به رشته تحریر درآمده، بدان امید که مشعل فروزان شام سیاه انسان ها قرار گیرد.

این دفتر، پس از بررسی، ویرایش و اصلاح، آن را به زیور چاپ آراسته و در اختیار حق جویان قرار می دهد و جز خشنودی خداوند بزرگ، هدفی را پی نمی گیرد. در خاتمه تذکر چند نکته ضروری است:

1 - از آنجا که این کتاب، سخنان امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام را به منابع فراوان مستند ساخته و پیداست که همه آنها یکسان نبوده و با یکدیگر اختلاف دارند لذا واحتد حقیق و بررسی سعی نموده مدارک خطبه های متن را با یک منبع تطبیق داده و همان را نخستین مدرک قرار دهد و منابع دیگر را به دنبال آن ذکر نماید.

- 2 - کوشش شده منبعی انتخاب شود که متن کتاب با آن همخوانی داشته باشد.
 - 3 - از خوانندگان محترم تقاضا داریم هرگونه انتقاد یا پیشنهادی دارند، به آدرس: قم - صندوق پستی 749 - دفتر انتشارات اسلامی - بخش فارسی، ارسال دارند.
- دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

مقدمه مؤلف

انگیزه تنظیم کتاب با کیفیت موجود این است که: از شهادت حسین بن علی علیه السلام تا به امروز که نزدیک به چهارده قرن می گذرد، کتابها و تألیفات بی شماری درباره شخصیت و بیان عظمت قیام و ابعاد مظلومیت آن حضرت، تألیف گردیده، مقالات بی حد، نگارش یافته و سخنرانیها بی شماری ایراد شده، است و این وضع، با روندی بیشتر، ادامه دارد و درباره هیچکس جز سالار شهیدان، این همه تألیفات و مقالات و سخنرانی سابقه ندارد،⁽¹⁾ و هر نویسنده و گوینده در حد اخلاص خود، مثاب و مء أجور خواهد بود.

آنچه قابل ذکر است اینکه محتوای بعضی از این تألیفات و سخنرانیها را جنبه تاریخی عاشورا و ابعاد ظلم و ستمی که بر فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله و خاندانش وارد شده تشکیل می دهد و جنبه های تحلیلی قیام عاشورا و اهداف این حرکت تاریخی، کمتر مورد توجه قرار می گیرد. و گاهی نیز این حادثه عظیم تنها از جنبه خاص و از زاویه محدودی تجزیه و تحلیل می گردد و یا انگیزه های فرعی با عوامل اصلی، درهم آمیخته و مسائل فرعی، جایگزین اهداف اصلی در این قیام معرفی می شود.

1- اخیراً آقای (نجفقلی حبیبی) در یک کتابشناسی، 878 عنوان کتاب درباره حسین بن علی علیه السلام معرفی نموده است، که این عناوین، فقط بخشی از تألیفات در این موضوع است که در دسترس این نویسنده گرامی قرار گرفته است. از باب مثال، نوشته حقیر (خطبه حسین بن علی علیه السلام در منی) و (سخنان حسین بن علی علیه السلام) را معرفی نموده است ولی چون ترجمه های کتاب اخیر را که به (زبان آذری) در (استانبول) و به (زبان اردو) در بمئی) چاپ شده، به دستشان نرسیده، نیاورده است.

برای تکمیل این بحث و جلوگیری از خلط انگیزه های اصلی و فرعی در قیام حسین بن علی علیه السلام به نظر رسید نامه ها و خطبه های آن حضرت را از بدو حرکت از مدینه تا هنگام شهادتش، از منابع معتبر و با ترتیب زمانی و با توضیحات ملازم، در یک مجموعه گرد آوردیم تا راهی برای تفسیر و تحلیل قیام آن بزرگوار، بر اساس گفتار آن حضرت باشد. امید است این اقدام، مورد استقبال طیف عظیمی از خطبا، گویندگان و نویسندگان قرار می گیرد.

باید دانست آن چنان شخصیت حسین بن علی علیه السلام از لحاظ شجاعت، فداکاری و مظلومیت در میان جامعه مطرح است، هیچ یک از مدافعان حق و حقیقت و شهدای راه فضیلت، در این حد مطرح نیستند.

تشکیل هیأت‌های عزاداری و مجالس سوگواری، سرودن اشعار و مرثی، گریه کردن و نوحه سرایی، اظهار حزن و اندوه و ابراز تأثر و تأسف در حدی که در مصیبت حضرت سیدالشهدا، انجام می گیرد و این اظهار ارادت که به آستان مقدس آن حضرت، با تاریخ اسلام عجین گردیده است، درباره هیچ یک از رجال آسمانی و پیشوایان مذهبی سابقه ندارد؛ همانگونه که خود حضرت فرمود: انا قلیل العبرة یذکرنی مؤمن الا بیک؛ من کشته اشکم، هیچ مؤمنی مرا یاد نمی کند مگر اینکه می گیرد. ⁽¹⁾

1- کامل الزیارت/216.

لذا حسین علیه السلام یک چهره شناخته شده تاریخ است و همه مسلمانان جهان و حتی افراد بیگانه از اسلام با نام عزیز حسین علیه السلام آشنا هستند و همه عزاداران و نه تنها نام زیبای او را می شناسند بلکه می دانند که او بسط رسول خدا صلی الله علیه و آله و فرزند علی مرتضی علیه السلام و فاطمه زهراست. و می دانند که او در سوم شعبان سال چهارم هجرت، متولد و در عاشورای سال 61 در کربلا به شهادت رسید و قبر مطهر او در قتلگاهش، زیارتگاه شیعیانش می باشد.

- همگان نام برادران، خواهران و فرزندان او را می دانند و از واقعه شهادت جانگداز او آگاهند.

- می دانند شماره یاران او در کربلا چند نفر بودند و ماجرای شهادت و اسارت آنان چه بوده است. آری، همه عزاداران آن حضرت با این مطالب و مطالب دیگر درباره شهادت او آشنا هستند و آنها را می دانند.

ولی آیا همه عزاداران او فلسفه قیام و شهادتش را می دانند؟ آیا همه کسانی که بر او اشک می ریزند، با پیام او آشنا هستند و یا در اشعار و مراثی و در مراسم عزاداری در حالی که سیل اشک بر رخسارها جاری است و بیانگر حرکت سیل ارادت و عواطف به آستان مقدس (فرزند رسول خدا) صلی الله علیه و آله است، اهداف والا و مقدس آن حضرت هم متجلی و متبلور است. و همه جملاتی که به صورت شعر، شعار و ذکر مصیبت بر زبانها جاری است، می تواند زبانحال واقعی و گویای آن حقیقت باشد که حسین علیه السلام و یارانش فدای آن گردیدند؟

یا بیشتر آنها برخاسته از عواطف گویندگان و بیانگر فکر و اندیشه آنان است که به عنوان زبانحال امام حسین علیه السلام و ایده و اندیشه او ارائه می گردد؟ آیا همه عزاداران و خطبا و گویندگان ما به این واقعیت می اندیشند که تاریخ از دید قصه و بیان حواله ، گر چه تنها یک (یزید) دارد که لحظاتی از تاریخ یک قومی و ایامی از روزهای مردمی را اشغال کرد و جنایاتی آفرید و گذاشت و گذشت ، اما از دیدگاه صحیح و درست تاریخ، عناصری زنده و فعال در میان اقوام و ملل مختلف در تمام دور آنها و لحظات تاریخ وجود دارد که می تواند مستمرا یزید آفرین باشد و این عناصر، هیچگاه عقیم نیستند و اگر جامعه ما رو نداشت، بلکه از وجود چنین یزیدی غافل بود.

از شناخت حسین روز هم غافل بود، در عزای حسین علیه السلام کوتاهی نداشت در حالی که در نظامی زندگی می کرد که همه برنامه اش ضد حسین ضد مکتب حسین دبو . تسلط دشمنان حسین علیه السلام آنچنان عمیق بود که تصمیم داشت هر چه رنگ و بوی اسلام دارد، از میان بردارد و اگر شناخت صحیح از حسین و یزید زمانه وجود داشت ، بایستی از مدتها قبل و نه در سال 57، انقلاب صورت بگیرد. و اگر امام خمینی (قدس سره) نبود، نه حسین زمان شناخته می شد و نه یزید زمان.

از اصل موضوع، دور شدیم. سخن در اینجا بود که بخش مهمی از اشعار، مراثی ، شعارها و نوحه ها هماهنگی کامل با فکر و اندیشه امام علیه السلام و قیام او ندارد و پیام عاشورا در آنها کم رنگ است و یا اصلا مشهود نیست. و یکی از علل آن ، عدم درک صحیح از واقعه عاشورا و قیام حسین بن علی علیه السلام است؛ زیرا یک شاعر و گوینده هر چه توانا و گویا و ارتباط او با آنچه توصیف می کند، نزدیک باشد، باز هم از ترسیم واقعیت آن عاجز و از بیان حقیقت آن ناتوان خواهد بود، آن هم در یک حادثه عظیم تاریخی مانند حادثه عاشورا و قیام اباعبدالله الحسین، با گذشت بیش از چهارده قرن و

با ابعاد و جنبه های متعددی که بر آن حاکم بوده که حقا تجزیه و تحلیل صحیح آن برای افراد عادی، مشکل و یا غیر ممکن است.

مگر اینکه ترسیم این هدف و ابلاغ این پیام از خود حسین بن علی علیه السلام باشد و این واقعیت را از کلام خود او دریابیم، بر این اساس، تصمیم گرفتیم از سخنان و گفتارهای آن حضرت، فرازها و فقرات کوتاه که دارای جنبه عاشوراست، در اختیار ارادتمندان آن حضرت از شعرا، مداحان، نوحه سرایان و عزاداران قرار بگیرد تا تدریجا این مفاهیم عالی و ارزشمند، جایگزین مطالب احيانا تکراری و بعضی اشعار کم محتوا گردیده و پیام دلنشین عاشورا که سراپا درس عشق و شهادت و درس دشمن شناسی و ثبات و استقامت در مبارزه با اوست، گسترش یابد، همانگونه که در نظام اسلامی، بر مسؤ ولین ذیربط است که در حذف مطالب و حرکات بی مفهوم و گسترش پیام واقعی علش ورا، تلاش و هدایت بیشتری را بر عهده بگیرند.

آری، چه کلامی بالاتر و شیرین تر از کلام حسین بن علی علیه السلام؟ و چه شعاری گویاتر و کوبنده تر از شعار او؟! و چه پیامی جاودانه تر و سازنده تر از پیام او؟ برای تأمین این منظور، تا آنجا که امکان داشت، پیامهای موجود آن حضرت را به تناسب موضوعات، گردآوری و نقل نمودیم و بعضی از پیامها که دارای دو جنبه بود، مکرر نقل گردیده است که مجموعا 163 پیام در بیست و سه موضوع مختلف، محتوای این جزوه را تشکیل می دهد. و ثواب آن را به روح پدر و مادر عزیزم که ارادت به خاندان عصمت را به عمق جانم در آمیخته اند، تقدیم می دارم.

اللهم تقبله بمنک و کرمک

محمد صادق نجمی آذر ماه 1375

معرفی اهل بیت علیهم السلام و بنی امیه در پیام امام حسین علیه السلام

حسین بن علی علیه السلام در فرازهایی از سخنش ، اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و شخص خویش و همچنین بنی امیه را عموماً و از میان آنان (معاویه بن ابی سفیان و یزید بن معاویه) را خصوصاً معرفی نموده است که یکی از آثار و ابعاد مهم این معرفی است که جهانیان متوجه این نکته باشند و این حقیقت را از زبان فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله دریابند که انگیزه جنگ و نزاع در میان این دو خاندان و عامل اصلی پدیدآورنده واقعه عاشورا و حادثه کربلا یک انگیزه و عامل شخصی و مادی و یا مقطعی نبوده است بلکه این اختلاف دارای ریشه عمیق و برخاسته از طرز تفکر دینی و اعتقادی این دو خاندان بوده است که از دوران بعثت پیامبر اسلام در دو جبهه مخالف و با دو هدف متضاد در مقابل هم قرار گرفته بودند.

الف - خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله

در این خاندان، وحی و نبوت، دعوت به توحید و یگانه پرستی و هدایت جامعه به وسیله شخص رسول خدا صلی الله علیه و آله تحقق یافت و نگهداری این هدف بزرگ ، از زیلت و نقصان و از دست برد بیگانگان نیز باید به وسیله عترت او تحقق یابد.

ب - بنی امیه

این خاندان همیشه رقیب و مخالف سرسخت پیامبر صلی الله علیه و آله بود و تا فتح مکه و یأس کامل مشرکین، در حال جنگ با اسلام و قرآن بوده و در جنگ بدر، احد و احزاب ، نه تنها پرچم کفر به دوش ابوسفیان و معاویه قرار داشت، بلکه در بعضی از این جنگ ها، (هند) همسر ابوسفیان نیز به عنوان تقویت روحی و حمایت معنوی از سپاهیان شکی ، به همراه آنان در میدان جنگ حضور می یافت.

ولی پس از پیروزی اسلام در (جزیره العرب) که برای آنان تظاهر به شرک و جنگ علنی وجود نداشت، این کفر به نفاق مبدل گردید و ظاهرا اسلام را پذیرفتند، اما در باطن امر و در عمل، همان دشمنی و کینه گذشته با اسلام و قرآن را تعقیب نمودند و آنگاه که معاویه به قدرت رسید، در کنار این نفاق، ظلم و ستم بر مسلمانان واقعی را به حد اعلی رسانیده و پیروان امیرمؤمنان علیه السلام را به زنجیر کشید و اینک نوبت به فرزند او یزید فاسق رسیده است.

آری، حسین بن علی علیه السلام در لابلای پیام ها و گفتارهایش، هم از اهل بیت سخن گفته و هم خودش را معرفی نموده است و هم فساد بنی امیه و دشمنی آنان با اسلام و همچنین ظلم معاویه و فساد و انحراف یزید را برملا ساخته است.

اینک پیامهای آن حضرت را به ترتیبی که اشاره نمودیم به صورت چند بخش مستقل می آوریم:

1 - معرفی اهل بیت علیهم السلام

1/1 - «إِنَّا أَهْلَ بَيْتِ النَّبُوَّةِ وَمَعْدِنِ الرَّسَالَةِ وَمُخْتَلَفِ الْمَلَائِكَةِ وَبِنَا فَتَحَ اللَّهُ وَبِنَا خَتَمَ اللَّهُ»⁽¹⁾.

«(امیر!) ما ییم خاندان نبوت و معدن رسالت و محل رفت و آمد فرشتگان و محل نزول رحمت الهی. خداوند، دین و آیین خود (اسلام) را از خاندان ما شروع کرده، و آن را با خاندان ما ختم خواهد نمود».

حسین بن علی علیه السلام این جملات را در پاسخ (ولید بن عقبه) استاندار مدینه ایراد فرمود، آنگاه که او جریان مرگ معاویه را مطرح کرده و پیشنهاد نمود که آن حضرت طبق دستور (یزید بن معاویه) با وی بیعت نماید.

1/2 - « وَنَحْنُ أَهْلُ بَيْتِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَوْلَىٰ بِبُلَايَةِ هَذَا الْأَمْرِ عَلَيْكُمْ مِنْ هَؤُلَاءِ الْمُدَّعِينَ مَا لَيْسَ لَهُمْ، وَالسَّائِرِينَ فِيكُمْ بِالْجَوْرِ وَالْعُدْوَانِ »⁽²⁾

«تنها ما خاندان محمد به حکومت و رهبری جامعه، شایسته و سزاواریم نه اینان (بنی امیه) که به ناحق مدعی این مقام هستند و همیشه راه ظلم و فساد و راه دشمنی (با دین خدا) را در پیش گرفته اند».

این جملات بخشی از خطبه حسین بن علی علیه السلام است که در منزل (شرف) پس از نماز عصر به حاضرین از اصحاب خویش و سپاهیان (حربن یزید ریاحی) ایراد فرمود.

1/3 - «اللَّهُمَّ إِنِّي أَحْمَدُكَ عَلَىٰ أَنْ أَكْرَمْتَنَا بِالنَّبُوَّةِ وَعَلَّمْتَنَا الْقُرْآنَ وَفَقَّهْتَنَا فِي الدِّينِ وَجَعَلْتَ لَنَا أَسْمَاعًا وَأَبْصَارًا وَافْتِدَاءً وَلَمْ تَجْعَلْنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ»⁽³⁾.

1- مقتل خوارزمی 184/1 و لهوف/10.

2- کامل ابن اثیر 280/3. ارشاد مفید/225. مقتل خوارزمی 232/1 و مناقب 88/4.

3- طبری 238/6. ارشاد 231/ و مقتل خوارزمی 246/1.

«خدایا! سپاسگزار تو هستم که بر خاندان ما نبوت را کرامت بخشیدی و قرآن را بر ما آموختی و ما را با آیینت آشنا نمودی و بر ما گوش (حق شنو) و چشم (حق بین) و قلب روشن عطا فرمودی. و سپاسگزار تو می باشم که ما را از گروه مشرک قرار ندادی».

این جملات هم بخشی از خطبه آن حضرت است که در (شب عاشورا) برای اهل بیت باوفا و یاران با صفایش ایراد فرموده است.

1/4 - «اللَّهُمَّ انا اهل بیت نبيك و ذريته و قرابته، فاقصم من ظلمنا و غصبنا حقنا انك سمیع قریب».⁽¹⁾

«خدایا! ما خاندان پیامبر تو و فرزندان و قوم و عشیره او هستیم، کسانی را که بر ما ستم نمودند و حق ما را غصب کردند، ذلیل کن، تو که بر دعای بندگان شنوا و بر آنان از همه نزدیکتر هستی».

امام، این جمله را که مشتمل بر دعا و نفرین است، در روز عاشورا آنگاه ایراد فرمود که در طی سخنرانی مفصل، مردم کوفه را نصیحت و موعظه نمود، ولی مواعظ و نصایح فرزند پیامبر ﷺ در دلهای سخت تر از سنگ آن مردم مؤثر واقع نگردید؛ زیرا آنان از شنیدن کلام امامی که به حق سخن می گوید آبا و امتناع داشتند و خود را آماده جنگ و رسیدن به زخارف دنیا کرده بودند.

1/5 - «و كُنَّا اَهْلَهُ و اَوْلِيَاءَهُ و اَوْصِيَاءَهُ و وَّرَثَتَهُ و اَحَقُّ النَّاسِ بِمَقَامِهِ فِي النَّاسِ... و نَحْنُ نَعْلَمُ اَنَّا اَحَقُّ بِذَلِكَ الْحَقِّ الْمُسْتَحَقِّ عَلَيْنَا مِنْ تَوْلَاهُ»⁽²⁾

1- مقتل خوارزمی 249/1.

2- طبری 200/6.

«و ما خاندان پیامبر و اولیا و اوصیای او و وارثان بحق و شایسته ترین افراد نسبت به مقام او، در میان امت هستیم... و ما می دانیم که شایسته این حق (حکومت) بودیم نه کسانی که آن را به ناحق به دست گرفتند».

این دو جمله فرازهایی از نامه حسین بن علی علیه السلام است که از مکه به سران مردم بصره نگاشته اند، ما متن مشروح این نامه را در کتاب (سخنان حسین بن علی علیه السلام) نقل نموده ایم.

2 - معرفی حسین بن علی علیه السلام

2/1 - «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ! أَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ فَاطِمَةَ، أَنَا فَرْخُكَ وَأَبْنُ فَرْخَتِكَ»⁽¹⁾

«سلام بر تو یا رسول الله! من حسین، فرزند فاطمه و پرورش یافته آغوش تو و آغوش دخترت هستم که برای هدایت جامعه، جانشین خود قرار داده ای.»
این جمله از فرازهای اولین زیارتی است که حسین بن علی علیه السلام پس از آنکه تصمیم گرفت از مدینه به سوی مکه حرکت کند، قبر جدش رسول خدا را زیارت و در موضوع مهمی که به عنوان وظیفه مبارزه با یزید بر او متوجه گردیده است، از آن حضرت استمداد کند.

2/2 - «اللَّهُمَّ هَذَا قَبْرِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَأَنَا ابْنُ بِنْتِ مُحَمَّدٍ وَقَدْ حَضَرْتَنِي لَا مَرَمًا قَدْ عَلِمْتَ»⁽²⁾.

«خدایا! این قبر پیامبر تو محمد است و من فرزند دختر پیامبر تو هستم اینکه برای من امری رخ داده است که خودت از آن آگاهی.»

و این فراز از زیارت دوم آن حضرت، در آستانه حرکت از مدینه می باشد.

2/3 - «فانا الحسين بن علي وابن فاطمة بنت رسول الله...»⁽³⁾

«(مردم!) من حسین فرزند علی و فرزند فاطمه، دختر پیامبر خدا هستم.»

این معرفی، جزء فرازهایی از سخنرانی آن حضرت در منزل (بیضه)⁽⁴⁾ است که متن مشروح آن در کتاب (سخنان حسین بن علی) آورده ایم.

1- مقتل عوالم 177/17، در مقتل خوارزمی عبارت مذکور چنین است (الثقل الذی خلفته فی امتک).

2- عوالم 177/17.

3- مقتل مقرر 185/ و خوارزمی 186/1

4- (بیضه) به کسربا، یکی از منازل است که در مسیر مدینه به سوی کوفه و در بین منزل (شراف و رهیمه) قرار داشت.

2/4 - « فانسبوني وانظروا من أنا، ثم ارجعوا إلى أنفسكم فعاتبوها، وانظروا هل يحل لكم قتلي وانتهاك حرمتي؟ ألسنت ابن بنت نبيكم وابن وصيه وابن عمه وأول المؤمنين بالله والمصدق لرسوله بما جاء به من عنده؟ أوليس حمزة سيد الشهداء عم أبي؟! أوليس جعفر الشهيد الطيار ذو الجناحين عمي؟! أولم يبلغكم قول رسول الله ﷺ لي ولأخي: "هذان سيدا شباب أهل الجنة...؟" (1) »

«ای مردم! نسب مرا بگویند که من چه کسی هستم، پس به خود آید و خویشتن را ملامت کنید و ببینید آیا کشتن من و درهم شکستن حرمت حریم من برای شما روا و جایز است؟ و آیا من فرزند دختر پیامبر شما نیستم؟ و آیا من فرزند وصی و پسر عم پیامبر شما و فرزند اولین کسی که ایمان آورد، نیستم؟ و آیا من فرزند اولین کسی که رسالت پیامبر را تصدیق نمود، نیستم؟ آیا حمزه سیدالشهدا عموی پدر من نیست؟ آیا جعفر طیار عموی من نیست؟ آیا گفتار رسول خدا را شنیده اید که درباره من و برادرم فرمود: این دو، سرور جوانان بهشتند...».

2/5 - «أفتشكون أني ابن بنت نبيكم؟! فوالله، ما بين المشرق والمغرب ابن بنت نبي غيري فيكم ولا في غيركم» (2)

«ای مردم! آیا در این واقعیت شک دارید که من فرزند دختر پیامبر شما هستم؟ به خدا سوگند! نه در میان مشرق و مغرب و نه در میان شما و غیر شما، فرزند پیامبری بجز من وجود ندارد.».

این دو فراز، از جمله فرازهای اولین سخنرانی مشروح حسین بن علی عليه السلام است که در روز عاشورا ایراد فرموده است.

1- مقتل مقرر، 228/.

2- مقتل مقرر، 228/ و مقتل خوارزمی، 253/.

2/6 - «فَلَعَمْرِي مَا الْإِمَامُ إِلَّا الْعَامِلُ بِالْكِتَابِ، وَالْأَخِذُ بِالْقِسْطِ، وَالِدَائِنُ بِالْحَقِّ، وَالْحَابِسُ نَفْسَهُ عَلَى ذَاتِ اللَّهِ وَالسَّلَامُ»⁽¹⁾

«به جانم سوگند! امام به حق و پیشوای راستین کسی است که به کتاب خدا عمل کند و راه عدل را پیشه خود سازد و ملازم حق بوده و وجود خویش را وقف و فدای فرمان خدا کند».

این جمله را حسین بن علی علیه السلام در ضمن نامه ای که در پاسخ نامه ها درخواستهای مکرر مردم کوفه نگاشت و به وسیله مسلم بن عقیل ارسال داشت، مرقوم فرموده است و در ضمن، خودش را با این اوصاف معرفی نموده است.

2/7 - «إِمَامٌ دَعَا إِلَى هُدًى فَأَجَابُوهُ إِلَيْهِ، وَإِمَامٌ دَعَا إِلَى ضَلَالَةٍ فَأَجَابُوا إِلَيْهَا؛ هَؤُلَاءِ فِي الْجَنَّةِ وَهَؤُلَاءِ فِي النَّارِ»⁽²⁾

(امام، رهبری هست که مردم را به راه درست و به سوی سعادت و خوشبختی می خواند و گروهی بدو پاسخ مثبت می دهند و از او پیروی می کنند و پیش او رهبر دیگری هم هست که به سوی ضلالت و بدبختی می خواند، گروهی هم از وی پیروی می کنند، آنان در بهشتند و اینان در دوزخ).

امام علیه السلام این جمله را در منزل (تعليبيه) در پاسخ شخصی فرمود که تفسیر این آیه شریفه را سؤال نمود: **(يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ...)**⁽³⁾

1- طبری 198/6. کامل ابن اثیر 267/3. ارشاد 204/ و مقتل خوارزمی 195/1.

2- مقتل مرقم/179. امالی صدوق رحمه الله، مجلس 131/30 و مقتل خوارزمی 1/221

3- اسراً/71.

توضیح: باید توجه داشت گرچه پاسخ در این دو فراز اخیر، کلی است و در آنها شرایط رهبر واقعی که عمل کردن به دستورهای قرآن و اجرای قسط و عدالت در جامعه و فدا شدن در راه خدا مطرح گردیده و همچنین از دو نوع پیشوا؛ پیشوای هدایت و پیشوای ضلالت، سخن رفته است ولی در شرایط آن روز، مصداق این امام و رهبر با چنین شرایط و کسی که در مقابله پیشوایان ضلالت، رهبری صحیح جامعه را به عهده بگیرد بجز آن حضرت نبوده است و این دو فراز، در واقع معرفی حسین بن علی علیه السلام است با بیان کلی.

3 - معرفی بنی امیه

به طوری که در صفحات گذشته اشاره نمودیم، عدالت و دشمنی (بنی امیه) با خاندان پیامبر ﷺ عمیق و ریشه دار بوده و منحصر به دوران پیامبر و صدر اسلام نبود، بلکه آنگاه که این خانواده به حکومت دست یافت و معاویه به قدرت رسید، این دشمنی را به صورت شدیدتر و با محاسبه دقیق تر اجرا نمود؛ زیرا اینک نه رسول خدا ﷺ در حیات است و نه مانند گذشته جنگ و مبارزه با ظواهر اسلام صحیح است و لذا باید این عداوت را به اهل بیت پیامبر و حامیان واقعی اسلام متوجه و در جانشینان به حق رسول الله متمرکز سازند و این در شرایطی است که اکثر مردم از حقیقت امر، بی اطلاع و توده جامعه به ظواهر امر، دلبسته اند و از درک حقایق غافلند، در اینجا است که حسین بن علی علیه السلام با بیان عمق دشمنی بنی امیه و تکرار آن در مناسبت های مختلف، خواسته است گوشه ای از این واقعیت را ابراز کند و پرده از افکار پلید و عقاید خطرناک و تحریف در دین که به وسیله امویان به وجود آمده است، کنار بزند و آتش کینه و عداوت آنان در نسبت به اهل بیت که شعله آن با هیچ عاملی بجز ریختن خون فرزندان پیامبر، فرو نخواهد نشست و در اجرای دشمنی خود با اهل بیت به کمتر از قتل حسین علیه السلام و یارانش و اسارت فرزندانش راضی نخواهد گردید، برملا سازد.

ولی مهم این است که بدانیم چون این عداوت، ریشه فکری - اعتقادی دارد، لذا منحصر به دوران پیامبر ﷺ و ائمه نیست بلکه در هر زمان و عصری، بنی امیه هایی وجود دارند که با اسلام و مسلمین در جنگ و ستیز هستند و به عقیده خود تا اسلام را سرکوب و تا مسلمانان را از صحنه خارج نکنند و آنان را به زنجیر ذلت نکشند، خواب راحت به چشمشان نخواهد رفت.

بنی امیه پیروان شیطان

3/1 - «إِنَّ هَؤُلَاءِ قَدْ لَزِمُوا طَاعَةَ الشَّيْطَانِ، وَتَرَكُوا طَاعَةَ الرَّحْمَنِ، وَأَظْهَرُوا الْفُسَادَ، وَعَطَّلُوا الْحُدُودَ وَأَسْتَأْثَرُوا بِالْفِئَةِ، وَأَحْلَوْا حَرَامَ اللَّهِ، وَحَرَّمُوا حَلَالَ اللَّهِ...؛ و اینان (بنی امیه) اطاعت خدا را ترک و اطاعت شیطان را بر خود فرض نموده اند. فساد را ترویج و حدود و قوانین الهی را تعطیل کرده اند. بیت المال را بر خود اختصاص داده اند. حرام خدا را حلال و حلال او حرام کرده اند.»⁽¹⁾

این جملات، در معرض بنی امیه فرازهایی از سخنرانی حسین بن علی علیه السلام است که در (منزل بیضه) خطاب به یاران خود و سپاهیان (حر بن یزید ریاحی) ایراد فرمود.

بنی امیه دشمنان مسلمانان و اهل بیت علیهم السلام
 3/2 - «وَحَمَشْتُمْ عَلَيْنَا نَارًا أَضْرَمْنَاهَا عَلَى عَدُوِّكُمْ وَعَدُونَا فَأَصْبَحْتُمْ إِبْرَاءَ عَلَى أَوْلِيَائِكُمْ وَيَدًا عَلَى أَعْدَائِكُمْ؛ و شما (مردم کوفه) آتش فتنه ای را که (بنی امیه) دشمن شما و دشمن ما برافروخته بود، بر علیه ما شعله ور ساختید و به حمایت از دشمنان بر علیه پیشوایان فتنه بر پا نمودید.»⁽²⁾

این جمله، از فرازهای دومین سخنرانی حسین بن علی علیه السلام در روز عاشورا است.

3/3 - «يا ابا هرم! ان اميه شتموا عرضي فصبرت، و اخذوا مالي فصبرت، و طلبوا دمي فحرت، و ايم الله ليقتوا ني فيلبسهم الله ذلا شاملا و سيفا قاطعا؛ ای ابا هرم! بنی امیه با فحاشی و ناسزاگویی، احترام مرا در هم شکستند، صبر و سکوت اختیار نمودم، ثروتم را از دست گرفتند، باز شکیبایی کردم و چون خواستند خونم را بریزند، شهر و دیار خویش را ترک نمودم. و به خدا سوگند! همان بنی امیه مرا خواهند کشت و خداوند آنها را به ذلتی فراگیر و شمشیری بران مبتلا خواهد نمود.»⁽³⁾

1- طبری 229/6 و کامل ابن اثیر 280/3. انساب الاشراف 171/3.

2- مقتل خوارزمی 6/2 و تحف العقول/173.

3- مقتل خوارزمی 6/2 و تحف العقول/173.

این جمله را امام علیه السلام در (منزل رهیمة) در پاسخ به نام (بوهرم) فرمود، آنگاه که سؤال کرد یابن رسول الله! چه عاملی شما را واداشت که از حرم جدتان خارج شوید؟
3/4 - «یا ابن العم!... و الله لا یدعونی حتی یدستخرجوا هذه العلقة من جوفی؛ پسر عم! به خدا سوگند! بنی امیه دست از من بر نمی دارد مگر اینکه خون مرا بریزند».⁽¹⁾
امام این جمله را در ضمن پاسخ به (عبدالله بن عباس) که مخالف سفر آن حضرت به عراق بود، ایراد فرمود.

3/5 - «کافی باوصالی تقطعها عسلان الفوات بین النواویس و کربلا فیملان منی اکراشا جوفاً و اجریه سغبا؛ گویا می بینم که درندگان بیابان ها (پیروان بنی امیه) در سرزمینی در میان نواویس و کربلا، اعضای بدن مرا قطعه قطعه و شکمهای گرسنه خود را سیرو انبانهای خود را پر می کنند».⁽²⁾
امام علیه السلام این جمله را در ضمن خطبه ای در شب هشتم ذیحجه سال شصت در مکه ایراد فرمود و صبح همان روز به سوی عراق حرکت نمود.

3/6 - «وایم الله! لو کنت فی ثقب جحر هامة من هذه الهوام لا ستخر جونی حتی یقضوا فی حاجتهم...؛ بخدا سوگند! اگر در آشیانه پرنده ای هم باشم، (بنی امیه) مرا بیرون خواهند کشید تا با کشتن من به خواسته خود نایل گردند».⁽³⁾

1- مقتل مقرر/168. طبری 217/6 و کامل ابن اثیر 276/3.

2- لعوف/26 و مشیر الا حزان/41.

3- مقتل مقرر/166. انساب الاشراف 164/3. طبری 217/6 و کامل الزیارات/72.

حسین بن علی علیه السلام این جمله را در پاسخ (عبدالله بن زبیر) در مکه فرمود که او باطن به خارج شدن آن حضرت از مکه راضی و خوشحال بود، ولی در ظاهر امر، پیشنهاد اقامت در مکه و گاهی وعده کمک و مساعدت هم می داد!!

3/7 - «ان هوأ اخافونی و هذه كتب اهل الكوفة و هم قاتلی؛ از طرفی اینان (بنی امیه) مرا تهدید و تخویف نمودند و از طرف دیگر، اهل کوفه این همه دعوتنامه ابری من فرستادند و همین مردم کوفه هستند که (به دستور بنی امیه) مرا به قتل خواهند رسانید.»⁽¹⁾

این جمله، بخشی از پاسخ حسین بن علی علیه السلام است به سؤال شخصی که در مسیر عراق با آن حضرت ملاقات کرده و سؤال نمود یابن رسول الله! پدر و مادر فدای تو باد! چه انگیزه ای شما را از شهر و دیار خود به این بیابان بی آب و علف کشانده است؟

3/8 - «یا عبدالله!... و الله لاید عونى حتى یتخرجوا هذه العلقة من جوفی.»⁽²⁾

(ای بنده خدا! بنی امیه دست از من بر نمی دارند تا اینکه خون مرا بریزند).

این جمله را نیز آن حضرت در منزل (بطن عقبه) در نزدیکی کربلا در پاسخ شخصی به نام (عمرو بن لوزان) فرمود؛ زیرا وی که در این منزل به قافله آن حضرت ملحق شده بود سؤال کرد ابن رسول الله مقصد شما کجاست در پاسخ وی جمله بالا را ایراد فرمود.

3/9 - «... و تفرقوا فی سوادکم و مدائنکم، فان القوم انما یطلبوننی، و لو اصابونی

لذهلوا عن طلب غیری.»⁽³⁾

1- مقتل مقرر/175. ابن عساکر/211 و البداية و النهایة 169/8.

2- ارشاد مفید 76/2 و ابن عساکر/211.

3- مقتل مقرر/213. تاریخ طبری 239/6. کامل ابن اثیر 285/3.

«... و هر یک از شما به شهر و دیار خویش متفرق شوید، زیرا اینان تنها در تعقیب
من هستند و اگر بر من دست یابند، کاری با دیگران ندارند».

امام علیه السلام این جمله را در شب عاشورا و در ضمن سخنرانی خود، خطاب به یاران
خویش ایراد فرمود.

4 - معرفی معاویه

4/1 - «أما بعد، فإن هذه الطاغية قد فعل بنا وبشيعتنا ما قد رأيتم وعلمتم وشهدتم؛ (شما حاضرین از شخصیت های اسلامی) از جنایاتی که معاویه این جبار طاغیه نسبت به ما شیعیان ما روا داشته، آگاهید و شاهد ستمگری های او هستید».

توضیح: این فراز و سه فراز آینده از فرمایشات حسین بن علی علیه السلام در معرفی معاویه و حکومت جابرانه و ظالمانه او و ترسیم اجمالی از وضع شیعیان اهل بیت و مظلومیت آنان در دوران حکومت معاویه، بخشهای مختلف از خطبه حسین بن علی علیه السلام در سرزمین منی است.

4/2 - «فيا عجباً! ومالي لا أعجب، والأرض من غاش غشومٍ ومتصدقٍ ظلومٍ وعاملٍ على المؤمنين بهم غير رحيمٍ؛ شگفتا! و چرا شگفت زده نباشیم در حالی که جامعه در تصرف مرد دغلباز و ستمکاری (چون معاویه) است که مامورین مالیاتیش ستم می ورزند و استانداران و فرماندارانش بر مومنان بی رحم و خشن هستند».

4/3 - «فمن بين مستعبدٍ مقهورٍ وبين مستضعفٍ علي معيشته مغلوبٍ يتقلبون في الملك بأرائهم ويستشعرون الخزي باهوائهم اقتداءً بالاشرار وجرأةً على الجبار؛ گروهی از مومنان (در حکومت او) مانند بردگانی هستند سرکوفته و گروه دیگر، بیچارگانی که سرگرم تأمین آب و نانسان در حالی که حاکمان دست نشانده او، در منجلاب فساد حکومت و سلطه گری خویش غوطه ورنند و با هوسبازی های خویش، رسوایی به بار می آورند، زیرا از چنان اشراری پیروی نموده و در برابر خدا گستاخی می کنند».

4/4 - «فالأرض لهم شاغرة وأيديهم فيها مبسوطة، والناس لهم خول لا يدفعون يد لإمس، فمن بين جبار عنيد، وذی سطوة علی الضعفة شدید، مطاع لا يعرف المبدیء والمعید؛ زمین در زیر پایشان است و دستشان به هر جنایتی باز است. مردم برده آنان

هستند و قدرت دفاع از خود را ندارند. در یک بخش از کشور اسلامی، حاکمی است
دیکتاتور و کینه ورز و خود خواه و حاکمی است که بیچارگان را می کوبد و بر آنان
قلدری و سخت گیری می کند و در نقطه دیگر، فرمانروایی است که نه خدا را می
شناسد و نه روز جزا را.⁽¹⁾

1- کتاب خطبه حسین بن علی علیه السلام در منی/ 55، 70، 76 و 77

5 - معرفی یزید

5/1 - «و علی الإسلام السلام اذا بليت براع مثل یزید. ولقد سمعت جدی رسول الله صلی الله علیه وآله یقول: الخِلافة محرمة علی آل ابی سفیان. فإذا رأیتُم معاویة علی منبری فابقروا بطنه، وقد رآه أهل المدينة علی المنبر فلم یبقروا فابتلاهم الله بیزید الفاسق؛ امام حسین علیه السلام فرمود: ما از خدا هستیم و به سوی او بر می گردیم، اینک باید فاتحه اسلام را خواند؛ زیرا امت به یک فرمانروایی فاسد مانند یزید مبتلا شده اند، آری، من از جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود: خلافت بر آل ابی سفیان است و اگر روزی معاویه را بر منبر من دیدید پس او را بکشید و چون مردم او را در عرشه منبر رسول خدا دیدند و به قتلش نرسانیدند، خداوند آنان را به بدتر از وی، یعنی یزید فاسق مبتلا گردانید». (1)

این جمله، پاسخ امام علیه السلام است به (مروان بن حکم) که در مدینه و قبل حرکت آن حضرت به سوی مکه، پیشنهاد سازش با حکومت اموی و بیعت با یزید را می نمود.

5/2 - «و یزید رجل فاسق شارب الخمر قاتل النفس المحرمة معین بالفسق و مثلی لا یبایع بمثله؛ و یزید شخصی است فاسق شرابخوار و آدمکش، متظاهر به فسق و فردی مانند من، با چنین کسی بیعت نخواهد کرد». (2)

این جمله را هم، امام در پاسخ (ولید بن عتیقه) فرماندار مدینه فرمود آنگاه که پیشنهاد بیعت با یزید را به آن حضرت ارائه نمود.

1- مقتل مقرر/133. مقتل خوارزمی 184/1. لهوف/20. مشیرالاحزان/25. مقتل عوالم 17/175. لهوف/11 و بحارالنوار 326/44.

2- لهوف/10. مقتل/131. مقتل خوارزمی 184/1. بحارالانوار 325/44 و عوالم 17/174.

6 - نکوهش مردم کوفه در پیام امام حسین علیه السلام

حسین بن علی علیه السلام در چند فراز از سخنانش، مردم کوفه را مورد ملامت و نکوهش قرار داده، حالت تزلزل و نوسان روحی، پیمان شکنی و عدم ثبات فکری - عقیدتی آنان را که یکی از عوامل مهم آن، تغذیه از حرام و استفاده از هدایای غیر مشروع حکام و فرمانداران معاویه بود، مطرح نموده است، آنگاه به ثمره تلخ و نتیجه خطر ناک این وضع نابسامان عقیدتی آنان اشاره کرده است و آن حمایت بی دریغشان آنان از بنی امیه دشمنان سرسخت اسلام و قرآن و عداوت و دشمنی با امام و رهبرشان و با فرزند پیامبرشان می باشد که با علم و آگاهی و شناختی که از او دارند، به جنگ با وی آماده شده و جنایاتی که در تاریخ بشریت بی سابقه است، مرتکب گردانیده اند.

این درسی است برای همه مسلمانان در طول تاریخ که ممکن است افرادی به همان علل و عواملی که موجب انحراف مردم کوفه گردید، منحرف گردند و در عین ادعای اسلام و پیروی از قرآن، عملاً در اختیار دشمنان اسلام و حرکتشان در مسیر تحقق اهداف و آرمان آنان باشد و حتی گاهی سکوتشان موجب تقویت جبهه دشمن و تایید و تثبیت حکومت ناهلان و بنی امیه های دوران گردد.

6/1 - « وَقَدْ اتَّيْنِي كِتَابِكُمْ وَقَدِمْتَ عَلَيَّ رَسَلَكُمْ بِيَعْتِكُمْ، اِنكُمْ لَا تَسْلُمُونِي وَلَا تَحْدَلُونِي. فَاِنْ اَتَيْتُمْ عَلَيَّ بِعَيْتِكُمْ تَصِيْبُوا رَشْدَكُمْ، فَاِنَا الْحُسَيْنُ بِنِ عَلِيٍّ وَابْنِ فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُوْلِ اللّٰهِ، نَفْسِي مَعَ اِنْفُسِكُمْ، وَ اَهْلِي مَعَ اَهْلِكُمْ، وَ لَكُمْ فِيَّ اَسْوَةٌ. وَ اِنْ لَمْ تَفْعَلُوْا، وَ نَقَضْتُمْ عَهْدَكُمْ وَ خَلَفْتُمْ بِيَعْتِي مِنْ اَعْنَاقِكُمْ، مَا هِيَ لَكُمْ بِمَنْكُرٍ، لَقَدْ فَعَلْتُمْوهَا بَايٍ وَ اَخِي وَ ابْنِ عَمِيٍّ مَسْلُمٍ، فَالْمَغْرُوْرُ مِنْ اِغْتَرَبِكُمْ، فَحَظُّكُمْ اَخْطَاْتُمْ وَ نَصِيْبِكُمْ ضِيَعْتُمْ، وَ مِنْ نَكْتٍ فَاِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَيَّ نَفْسِهٖ...؛ و به سیله نامه ها و پیام پیک هایی که به من

فرستادید، با من بیعت نمودید و پیمان بستید که در مقابل دشمن، مرا تنها نخواهید گذاشت و دست از یاریم نخواهید کشید، اینک اگر بر این پیمان وفادار و باقی بودید، به

سعادت و ارزش انسانی خود دست یافته اید... و اگر با من پیمان شکنی کنید و بر بیعت خود باقی نمانید، به خدا سوگند! این عمل شما بی سابقه نیست که با پدرم و برادرم و پسر عمویم مسلم هم این چنین رفتار نمودید، پس کسی گول خورده است که به حرف شما اعتماد کند شما مردمانی هستید که در به دست آوردن نصیب اسلامی خود، راه خطا پیموده و سهم خود را به رایگان از دست داده اید و هر کس پیمان شکنی کند، خود متضرر خواهد گردید...».

این جملات، بخشی از سخنرانی حسین بن علی علیه السلام است که در (منزل بیضه) به سپاهیان (حر بن یزید ریاحی) ایراد فرمود.

6/2 - «إِنَّ النَّاسَ عبيدُ الدُّنْيَا وَ الدِّينَ لَعَقَ عَلَى السِّنْتِهِمْ يَحْطُونَهُ مَا دَرْتَمَعَائِشَهُمْ فَإِذَا مَحْصُوا بِالْبَلَاءِ قَلَّ الدِّيَانُونَ؛ این مردم (مردم کوفه) برده و اسیر دنیا هستند و دین لقلقه زبانشان، پیروی نمودن آنان از دین تا آنجاست که زندگیشان در رفاه باشد و آنگاه که در بوته امتحان قرار بگیرند، دینداران، کم خواهند بود.»⁽¹⁾

این فراز، آخرین جمله در خطبه حسین بن علی بن علی علیه السلام است که پس از ورود به کربلا در میان اهل بیت و یاران خویش ایراد فرمود.

توضیح اینکه: منظور از (الناس) با قرینه صدر و ذیل خطبه و شرایط موجود، مردم کوفه می باشد و (الف و لام) نه برای (جنس) بلکه برای (عهد خارجی) است.

1- مقتل مقرر/193. طبری 229/6. تحف العقول/174 و خوارزمی 237/1.

6/3 - «و اراکم قد اجتمعتم علی امر قد اسخطتم الله فيه و اراکم قد اجتمعتم علی امر قد اسخطتم الله فيه علیکم؛ و اعرض بوجهه الکریم عنکم و أحل بکم نِقْمَتَهُ؛ و جنبکم رحمتَهُ. فَنِعْمَ الرَّبُّ رَبِّنَا، وَ بئسَ الْعَبِيدُ أَنْتُمْ! أَقْرَرْتُمْ بِالطَّاعَةِ وَ أَمَنْتُمْ بِالرَّسُولِ مُحَمَّدٍ ﷺ؛ ثُمَّ إِنَّكُمْ زَحَفْتُمْ إِلَى ذُرِّيَّتِهِ وَ عِتْرَتِهِ؛ تَرِيدُونَ قَتْلَهُمْ. لَقَدْ اسْتَحَوَذَ عَلَيْكُمْ الشَّيْطَانُ فَأَنْسَاكُمْ ذِكْرَ اللَّهِ الْعَظِيمِ! فَتَبَا لَكُمْ وَ لِمَا تَرِيدُونَ...؛ می بینم که شما (مردم کوفه) برای امری اجتماع کرده اید که خشم خدا را بر علیه خود برانگیخته اید و موجب اعراض خدا از شما گردیده و غضبش را بر شما فرو فرستاده است. چه نیکوست خدای ما و چه بندگانگی هستید شماها که به فرمان خدا گردن نهادهاید و به پیامبرش ایمان آوردید و سپس گردیده و خدای بزرگ را از یاد شما برده است، ننگ بر شما بر آنچه اراده کرده اید». (1) این فراز، بخشی از اولین سخنرانی حسین بن علی علیه السلام در روز عاشورا است که خطاب به سپاهیان عمر سعد، ایراد فرموده است.

6/4 - «وَ إِنَّمَا أَدْعُوكُمْ إِلَى سَبِيلِ الرَّشَادِ، فَمَنْ أَطَاعَنِي كَانَ مِنَ الْمُرْشِدِينَ، وَ مَنْ عَصَانِي كَانَ مِنَ الْمُهْلِكِينَ، وَ كَلِمَتُكُمْ عَاهٌ لَا مَرِيٍّ غَيْرِ مُسْتَمِعٍ لِقَوْلِي، قَدْ انْخَزَلْتُ عَطِيَّاتِكُمْ مِنْ الْحَرَامِ وَ مَلَيْتُ بِطُونِكُمْ مِنَ الْحَرَامِ، فَطَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِكُمْ، وَ يَلِكُمْ أَلَّا تَنْصِتُونَ، أَلَّا تَسْمَعُونَ؟!» (2)

«... من شما (مردم کوفه) را به رشد و سعادت فرا می خوانم، هر کس را من پیروی کند، از رشد یافتگان است و هر کس مخالفت ورزد، از هلاک شدگان است. اینک همه شما سرکشی و عصیان و با دستور من مخالفت می کنید که گفتار مرا نمی شنوید، آری در اثر هدایای حرام که به دست شما رسیده و در اثر غذاهای حرام که شکمهای شما از آنها انباشته شده، خداوند این چنین بر دلهای شما مهر زده است و ای بر شما! چرا ساکت نمی شوید؟! چرا به سخنانم گوش فرا نمی دهید؟!»

2- مقتل خوارزمی 6/2.

1- مقتل مرقم/227 - 228 و مقتل خوارزمی 253/1.

و این فراز و دو فراز آیند ، از دومین سخنرانی حسین بن علی علیه السلام در روز عاشوراست ما مشروح این دو سخنرانی را با ذکر منابع، در (سخنان حسین بن علی علیه السلام) نقل نموده ایم.

6/5 - «قَدْ كُفِّرْنَاكُمْ فَمَا لَمَّا أَنْتُمْ مِنْ طَوَّغَيْتِ الْأُمَّةَ، وَشَيْذِ الْأَلَا حِزَابٍ، وَنَبَذَةِ الْكِتَابِ، وَنَفَثَةِ الشَّيْطَانِ، وَعَصَبَةِ الْإِثَامِ، وَمُحْرِفِي الْكِتَابِ، وَمُطْفِئِي السُّنَنِ، وَقَتْلَةِ أَوْلَادِ نَبِيِّهِ، وَمُيِّرِي عَهْدِهِ لِأَوْصِيَاءِهِ، وَمُلْحِقِي الْعَهَارِ بِالنَّسَبِ، وَمُؤْذِي الْمُؤْمِنِينَ، وَصَرَاحِ أُمَّةِ الْمُسْتَهْزِئِينَ، الَّذِينَ جَعَلُوا الْقُرْآنَ عِضِينَ.»⁽¹⁾

«رویتان سیاه باد! شما از سرکشان امت و از بازماندگان احزاب مشرک هستید که قرآن را به دور انداخته اید و از دماغ شیطان افتاده اید . شما از گروه جنایتکاران و تحریف کنندگان کتاب و خاموش کنندگان سنن هستید که فرزندان پیامبر را می کشید و نسل اوصیا را ریشه کن می کنید. شما پیروان کسانی هستید که زنازادگان را به نسب ملحق کردند و اذیت کنندگان مومنان و فریاد رس پیشوایان استهزا کنندگان می باشید که قرآن را بخشهایی نامفهوم و بی محتوا تصور می کنند.»

6/6 - «اجل و الله! الخذل فيكم معروف، و شجت عليه عروقكم، و توراثة اصولكم و فروعكم، و نبتت عليه قلوبكم، و غشيت به صدوركم فكنتم اخبث ثمرة شجى للناس و اكلة للغاصب...»⁽²⁾

«آری، به خدا سوگند! مکر و فریب، از صفات بارز شماست که رگ و ریشه شما بر آن استوار و تنه و شاخه شما آن را به ارث برده و دلهایتان با این عادت نکوهیده، رشد نموده و سینه هایتان با آن مملو گردید، است به آن میوه نامبارک شبیه هستید که در گلوی باغبان رنج دیده اش، گیر کند، و در کام سارق ستمگر شیرین و گوارا باشد.»

1- همان مدرک 7/2.

2- تحف العقول/241.

7 - پیام مقاومت

یکی از مبانی اعتقادی شیعه - در اصل همانند نبوت - برتری امام در همه اوصاف حسنه و فضایل اخلاقی انسانی است. و امام افضل افراد امت و ارجح از همه آحاد مردم باشد؛ زیرا مقدم داشتن (مفضول) و کسانی که از لحاظ فضایل در سطح پایین قرار دارند بر (فاضل) و افراد برجسته و لایق، عقلا نادرست و بر خلاف نظام اتم آفرینش و قانون تشریح الهی است. و این حقیقت را می توان از این آیه شریفه به وضوح دریافت که:

(أَمَّنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمَّنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَىٰ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ).⁽¹⁾

«آیا کسی که هدایت به سوی حق می کند برای پیروی شایسته تر است یا آن کس که خود هدایت نمی شود مگر هدایتش کنند؟ شما را چه می شود، چگونه داوری می کنید؟!».

اصلا واژه (امام) که از قرآن کریم گرفته شده است، به معنای (رهبر، پیشوا، الگو و سرمشق) است. الگو و سرمشق در چه؟ در همه فضایل معنوی و اخلاقی، در علم و دانش، در تواضع و فروتنی، در کرامت و عزت نفس، در عبادت و شجاعت، در کرم و سخاوت... و بالاخره در صبر و شکیبایی به هنگام مقابله با دشمن و در استقامت و پایداری در دفاع از اسلام و قرآن و این است مفهوم (امام).

1- یونس/35.

حسین بن علی علیه السلام یکی از امامان و پیشوایان معصوم و یکی از این الگوهاست که چون در صحنه مبارزه با دشمن قرار می گیرد، پیام استقامت و پایداری او در همه انسانها موج و تحرک ایجاد می کند و آنجا که اسلام به فداکاری او نیازمند است، شعار صبر و شکیباییش برای همه جهانیان الگو و سرمشق می گردد.

این معنا و پیام استقامت و پایداری در کلمات حسین بن علی علیه السلام بیش از پیام های دیگرش منعکس گردیده و تعداد این شعارها در گفتار آن حضرت که به صورت نظم و نثر به دست ما رسیده، بیش از سایر پیام ها و شعارهایش ظهور و تجلی دارد که در اینجا بیست مورد از آنها را ذکر می کنیم:

7/1 - «يَزِيدُ رَجُلًا فَاسِقًا شَارِبًا الْخَمْرِ قَاتِلًا النَّفْسَ الْمُحَرَّمَةَ مَعْلِنًا بِالْفِسْقِ وَمِثْلِي لَا يُبَايِعُ مِثْلَهُ.»⁽¹⁾

«و یزید شخصی است فاسق، شرابخوار، آدمکش و آشکارا مرتکب فسق و فجور می شود و شخصی مانند من با فردی مثل او بیعت نخواهد کرد.»

به طوری که در صفحات گذشته اشاره نمودیم، امام علیه السلام این جمله را در پاسخ (ولید بن عتبه) فرماندار مدینه ایراد فرمود که پس از مرگ معاویه به آن حضرت پیشنهاد بیعت با یزید را مطرح نمود و این جمله در عین اینکه فساد یزید را بیان می کند، پایداری و استقامت حسین بن علی علیه السلام را نیز می رساند که در مقابل فساد، به مبارزه ادامه خواهد داد.

2- لهوف/10. بحار الانوار 325/44 و عوالم 174/17.

7/2 - «وَأَنَّهُ لَا أُعْطِي الدِّينَةَ مِنْ نَفْسِي أَبَدًا»

(همانا من هیچ گاه زیر بار ذلت نخواهم رفت).

امام عَلَيْهِ السَّلَام این جمله را در پاسخ برادرش (عمر) معروف به (طرف) بیان نمود، آنگاه که او قبل از حرکت از مدینه، حادثه کربلا و جریان شهادت امام را از زبان امام حسن نقل و در خواست نمود که امام از این سفر منصرف شود و با یزید سازش کند، آن حضرت در پاسخ وی ضمن اینکه آگاهی خود را بیش از آنچه (عمر طرف) در جریان این حوادث بود، به اطلاع وی رسانیده و جریان شهادت خود و امام مجتبی را به طوری که از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شنیده بود برای وی نقل کرد، این جمله را هم اضافه نمود که: (به خدا سوگند! به این همه فشارها ابدًا به زیر بار ذلت نخواهم رفت).

دعوت به صبر و پایداری

7/3 - «يَا أُخِي! وَاللَّهِ لَوْلَمْ يَكُنْ فِي الدُّنْيَا مَلْجَأٌ وَلَا مَأْوَى، لَمَا بَايَعْتُ يَزِيدَ بْنَ

مُعَاوِيَةَ» (1)

«برادر (محمد!) اگر در تمام دنیا (با این همه وسعت) هیچ پناهگاه و ملجأی نباشد، باز هم من دست بیعت به یزید بن معاویه نخواهم داد».

امام عَلَيْهِ السَّلَام این جمله را در پاسخ برادرش (محمد حنیفه) فرمود، آنگاه که وی به آن حضرت این چنین پیشنهاد نمود که به عقیده من شما در یک شهر معین اقامت نکنید و به همراه فرزندان در یک منطقه دور دست قرار بگیرید و از آنجا نمایندگانی را به سوی شهرها گسیل دارید، اگر مردم با شما بیعت نمودند، شکر خدای را به جای آورید و اگر با دیگران بیعت کردند، باز هم لطمه ای بر شما وارد نخواهد گردید.

1- مقتل عوالم 178/17 و خوارزمی 188/1.

7/4 - «فَإِنِّي لَا أَرَى الْمَوْتَ إِلَّا السَّعَادَةَ وَالْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِينَ إِلَّا بَرَمًا»⁽¹⁾

(من (در چنین محیط ذلت بار) مرگ را جز سعادت و خوشبختی و زندگی با این ستمگران را چیزی جز ننگ و نکبت نمی دانم).

این جمله از فرازهای سخنرانی آن حضرت است که در روز دوم محرم، پس از ورود به کربلا ایراد فرموده است.

7/5 - «لَا وَاللَّهِ لَا أُعْطِيكُمْ بِيَدِي إِعْطَاءَ الذَّلِيلِ؛ وَلَا أَقْرُ لَكُمْ إِقْرَارَ الْعَبِيدِ»⁽²⁾.

(به خدا سوگند! نه دست ذلت در دست آنان می گذارم و نه مانند بردگان از صحنه جنگ و از برابرشان فرار می کنم).

امام این جمله را در ضمن سخنرانی اول خود در روز عاشورا ایراد فرمود.

7/6 - «أَلَا إِنَّ الدَّعِيَّ بْنَ الدَّعِيِّ قَدْ رَكَزَ بَيْنَ اثْنَتَيْنِ بَيْنَ السَّلَةِ وَالذَّلَةِ وَهَيْهَاتَ مِنَّا الذَّلِيلَةَ، يَا أَبَى اللَّهِ لَنَا ذَلِكَ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَحُجُورٌ طَابَتْ وَطَهَّرَتْ وَأَنْوَفٌ حَمِيَّةٌ وَنَفُوسٌ أَبِيَّةٌ، مِنْ أَنْ نُؤَثِّرَ طَاعَةَ اللَّئَامِ عَلَى مِصَارِعِ الْكِرَامِ...»⁽³⁾

«آگاه باشید که این فرومایه (ابن زیاد) و فرزند فرومایه، مرا در بین و دو راهی شمشیر (شهادت) و ذلت (زندگی) قرار داده است و هیهات! که ما به زیر بار ذلت برویم؛ زیرا خدا و رسولش و مومنان از اینکه ما پذیرای ذلت باشیم، ابا ندارد و دامنهای پاک مادران ما و مغزهای با غیرت و نفوس با شرافت پدران ما روا نمی دارد که اطاعت افراد لئیم و پست را بر قتلگاه مردان با فضیلت، مقدم بداریم».

این جملات از فرازهای دومین حسین بن علی علیه السلام در روز عاشورا است.

1- بحار الانوار 192/44.

2- مقتل خوارزمی 253/1.

3- مقتل مقم 234/234. مقتل خوارزمی 7/2 - 8 این فراز را ابن ابی الحدید 249/3 از امام سجاد علیه السلام نقل نموده است.

7/7 - «أَمَا وَاللَّهِ لَا أُجِيبُهُمْ إِلَى شَيْءٍ مَّا يَرِيدُونَ حَتَّى أَلْقَى اللَّهَ تَعَالَى وَأَنَا مَخْضَبٌ بَدِيٍّ»⁽¹⁾

(آگاه باشید! به خدا سوگند! من به هیچ یک از خواسته های دشمنان جواب مثبت نخواهم داد تا محاسنم به خونم خضاب گشته، و به دلقای خدا نایل گردم).
این جمله، از فرازهایی از سخنان حسین بن علی علیه السلام است که در روز عاشورا پس از آنکه در میان دو لشکر، جنگ مغلوبه ای واقع گردید و گروهی از یاران آن حضرت به شهادت رسیدند، برای تشجیع و تسلی بقیه یارانش، ایراد فرموده است.

7/8 - «عِنْدَ ذَلِكَ احْتَسِبَ نَفْسِي وَحِمَاةَ اصْحَابِي»⁽²⁾

«بذل جانم و کشته شدن اصحاب و یارانم که به فرمان خداست، به حساب اوست و از پیشگاه او در خواست اجر و پاداش می نمایم».

امام علیه السلام این جمله را در کنار پیکر قطعه - قطعه شده (حبیب بن مظاهر) سرباز کهنسالش ایراد فرمود.

7/9 - «إِنِّي فِي غَدٍ أَقْتَلُ وَتَقْتَلُونَ كَلِّكُمْ مَعِيَ وَلَا يَبْقَى مِنْكُمْ وَاحِدٌ»⁽³⁾

«من فردا کشته می شوم و همه شما حاضرین نیز کشته خواهید شد و کسی شما زنده نخواهد ماند... و حتی قاسم و عبدالله شیر خوار نیز کشته خواهند شد».

طبق نقل نفس المهموم، امام علیه السلام این جمله را در شب عاشورا پس از سخنرانی که خطاب به اهل بیت و اصحاب خود ایراد فرمود، تذکر داد آنگاه که به آنان اجازه داد مرخص شوند و صحنه کربلا را ترک نمایند، ولی هر یک از آنان به نحوی و با بیانی استقامت و پایداری و حمایت خود را از امام علیه السلام اعلام نمودند.

1- مقتل مكرم/240.

2- مقتل مكرم/244.

3- نفس المهموم/230.

7/10 - «هُونَ عَلِيٍّ مَا نَزَلَ بِئِ أَنَّهُ بَعِينِ اللَّهِ»⁽¹⁾.

«تحمل این مصیبت نیز بر من آسان است؛ زیرا خداوند او را می بیند».
بنا به نقل (سید بن طاووس) حسین بن علی علیه السلام این جمله را هنگامی ایراد فرمود
که طفل شیر خوارش در روی دستش هدف تیر قرار گرفت و آن حضرت خون گلوی
او را گرفت و به سوی آسمان پاشید.

و بالاخره از پیام های استقامت و شعارهای پایداری آن حضرت که به صورت نثر به
دست ما رسیده است، یکی هم این جمله است که:

7/11 - «موتٌ في عزٍّ خيرٌ من حياةٍ في ذلٍّ».

«مرگ با عزت بهتر از زندگی با ننگ و ذلت است».

این جمله را مرحوم مجلسی در بحارالانوار⁽²⁾ در ضمن بعضی ازرف مایشات آن
حضرت از مناقب نقل نموده است.

و اینک پیام و شعار مقاومت و پایداری آن حضرت که به صورت شعر نقل گردیده
است:

- 7/12

سامضی و ما بالموت عار علی الفتی اذا ما نوى حقا و جاهد مسلط
«من به سوی مرگ می روم که مرگ بر جوانمرد ننگ نیست، آنگاه که نیتش حق و
جهادش برای اسلام باشد».

1- نفس المهموم/349.

2- بحارالانوار 192/44 و مناقب 68/4.

- 7/13

وواسی الرجال الصالحین بنفسه وفارق مَثبورا و خالف مجرما
«و با ایثار جانش از مردان نیک حمایت کند و از دشمنی با خدا، و از جنایتکاران
دوری گزیند».

- 7/14

اقدم نفسی لا ارید بآها لتقلی خمیسا فی الهیاج عمرما
«من اینک جانم را تقدیم می کنم و دست از زندگی می شویم تا در جنگی سخت و
با دشمنی بس بزرگ مواجه شوم».

- 7/15

فان عشت لم اندم و ان مت لم لله کفی بک ذلانا تعیش و ترغما
«اگر با این عقیده زنده بمانم، پشیمانی ندارم و اگر بمیرم مورد ملامت نیستم ، ولی
برای تو همین بس که چنین ذلت بار و ننگینی را سپری کنی».

امام علیه السلام این شعار و این ابیات چهارگانه را در منزل (اشراف) خطاب به (حربن یزید
ریاحی) ایراد نمود، آنگاه که در میانشان بحث طولانی شد، زیرا امام علیه السلام می خواست
به حرکت خود به سوی کوفه ادامه دهد و حر، تصمیم گرفته بود طبق ماموریتی که به
وی محول شده بود، از حرکت آن حضرت جلوگیری نماید. تا آنجا که به آن حضرت
عرض کرد اگر شما این سفر را ادامه دهید منجر به جنگ خواهد گردید و اگر جنگی
پیش بیاید، شما حتما کشته خواهید شد.

آن حضرت در پاسخ وی فرمود: «أَفَبِالْمَوْتِ تُخَوِّفُنِي؟! وَهَلْ يَعْدُو بِكُمْ الْخَطْبُ إِنَّ
تَقْتَلُونِي؟».

«آیا مرا با مرگ می ترسانی، مگر بیش از کشتن من نیز کاری از شما ساخته است؟»

آنگاه فرمود: در اینجا من همان اشعاری را می خوانم که آن برادر مسلمان از قبیله اوس هنگامی که می خواست برای نصرت و یاری پیامبر در جنگ شرکت کند، خواند، سپس اشعار یاد شده را ایراد فرمود.⁽¹⁾

- 7/16

فان نهزم فهزامون قدما و ان نهزم فغیر مهزمینا
«ما اگر پیروز شدیم، پیروزی ما سابقه دار و قدیمی است (که پدرم و جدم بر کفار پیروز گشته اند). و اگر شکست بخوریم، باز هم ما شکست نخوردیم (زیرا ما طرفدار حقیم و حق پایدار است)».

این یکی از چهار بیت شعری است که امام علیه السلام در ضمن دومین سخنرانی مشروح خود که در روز عاشورا برای اهل کوفه ایراد فرمود، به آنها متمثل گردید.⁽²⁾

- 7/17

و ان تکن الا بدان للموت انشات فقتل امرء بالسيف في الله افضل⁽³⁾
«و اگر این بدنها برای مرگ آفریده شده است، پس کشته شدن مرد با شمشیر در راه خدا چه بهتر!».

این بیت هم یکی از چهار بیت شعری است که امام علیه السلام در (منزل شقیق) در پاسخ مسافری که از کوفه می آمد، ایراد فرمود؛ زیرا وی از وضع آینده این سفر و از حوادث ناگواری که حسین بن علی علیه السلام ممکن است با آنها مواجه شود، اظهار نگرانی نمود.

1- مقتل مقرر/184 و مقتل خوارزمی 233/1.

2- مقتل مقرر/235 و مقتل خوارزمی 7/2.

3- مقتل مقرر/180. ابن عساکر/164. مقتل خوارزمی 233/1 و مناقب 95/4.

- 7/18

الموت اولی من رکوب العیا و العار اولی من دخول النل⁽¹⁾
«مرگ بهتر از پذیرفتن ننگ است و ننگ بهتر از قبول آتش می باشد».

- 7/19

انا الحسین بن علی الیست ان لا اثنی
«من حسین بن علی هستم، سوگند یاد کرده ام که (در مقابل دشمن) سرفروود نیاورم».

- 7/20

احمی عیالات ابی امضی علی دین النبی⁽²⁾
«من اینک از اهل و عیال و پدرم دفاع می کنم و در راه دین پیامبر کشته می شوم».
این اشعار را امام علیه السلام روز عاشورا در حالی خواند که به دشمن حمله نموده و مبارزه می طلبید.

1- مقتل مرقم/274. مثیر الاحزان/72 و مقتل عوالم 293/17.

2- مقتل عوالم 292/17.

8 - دعوت به صبر و پایداری

(إِنِّي جَزَيْتَهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا أَنَّهُمْ هُمُ الْفَائِزُونَ).⁽¹⁾

«من امروز آنان را به خاطر صبر و استقامتشان پاداش می‌دهم، آنان پیروز و رستگارند».

در فصل گذشته ملاحظه فرمودید که یکی از خصوصیات اخلاقی و از برجسته ترین فضایی که در دوران امامت و به هنگام پذیرش مسوولیت در بی‌اعتنایی آن حضرت به قدرت ظاهری بنی‌امیه بود.

اینک در این فصل، با بعد دیگری از این فضیلت آشنا می‌شویم، زیرا آن بزرگوار، گذشته از اینکه خودش دارای این روحیه مقاوم و استوار بود، خاندان و یارانش را نیز بر این اصل مهم دعوت و در آنان هم، چنین روحیه‌ای را تقویت می‌نمود.

و با اینکه آنان در اثر ایمان قوی و اعتقاد راسخ از صبر و شکیبایی والایی برخوردار بودند، ولی باز هم آن حضرت با توجه به حساسیت شرایط و استثنایی بودن حادثه در مواردی بانوان و دختران خردسال و اصحاب و یارانش را به استقامت و پایداری و صبر و شکیبایی توصیه می‌نمود و با بیانات مختلف و ترسیم پادشاهای معنوی و اخروی آنان را تقویت و بر دل‌هایشان نیرو و آرامش می‌بخشید و برای استقبال از شهادت و اسارت، آماده تر و دلگرمتر می‌ساخت و این جملات در تقویت روحی و ایجاد اعتماد و توکل در آنان آنچنان مؤثر بود که نه از مواجه شدن با نیزه و شمشیر، در خود ترس و واهمه راه دادند و نه از قطعه - قطعه شدن پیکرشان، احساس درد و رنج نمودند، سیلی و تازیانه دشمن نتوانست کودکان را مرعوب کند و شماتت و استهزایش در بانوان، موجب شکست روحی آنان نگردد.

1- مومنون/111.

و اینک ده فقره از این پیام های آرام بخش:

8/1 - «يَا اَخْتَاهُ تَعَزَّى بِعِزِّ اللهِ وَ اِعْلَمِي اَنَّ اَهْلَ الْاَرْضِ يَمُوتُونَ وَ اَهْلَ السَّمَاءِ لَا يَبْقُونَ»⁽¹⁾.

«خواهرم! با استمداد از خداوند، صبر و شکیبایی در پیش بگیر و بدانکه همه مردم دنیا می میرند و کسی از اهل آسمان باقی نمی ماند».

طبق آنچه در منابع معتبر از امام سجاد علیه السلام نقل شده است، حسین بن علی علیه السلام این جملات را در شب عاشورا خطاب به زینب کبرا علیه السلام فرمود، آنگاه که امام حسین بن علی علیه السلام در میان خیمه اش اشعاری در بی وفایی دنیا می خواند: (یا دهر اف لك من خليل...).

زینب کبرا در کنار بستر امام سجاد نشست، با شنیدن این اشعار از برادش ، با عجله وارد خیمه او گردید و چنین گفت: (برادرم! کاش می مردم و چنین روزی را نمی دیدم که این مصیبت، همه مصایب را زنده کرد) و امام علیه السلام با جملات یاد شده خواهرش را تسلی داد. آنگاه چنین فرمود:

8/2 - «انظرنِ اِذَا اَنَا قَتِلْتُ فَلَا تَشَقَّقْنَ عَلَيَّ جِيَاً وَ لَا تَحْمِشْنَ عَلَيَّ وَجَهَاً وَ لَا تَقْلَنَّ هَجْرًا»⁽²⁾.

«خواهرم ام کلثوم! (دخترم) فاطمه! (همسر) رباب! پس از مرگ من گریبان چاک نکنید، سیلی به صورت نزنید و سخنی که از شما شایسته نیست بر زبان نرانید».

1- مقتل مقرر/217. طبری 240/6. کامل ابن اثیر 286/3 و ارشاد مفید/232.

2- مقتل مقرر/218.

8/3 - «استعدوا للبلاء، واعلموا ان الله تعالى حاميكم و حافظكم، وسينجيكم من شر الاعداء، ويجعل عاقبة امركم الى خير، و يعذب عدوكم بانواع العذاب، و يعوضكم عن هذه البلية بانواع النعم و الكرمة، فلا تشكوا و لا تقولوا بالسنتكم ما ينقض من قدركم». (1)

«برای سختی ها آماده باشید و بدانید خداوند پشتیبان و حافظ شما است و در آینده نزدیک، شما را از دست دشمنان نجات خواهد داد و فرجام کار شما را نیکو قرار می دهد. و دشمن را به عذابه‌های گوناگون معذب و برای شما در مقابل این گرفتاری، نعمت ها و عزت های فراوان ارزانی خواهد داشت، پس شکوه نکنید و آنچه ارزش شما را کم می کند، بر زبان نیاورید».

این جملات را امام علیه السلام در آخرین وداعش خطاب به خواهران خود و بانوان حرم ایراد فرمود.

8/4 - «ان الله تعالى اذن في قتلکم و قتل في هذا اليوم، فعليکم بالصبر و القتال». (2)

«خداوند اجازه داده که من و شما در این روز کشته شویم؛ (حکم جهاد، شامل حال ما گردیده است) بر شما است که صبر و شکیبایی کنید و با دشمن بجنگید».

8/5 - «صَبْرًا بَنِي الْكِرَامِ، فَمَا الْمَوْتُ إِلَّا قَنْطَرَةٌ تُعْبَرُ بِكُمْ عَنِ الْبُؤْسِ وَالضَّرَاءِ إِلَى الْجَنَانِ الْوَاسِعَةِ وَالنَّعِيمِ الدَّائِمَةِ، فَأَيُّكُمْ يَكْرَهُ أَنْ يَنْتَقِلَ مِنْ سِجْنٍ إِلَى قَصْرٍ؟! وَمَا هُوَ لِأَعْدَائِكُمْ إِلَّا كَمَنْ يَنْتَقِلُ مِنْ قَصْرِ إِلَى سِجْنٍ وَعَذَابٍ». (3)

1- مقتل مقرر/276 و نفس المهموم/355.

2- مقتل مقرر/225. کامل الزیارات/73 و اثبات الوصیة/139.

3- معانی الاخبار/289. و کامل الزیارات/37 و اثبات الوصیة/193.

«ای بزرگ زادگان! صبر و شکیبایی کنید که مرگ جز پلی نیست که شما را از سختی ها و رنج ها عبور داده به بهشت پهناور و نعمت های همیشگی می رساند و چه کسی از شما است که نخواهد از زندان به قصر انتقال یابد و همین مرگ برای دشمنان شما مانند آن است که آنان را از کاخی به زندان و شکنجه گاه، منتقل کنند».

8/6 - «أَبِي حَدَّثَنِي عَنْ رَسُولِ اللَّهِ إِنَّ الدُّنْيَا سِجْنُ الْمُؤْمِنِ وَجَنَّةُ الْكَافِرِ وَالْمَوْتُ جِسْرٌ هُوَ لِأَيِّ جَنَانِهِمْ وَجِسْرٌ هُوَ لِأَيِّ جَحِيمِهِمْ مَا كَذَبْتُ وَلَا كَذِبْتُ»⁽¹⁾.

«پدرم از رسول خدا نقل نمود اینکه دنیا زندان مؤمن و بهشت کافر است و مرگ پل آنان (مسلمانان) است برای بهشتشان و پل اینان (کافر) است برای دوزخشان، نه به من دروغ گفته اند و نه من دروغ می گویم».

این سه فراز از خطبه حسین بن علی عليه السلام است که در روز عاشورا پس از اقامه نماز صبح، خطاب به یارانش ایراد نمود.

8/7 - «قَوْمُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ إِلَى الْمَوْتِ الَّذِي لَا بَدَّ مِنْهُ، فَإِنَّ هَذِهِ السِّهَامُ رُسُلُ الْقَوْمِ إِلَيْكُمْ»⁽²⁾.

«ای بزرگواران برخیزید به سوی مرگ که راه گریزی از آن نیست و این تیرها پیکهای مرگ است که از این مردم به سوی شما پرتاب می شود».

1- همان.

2- عوالم 255/17

حسین بن علی علیه السلام این جملات را در روز عاشورا آنگاه ایراد فرمود که مراجعت نمود و در این موقع، عمر سعد، به خیمه اش تیری به سوی خیمه گاه آن حضرت رها کرده و گفت: شما نزد امیر (ابن زیاد) شهادت بدهید من اولین کسی بودم که به سوی خیمه های حسین، تیراندازی نمودم. لشکریان او با دیدن این صحنه، تیرها را مانند قطرات باران به خیمه ها فرو ریختند که بنا به نقلی در اثر این تیراندازی عموی، در میان خیمه ها کمتر کسی ماند که تیری بر بدن او اصابت نکرده باشد، امام در این موقع حساس فرمود: (ایها الکرام!...)

8/8 - «یا کرام، هذه الجنة فتحت أبوابها، واتصلت أنهارها، وأینعت ثمارها، وهذا رسول صلی الله علیه و آله والشهداء الذين قتلوا في سبيل الله، يتوقعون قدومكم ويتباشرون بكم، فحاموا عن دين الله ودين نبيه صلی الله علیه و آله، وذبوا عن حرم الرسول صلی الله علیه و آله.»⁽¹⁾

«ای عزیزان! ای بزرگ منشان! اینک درهای بهشت (به روی شما باز شده که نهرهایش جاری و درختانش سرسبز و خرم است و اینک رسول خدا صلی الله علیه و آله و شهیدان راه خدا منتظر شما هستند و ورود شما را به همدیگر مژده می دهند، پس بر شماست که از دین خدا و رسولش حمایت و از حرم پیامبر صلی الله علیه و آله، دفاع کنید.»

حسین بن علی علیه السلام این جملات را پس از اقامه نماز ظهر، آنگاه که چند نفر به هنگام نماز، در دفاع از آن بزرگوار سینه خود را سپر نموده و به خاک و خون غلطیدند؛ ایراد فرمود.

8/9 - «تقدم فانا لا حقون بك عن ساعة.»⁽²⁾

1- مقتل مرقم/246.

2- مقتل خوارزمی 24/2.

«(عمر و!) پیش به سوی بهشت! ما نیز، به زودی به تو ملحق می شویم.»
امام علیه السلام این جمله را هنگامی به (عمر و بن خالد صیدای) فرمود که وی عرضه داشت یابن رسول الله! جانم به قربانت! من تصمیم گرفته ام هر چه دارم زودتر به یاران شهید تو ملحق شوم؛ زیرا برای من سخت است که خودم را کنار بکشم و ببینم که تو در میان اهل و عیالت تنها مانده ای و به دست دشمن کشته می شوی).

8/10 - «رح الی ماهو خیر لك من الدنيا وما فیها، و الی ملك لا یبلی.»⁽¹⁾

«(حنظله!) بشتاب به سوی (بهشتی که) بهتر از دنیا و آنچه در اوست و بشتاب به سوی ملک و مقامی که همیشگی است و کهنه نمی شود.»

(حنظله شبامی) که تاخیر در شهادت را جایز نمی دانست، عرض کرد:

افلا نروح ربنا و نلحق باخواننا؟! آیا به سوی پروردگارانم بروم و به برادرانم که به فیض شهادت نایل گشته اند لاحق نشوم؟).

حضرت در پاسخ فرمود: (رح الی...).

8/11 - «صبرا یا بنی عمومتی صبرا یا اهل بیتی، لا رأیتُم هوانا بعدَ هذا الیومِ أبداً.»⁽²⁾

«عموزادگان من! اهل بیت من! (در مقابل مرگ)، صبور و شکیبا باشید که پس از این جنگ و بعد از شهادت، روی خواری نخواهید دید.»

حسین بن علی علیه السلام این جمله را در حالی فرمود که چند نفر از جوانان بنی هاشم به سوی دشمن حمله کردند و چون امام این حمله دسته جمعی را مشاهده نمود، فرمود:
(صبرا...).

1- مقتل خوارزمی 25/2. طبری 254/6. کامل ابن اثیر 292/3 و لهوف 96/.

2- مقتل مقرر 265/.

8/12 - «یا بن اخی! اصبر علی ما نزل بك فان الله يلحقك بابائك الطاهرين الصالحين.

برسول الله ﷺ و علی و حمزة و جعفر و الحسن».⁽¹⁾

«فرزند برادرم! صبور و شکیبا باش بر رنج و فشاری که بر تو وارد می شود زیرا خداوند تو را به نیاکان پاک و صالحت رسول خدا، علی، حمزه، جعفر و حسن ملحق خواهد نمود».

حسین بن علی علیه السلام پس از مرگ طولانی که در روی خاک و در محاصرت دشمن قرار گرفت کودکی از برادر زادگان آن حضرت، خود را شتابان به امام علیه السلام رسانید، زینب کبری او را به خیمه در کنار او قرار گرفت، یکی از افراد دشمن به نام (بحر بن کعب) به سوی امام حمله نمود، آن کودک دست خود را پیش برد تا مانع رسیدن شمشیر به عمویش شود، شمشیر به دست طفل فرود آمد و آن را قطع نمود و دست لَوِی زان گردید، امام علیه السلام در حالی که به روی خاک افتاده بود، آن طفل را به آغوش کشید و دست به گردن وی انداخت و با همین جمله او را تسلی داد:

(یا بن اخی! اصبر علی ما نزل بك...).

1- کامل ابن اثیر دار صادر 77/4 و ارشاد 241/.

9 - امر به معروف و نهی از منکر در پیام حسین بن علی علیه السلام

مساله (امر به معروف و نهی از منکر) بعنوان یکی از مهمترین برنامه های شریعت و زیربنای نظام اسلامی و عامل اجرایی قوانین این آیین مقدس به شمار می آید و در قرآن مجید با عناوین و تعبیرات مختلف از جمله به صورت ارائه یک وظیفه حتمی و تکلیف موکد آمده است:

﴿وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾. (1)

و گاهی به عنوان بیان اوصاف و نشانه های مومنان راستین از آن یاد شده است چنانچه می فرماید:

﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ...﴾. (2)

و در کلمات پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام هم در این مورد تاکیدات فراوان وجود دارد؛ از جمله امام باقر علیه السلام می فرماید:

«امر به معروف و نهی از منکر، دو فریضه بزرگ الهی است که بقیه واجبات با آنها برپا می شوند و به وسیله این دو، راهها امن می گردد و کسب و کار مردم حلال می شود، حقوق افراد تأمین می گردد و در سایه آنها زمینها آباد و از دشمنها لثقام گرفته می شود و در پرتو آنها، همه کارها روبه راه می گردد». (3)

1- آل عمران/104. «باید از میان جمعی دعوت به نیکی کنند و امر به معروف و نهی از منکر نمایند و آنان رستگارانند».

2- توبه/71. «مردان و زنان با ایمان، ولی (یار و یاور) یکدیگرند، امر به معروف و نهی از منکر می کنند».

3- «إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ سَبِيلُ الْأَنْبِيَاءِ، وَ مِنْهَا جُ الصَّلْحَاءِ، فَرِيضَةٌ عَظِيمَةٌ بِهَا تُقَامُ الْفَرَائِضُ، وَ تَأْمَنُ الْمَذَاهِبُ، وَ تَحُلُّ الْمَكَاسِبُ، وَ تُرَدُّ الْمَظَالِمُ، وَ تَعْمُرُ الْأَرْضُ، وَ يُنْتَصَفُ مِنَ الْأَعْدَاءِ، وَ يَسْقَى يَوْمَ الْأَمْرِ». (وسائل/ج 11، کتاب امر به معروف و نهی از منکر/395).

با توجه به این اهمیت است که عده ای از فقهای بزرگ شیعه، جهاد را با تمام عظمتش و با تمام ابعاد و احکامش، بخشی از امر به معروف و نهی از منکر می دانند و گوشه ای از این وظیفه اسلامی به حساب می آورند و جمله:

«اشهد انک قد اقمت الصلاة و آتیت الزکاة و امرت بالمعروف و نهیت عن المنکر».

که در زیارت حسین بن علی علیه السلام آمده است، گواه این حقیقت است. و این معنا را تفهیم می کند که آن حضرت با قیام و جهاد خود، وظیفه امر به معروف را به انجام رسانیده است.

به هر حال، این موضوع با توجه به اهمیتی که داراست، در کلام و پیام حسین بن علی علیه السلام در سه محور و سه بخش مختلف، مورد توجه قرار گرفته است:

الف - اهمیت امر به معروف و نهی از منکر در جامعه اسلامی.

ب - نکوهش سستی کنندگان در امر به معروف و نهی از منکر.

ج - امر به معروف و نهی از منکر، عنصر اصلی و عامل مهم در قیام حسین بن علی علیه السلام است.

اینک بخش اول:

الف - اهمیت امر به معروف و نهی از منکر در جامعه اسلامی
9/1 - «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَدْ قَالَ فِي حَيَاتِهِ مَنْ رَأَى سُلْطَانًا جَائِرًا مُسْتَحِلًّا لِحُرْمِ اللَّهِ نَاكِرًا لِعَهْدِ اللَّهِ مُخَالِفًا لِسُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ يَعْمَلُ فِي عِبَادِ اللَّهِ بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ ثُمَّ لَمْ يَغْيِرْ بِقَوْلٍ وَلَا فِعْلٍ كَانَ حَقِيقًا عَلَى اللَّهِ أَنْ يَدْخِلَهُ مَدْخَلَهُ».⁽¹⁾

«مردم! پیامبر خدا فرمود هر کس سلطان جائر و زور گویی را ببیند که حرام خدا را حلال نموده و پیمان او را در هم شکسته، با سنت پیامبر، مخالفت می ورزد، در میان بندگان خدا راه گناه و مخالفت با قانون الهی را در پیش می گیرد و با چنین فردی با عمل و گفتارش مخالفت نکند، بر خداوند است که چنین فرد (ساکت) را به محل همان طغیانگر (آتش جهنم) داخل کند».

این فراز، بخش اول از سخنرانی حسین بن علی عليه السلام است که در منزل (بیضه) خطاب به سپاهیان حر ایراد فرمود.

9/2 - «اعْتَبِرُوا أَيُّهَا النَّاسُ بِمَا وَعَظَ اللَّهُ بِهِ أَوْلِيَاءُ مِنْ سُوءِ ثَنَانِهِ عَلَى الْأَخْبَارِ إِذْ يَقُولُ: (لَوْلَا يَنْهَاهُمُ الرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ عَنْ قَوْلِهِمُ الْإِثْمَ...) وَقَالَ: (لَعْنُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ - أَلِي قَوْلِهِ - لِبَيْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ)».⁽²⁾

«ای مردم! از پندی که خدا به اولیا و دوستانش به صورت نکوهش از علمای یهود داده، عبرت بگیرید، آنجا که می فرماید: چرا دانشمندان نصاری علمای یهود، آنان را از سخنان گناه آمیز و خوردن مال حرام، نهی نمی کنند. و باز می فرماید: از بنی اسرائیل آن عده که کافر شدند، مورد لعن و نفرین قرار گرفتند؛ زیرا آنان همدیگر را از اعمال زشتی که انجام می دادند، نهی نمی کردند و چه بدکاری که مرتکب می شدند».

1- مقتل مرقم/185. طبری 229/6. کامل ابن اثیر. و مقتل خوارزمی 229/1.

2- مائده/63 و 78 - 79.

این فراز و فرازهای نه گانه از فرازهای خطبه مفصل و تاریخی حسین بن علی

علیه السلام است که دو سال قبل از مرگ معاویه، در سرزمین منی آن را ایراد فرموده است.

9/3 - «إِنَّمَا عَابَ اللَّهُ ذَٰلِكَ عَلَيْهِمْ، لِأَنَّهُمْ كَانُوا يَرُونَ مِنَ الظُّلْمَةِ الَّذِينَ بَيْنَ أَظْهُرِهِمُ
الْمُنْكَرُ وَالْفِسَادَ، فَلَا يَنْهَوْنَهُمْ عَنِ ذَٰلِكَ رَغْبَةً فِيمَا كَانُوا يَنَالُونَ مِنْهُمْ وَرَهْبَةً مِمَّا يَجْذِرُونَ؛
وَاللَّهُ يَقُولُ: «فَلَا تَخْشَوُا النَّاسَ وَآخِشُوا». وَقَالَ: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ
بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ...»⁽¹⁾.

«در حقیقت خدا سکوت آنان را از این جهت عیب می شمارد که آنان با چشم خود
می دیدند که ستمکاران به زشتکاری و فساد پرداخته اند و باز منعشان نمی کردند و این
سکوت به خاطر علاقه به چیزهایی بود که از آن دریافت می کردند و به خاطر ترسی
بود که از آزار و تعقیب آنان به دل راه می دادند، در حالی که خداوند می فرماید: از مردم
نترسید و از من بترسید. و می فرماید: مردان و زنان مومن، ولی (یار و یاور) یکدیگرند،
همدیگر را امر به معروف و نهی از منکر می کنند».

9/4 - «فَبَدَأَ اللَّهُ بِالْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ فَرِيضَةً مِنْهُ لِعَلِمِهِ أَنَّهَا إِذَا
أُدِّيتْ وَأُقِيمَتِ اسْتَقَامَتِ الْفَرَائِضُ كُلُّهَا هَيْئًا وَصَعْبًا وَذَٰلِكَ أَنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ
عَنِ الْمُنْكَرِ دَعَاءٌ إِلَى الْإِسْلَامِ مَعَ رَدِّ الْمَظَالِمِ وَمُخَالَفَةِ الظَّالِمِ وَقِسْمَةِ الْفِيءِ وَالْغَنَائِمِ وَأَخْذِ
الصَّدَقَاتِ مِنْ مَوَاضِعِهَا وَوَضْعِهَا فِي حَقِّهَا»⁽²⁾.

«خداوند در این آیه (که فراز قبلی آورده شد) در شمردن صفات مومنان که مظهر
دوستی و همکاری هستند، از امر به معروف و نهی از منکر شروع می کند و نخست آن
را موجب می شمارد؛ زیرا می داند اگر این دو امر در جامعه برقرار شود، همه واجبات
از آسان گرفته تا مشکل، برقرار خواهد شد؛

1- توبه/71.

2- خطبه حسین بن علی علیه السلام در منی/64 - 68.

چون امر به معروف و نهی از منکر، دعوت به اسلام، باز گرداندن حقوق به ناحق گرفته شده، ستیز با ستمگر و تقسیم ثروتهای عمومی و غنایم جنگی است بر موازین اسلام و اخذ جمع آوری صدقات (زکات و مالیاتهای الزامی) از موارد صحیح و واجب آن و به مصرف صحیح و شرعی رسانیدن آن است.»

مهم ترین بعد در امر به معروف و نهی از منکر

آنچه در این فراز از پیام و سخن امام علیه السلام قابل توجه و حائز اهمیت است، بیان ابعاد وسیع و مفهوم گسترده امر به معروف و نهی از منکر و اشاره به مهمترین بعد و جنبه عملی در این مساله اساسی و حیاتی است؛ زیرا آن حضرت با استناد به دو آیه از قرآن مجید، می فرماید: (اگر امر به معروف و نهی از منکر در جامعه برقرار شود، همه واجبات از کوچک و بزرگ، عملی و همه مشکلات اجتماعی، حل خواهد شد).

آنگاه به عنوان نمونه و مثال، پنج مورد از این امور را بدین صورت بیان می کند.

یک - «و ذلك أن الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر دعاء إلى الإسلام».

«امر به معروف و نهی از منکر دعوت به اسلام است.»

دو - «مع رد المظالم».

«و باز گرداندن حقوق به ناحق گرفته شده است.»

سه - «ومخالفة الظالم».

«مبارزه با ستمگران است.»

چهار - «واقسمة الفئء والغنائم».

«توزیع عادلانه ثروت های عمومی و غنایم است.»

پنج - «واخذ الصدقات من مواضعها ووضعها في حقها».

«و جمع آوری صدقات (زکات و مالیاتهای الزامی) بجا و صحیح و صرف کردن آنها در موارد شرعی است».

و پر واضح است که قیام به امر به معروف و نهی از منکر در این سطح وسیع مبارزه با ستمگران و گرفتن حقوق ستمدیدگان و ریشه کن نمودن جور و فساد و اقامه عدل و داد در جامعه نمی تواند به صورت (فردی) و یا با امر به معروف (قولی) و بدون تشکیل حکومت اسلامی و ایجاد نیروی اجرایی، امکان پذیر باشد.

ب - نکوهش سستی کنندگان در امر به معروف و نهی از منکر

اینک بخش دوم پیام آن حضرت که در این قسمت از پیامش کسانی که وظیفه خود را در مقابل فریضه بزرگ (امر به معروف و نهی از منکر) نادیده گرفته و در انجام این واجب، سستی به خرج داده اند، مورد نکوهش و ملامت قرار داده، آنگاه آثار شوم این سهل انگاری و عواقب تلخ و ثمرات ناگوار این ترک مسوولیت را که پیش از همه

متوجه خود آنان گردیده است، تذکر می دهد و می فرماید:

9/5 - «ثُمَّ أَنْتُمْ أَيُّهَا الْعِصَابَةُ عِصَابَةٌ بِالْعِلْمِ مَشْهُورَةٌ وَ بِالْخَيْرِ مَذْكُورَةٌ وَ بِالنَّصِيحَةِ مَعْرُوفَةٌ وَ بِاللَّهِ فِي أَنْفُسِ النَّاسِ مَهَابَةٌ يَهَابُكُمْ الشَّرِيفُ وَ يَكْرَهُكُمْ الضَّعِيفُ وَ يُؤَثِّرُكُمْ مِنْ لَا فَضْلَ لَكُمْ عَلَيْهِ وَ لَا يَدُ لَكُمْ عِنْدَهُ تَشْفَعُونَ فِي الْحَوَائِجِ إِذَا امْتَنَعَتْ مِنْ طَلَابِهَا وَ تَمْشُونَ فِي الطَّرِيقِ بِهَيْبَةِ الْمَلُوكِ وَ كَرَامَةِ الْأَكَابِرِ.»

«شما ای گروه حاضر! ای گروهی که به علم و دانش شهرت دارید! و از شما به نیکی یاد می شود و به خیر خواهی و راهنمایی در جامعه، معروف شده اید و به خاطر خدا در دل مردم شکوه و مهابت دارید، به طوری که افراد مقتدر از شما بیم دارند، شما را بر خود مقدم می شمارند و نعمتهای خدا را بر خود دریغ و بر شما ارزانی می دارند، مردم در حوائج و نیازهایشان، شما را واسطه قرار می دهند و در کوچه و خیابان با مهابت پادشاهان و شکوه بزرگان، قدم بر می دارند».

9/6 - «أليس كل ذلك إنما نلتموه بما يرجي عندكم من القيام بحق الله وإن كنتم عن أكثر حقه تقصرون! فاستخففتكم بحق الأئمة، فأما حق الضعفاء فضيعتم، وأما حقكم بزعمكم فطلبتم، فلا مالا بذلتموه، ولا نفسا خاطرتم بها لئلا يخلقها، ولا عشيرة عاديتموها في ذات الله.»

«آیا بر همه این احترامات و قدرتهای معنوی از این جهت نایل نگشته اید که از شما امید می رود تا به اجرای قانون خدا کمر ببندید گرچه در موارد زیادی از قوانین خدا، کوتاهی کرده اید، بیشتر حقوق الهی را که به عهده دارید، فرو گذاشته، حق ائمه را خوار و خفیف و حق افراد ناتوان را ضایع کرده اید، اما در همان حال به دنبال آنچه حق خویش می پندارند برخاسته اید، نه پولی خرج کرده اید و نه جان را در راه کسی که آن را آفریده به خطر انداخته اید. و نه با قبيله و گروهی به خاطر خدا در افتاده اید.»

9/7 - «أنتم تتمنون على الله الجنة و مجاورة رسوله و أمانا من عذابه لقد خشيت عليكم أيتها المتمنون على الله أن تحل بكم نعمة من نعماته لأنكم بلغتم من كرامة الله منزلة فضلتم بها و من يعرف بالله لا تكرمون و أنتم بالله في عباده تكرمون.»

«شما آرزو دارید و حق خود می دانید که خداوند بهشتش و همنشینی پیامبرانش را ایمنی از عذابش را به شما ارزانی دارد، ای کسانی که چنین انتظاری از خدا دارید! من از این بیمناکم که عذابی از عذابهایش بر شما فرود آید؛ زیرا در سایه عزت و عظمت خدا به منزلتی بلند رسیده اید، ولی خدا شناسایی را که مبلغ خداشناسی هستند، احترام نمی کنید حال آنکه شما به خاطر خدا در میان بندگانش احترام دارید.»

9/8 - «وقد ترون عهد الله منقوضة فلا تفرعون و أنتم لبعض ذمم آبائكم تفرعون و ذمة رسول الله ص محقورة و العمی و البکم و الیزمینی فی المدائن مهملة لا ترحمون و لا فی میزلیکم تعملون و لا من عمل فیها تعینون و بالإدهان و المصانعة عند الظلمة تأمنون کل ذلك مما أمرکم الله به من النهی و التناهی و أنتم عنه غافلون.»

(و نیز از آن جهت بر شما بیمناکم که به چشم خود می بینید تعهدات و پیمانهای در برابر خداوند گسسته، اما نگران نمی شوید در حالی که برای پاره ای از تعهدات پدرانتان آشفته می شوید و اینک تعهداتی که در برابر پیامبر انجام گرفته (تعهد اطاعت از او و جانشینش) مورد بی اعتنایی است، نابینایان و اشخاص کر و لال و زمینگیر و ناتوان در همه شهرها بی سرپرست مانده اند، بر آنان ترحم نمی شود و نه مطابق شان و منزلتشان عمل می کنید و نه به کسی که بدین سان عمل کند، مدد می رسانید. با چرب و چالوسی، خود را در برابر ستمکاران ایمن می سازید، تمام اینها دستورهای خداست به صورت نهی یا تناهی (باز داشتن یکدیگر از منکر، که شما از آن غفلت می ورزید).

9/9 - «أَعْظَمُ النَّاسِ مُصِيبَةً لِمَا غَلَبْتُمْ عَلَيْهِ مِنْ مَنَازِلِ الْعُلَمَاءِ لَوْ كُنْتُمْ تَشْعُرُونَ ذَلِكَ بِأَنَّ مَجَارِيَ الْأُمُورِ وَالْأَحْكَامِ عَلَى أَيْدِي الْعُلَمَاءِ بِاللَّهِ الْأَمْنَاءِ عَلَى حِلَالِهِ وَحَرَامِهِ فَأَنْتُمْ الْمَسْلُوبُونَ تِلْكَ الْمَنْزِلَةَ وَمَا سَلَبْتُمْ ذَلِكَ إِلَّا بِتَفْرِقِكُمْ عَنِ الْحَقِّ وَاخْتِلَافِكُمْ فِي السَّنَةِ بَعْدَ الْبَيِّنَةِ الْوَاضِحَةِ.»

«و مصیبت شما را از مصایب همه مردم سهمگین تر است؛ زیرا منزلت و مقامی که باید علما داشته باشند از شما باز گرفته اند؛ چون امور اداری کشور و صدور احکام قضایی و تصویب برنامه های اجرایی به دست دانشمندان روحانی که امین حقوق الهی و به حلال و حرام آگاهند، اجرا شود، اما اینک این مقام را از دست شما ربوده اند و از دست دادن چنین مقامی، هیچ علتی ندارد جز اینکه از پیرامون حق (قانون اسلام و حکم خدا) پراکنده اید و درباره سنت پس از آنکه دلایل روشن بر حقیقت آن وجود دارد، اختلاف کرده اید.»

9/10 - «وَلَوْ صَبَرْتُمْ عَلَىٰ الْأَذَىٰ وَتَحَمَلْتُمُ الْمَثُونَ فِي ذَاتِ اللَّهِ كَانَتْ أُمُورٌ لِلَّهِ عَلَيْكُمْ تُرَدُّ وَعَنْكُمْ تَصْدُرُ وَإِلَيْكُمْ تُرْجَعُ وَلَكِنَّكُمْ مَكَنْتُمُ الظُّلْمَةَ مِنْ مِّنْزِلَتِكُمْ وَأَسَلْتُمْ أُمُورَ اللَّهِ فِي أَيْدِيهِمْ يَعْمَلُونَ بِالشَّبَهَاتِ وَيَسِيرُونَ فِي الشَّهَوَاتِ سَلَطَهُمْ عَلَىٰ ذَلِكَ فَرَارَكُمْ مِنَ الْمَوْتِ وَإِعْجَابِكُمْ بِالْحَيَاةِ الَّتِي هِيَ مَفَارِقَتُكُمْ فَأَسَلْتُمُ الضُّعْفَاءَ فِي أَيْدِيهِمْ...»⁽¹⁾

«شما اگر بر شکنجه و ناراحتی شکیبایی می نمودید و در راه خدا متحمل ناگواری بودید، مقررات برای تصویب، پیش شما آورده می شد و به دست شما صادر می گردید و شما مرجع کارها بودید، اما به ستمکاران مجال دادید تا این مقام را از دست شما بستانند و اجازه دادید حکومت به دست آنان بیفتد تا بر اساس سنت حدس و گمان، به حکومت پردازند و راه خود کامگی و اقناع شهوت پیشه سازند، سبب تسلط آنان بر حکومت، فرارتان از کشته شدن و دلبستگی شما به زندگی کوتاه دنیا بود، شما با این روحیه و رویه، توده ناتوان را به چنگال این ستمگران گرفتار کردید.»

ج - امر به معروف و نهی از منکر، عنصر اصلی و عامل مهم در قیام حسین بن

علی علیه السلام

و اینک پس از نقل پیام حسین بن علی علیه السلام در دو بخش از امر به معروف و نهی از

منکر، به بخش سوم این موضوع که در آن پنج پیام نقل گردیده است، می پردازیم:

9/11 - «اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ إِنَّهُ لَمْ يَكُنْ مَا كَانَ مِنَّا تَنَافَسًا فِي سُلْطَانٍ، وَلَا التَّمَاثَا مِنْ فُضُولِ الحُطَامِ، وَلَكِنْ لِنَرَى الْمَعَالِمَ مِنْ دِينِكَ، وَنُظَهَرَ الإِصْلَاحَ فِي بِلَادِكَ، وَيَأْمَنَ الْمَظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكَ، وَيُعْمَلُ بِفَرَائِضِكَ وَسُنَّتِكَ وَأَحْكَامِكَ.»⁽²⁾

1- خطبه حسین بن علی علیه السلام در منی/69 - 70.

2- خطبه حسین بن علی علیه السلام در منی/71.

«خدایا! بی شک تو می دانی آن چه از ما سر زده (و مبارزه ای که بر ضد بنی امیه شروع کرده ایم) نه رقابت در به دست آوردن قدرت سیاسی است و نه جستجوی ثروت و نعمتهای بیشتر، بلکه برای این است که ارزشهای درخشان آیینت را ارائه دهیم و در بلاد و شهرها اصلاحات پدید آوریم و بندگان ستمدیده ات را از حقوقشان برخوردار و ایمن سازیم و برای این است که به قوانین و احکام تو عمل بشود».

9/12 - «اللَّهُمَّ إِنِّي أَحِبُّ الْمَعْرُوفَ وَأَنْكِرُ الْمُنْكَرَ وَأَسْأَلُكَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ بِحَقِّ هَذَا الْقَبْرِ وَمَنْ فِيهِ إِلَّا اخْتَرْتَنِي مَا هُوَ لَكَ رِضَىٰ وَلِرَسُولِكَ رِضَىٰ».⁽¹⁾

«خدایا من دوستدار معروف و از منکر بیزارم. ای خدای بزرگ و کرامت بخش! تو را به حق این قبر و به حق کسی که در میان آن است، سوگندت می دهم که در این تصمیم و اراده ای که دارم، راهی را برای منم بنمایی که موجب رضا و خشنودی تو و پیامبرت باشد».

امام علیؑ این جمله را در یک برهه حساس و در یک شرایط تاریخی در کنار قبر رسول خدا ﷺ ایراد فرمود، آنگاه که تصمیم گرفت مدینه را به سوی مکه ترک گوید و برای آخرین بار به زیارت قبر رسول خدا ﷺ شتافت و با جد بزرگوارش وداع نمود.

9/13 - «إِنِّي لَمْ أَخْرُجْ أَثْرًا وَلَا بَطْرًا وَلَا مَفْسِدًا وَلَا ظَالِمًا، إِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِّي، رُبِدُّ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهَىٰ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَسِيرُ بِسِيرَةِ جَدِّي وَأَبِي».⁽²⁾

1- مقتل خوارزمی 186/1 و عوالم 177.

2- مقتل مفرم 139.

«و من نه از روی خود خواهی و یا برای خوشگذرانی و نه برای افساد و ستمگری ، از مدینه خارج شدم بلکه هدف من از این سفر، امر به معروف و نهی از منکر و خواسته ام از این حرکت، اصلاح مفاسد امور است و احیا و زنده کردن سنت و قانون جدم رسول خدا ﷺ و راه و رسم پدرم علی ابن ابیطالب است.»

این جمله ها بخشی از متن وصیتنامه حسین بن علی علیه السلام است که هنگام حرکت از مدینه خطاب به برادرش (محمد بن حنیفه) نوشته است.

9/14 - «وَأَنَا أَدْعُوكُمْ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّةِ نَبِيِّهِ ﷺ، فَإِنَّ السُّنَّةَ قَدْ أُمِيتَتْ، وَإِنَّ الْبِدْعَةَ قَدْ أَحْيِيَتْ، وَإِنْ تَسْمَعُوا قَوْلِي وَ تَطِيعُوا أَمْرِي أَهْدِكُمْ سَبِيلَ الرَّشَادِ»⁽¹⁾.

«من شما را به کتاب و سنت پیامبرش دعوت می کنم، زیرا سنت فراموش شده و بدعت، جای آن را گرفته است، اگر سخن مرا بشنوید، به راه سعادت و خوشبختی رهنمونتان خواهم بود.»

این جمله نیز که بیانگر انگیزه قیام و حرکت حسین بن علی علیه السلام است، از فرازهای نامه ای است که آن حضرت پس از ورود به مکه، به سران شهر بصره مانند (مالک بن مسمع بکری، مسعود بن عمرو، منذر بن جارود و...) نگاشته است.

9/15 - «أَلَا وَإِنْ هُوَ لَأَقْدَمُ لَزْمًا طَاعَةَ الشَّيْطَانِ، وَ تَرَكَوا طَاعَةَ الرَّحْمَنِ، وَ أَظْهَرُوا الْفُسَادَ، وَ عَطَلُوا الْحُدُودَ وَ اسْتَأْثَرُوا بِالْفِئَةِ، وَ أَحْلَوْا حَرَامَ اللَّهِ، وَ حَرَّمُوا حَلَالَ اللَّهِ، وَ أَنَا أَحَقُّ مِنْ غَيْرٍ»⁽²⁾.

1- مقتل مقرر/141 - 142 و طبری 200/6.

2- مقتل مقرر/185. طبری 229/6. کامل ابن اثیر 280/3 و خوارزمی 234/1.

«مردم آگاه باشید! اینان (بنی امیه) به پیروی از شیطان گردن نهاده و اطاعت خدا را ترک نموده اند، فساد را ترویج و حدود خدا را تعطیل نموده اند و بیت المال را به خود اختصاص داده، حرام خدا را حلال و حلال خدا را تحریم کرده اند و اینک من سزاوار و شایسته ام بر حکومت مسلمانان نه اینان که اسلام را تغییر داده اند.»

این جمله بخشی از سخنرانی مشروح حسین بن علی علیه السلام است که در (منزل بیضه) در نزدیکی کربلا خطاب به سپاهیان (حر) ایراد فرمود.

10 - نماز در پیام امام

در دین مقدس اسلام (نماز) در راس همه اعمال و عبادات قرار گرفته است چنانچه خداوند در اوصاف متقین که بهترین بندگان اویند می فرماید:

(الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ).⁽¹⁾

«(پرهیزکاران) کسانی هستند که به غیب (آنچه از حس پوشیده و پنهان است) ایمانمی آورند و نماز را بر پا می دارند».

این عبادت از آن چنان اهمیتی برخوردار است که نه تنها در دین اسلام بلکه در ادیان گذشته و در شرایط انبیای پیشین نیز در راس همه برنامه ها و عبادات بوده است و لذا حضرت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام از خداوند برای خود و ذریه اش توفیق اقامه نماز را درخواست می کند و می گوید:

(رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي...)⁽²⁾

و حضرت لقمان در به پا داشتن نماز به فرزندش توصیه می کند:

(يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ...)⁽³⁾

و حضرت عیسی آن را از وظایف اولیه اش می شمارد و می گوید:

(وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا)؛⁽⁴⁾ «تا زمانی که زنده ام مرا به نماز و زکات

توصیه کرده است».

1- بقره/3.

2- ابراهیم/40.

3- لقمان/17.

4- مریم/31.

خلاصه در اهمیت نماز، همین بس که معیار قبول و رد همه اعمال و عبادات دیگر معرفی شده است.⁽¹⁾

براین اساس است که حسین بن علی عَلَيْهِ السَّلَامُ با پیام و شعارش، پیروانش بر اهمیت نماز متوجه ساخته است و از یاران و اصحابش که در حساسترین شرایط از نماز حمایت کرده و حتی برای اقامه تنها یک نماز، جانشان را فدا کرده اند، تقدیر به عمل آورد است:

10/1 - «ارْجِعِ إِلَيْهِمْ فَإِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تُؤَخِّرَهُمْ إِلَىٰ غَدَوَةٍ وَتُدْفَعَهُمْ عَنِ الْعِشْيَةِ لَعَلَّنَا نَصِلَ لِرَبِّنَا اللَّيْلَةَ وَنَدْعُوهُ وَنَسْتَغْفِرَهُ.»⁽²⁾

«ابوالفضل! به سوی آنان برگرد و اگر توانستی همین امشب را مهلت بگیر و جنگ را تا فردا صبح به تاخیر بینداز امید است تا ما امشب به نماز، دعا و استغفار با پروردگار مان بپردازیم.»

10/2 - «فَهُوَ يَعْلَمُ أَنِّي قَدْ كُنْتُ أَحِبُّ الصَّلَاةَ لَهُ، وَتِلَاوَةَ كِتَابِهِ، وَكَثْرَةَ الدُّعَاءِ وَالِاسْتِغْفَارِ.»⁽³⁾ «زیرا او می داند که من به نماز و قرائت قرآن و استغفار و امتدادات پروردگار علاقه شدید دارم.»

امام عَلَيْهِ السَّلَامُ این جمله را که حاوی دو پیام و شعار مستقل در بیان اهمیت نماز است، عصر تاسوعا هنگامی که دشمن به سوی خیمه ها حرکت نمود، خطاب به برادرش ابوالفضل عَلَيْهِ السَّلَامُ ایراد فرمود؛ زیرا در مرحله اول به وی دستور داد که به سوی دشمن برود و علت حرکت تا به هنگام آنان را سؤال کند و پاسخ آنان این بود که دستور جدید و اکید از این زیاد آمده است که یا باید همین الان جنگ شود یا بیعت با یزید انجام گیرد.

80- فان قبلت ماسواها...بحارالانوار ج 25/83.

81- ارشاد مفید/230. طبری 238/6 و کامل ابن اثیر 285/3.

82- همان

وقتی حضرت ابوالفضل این پیام دشمن را به امام ابلاغ نمود، در مرحله دوم آن حضرت مجدداً این دستور را صادر فرمود. آری قرار بود عصر تا سوعاً جنگ شروع شود، ولی امام علیه السلام برای اهتمام بر نماز و قرائت قرآن از دشمن فرموده و مایه اش در خواست مهلت نمود.

10/3 - «ذَكَرَتِ الصَّلَاةَ، جَعَلَكَ اللَّهُ مِنَ الْمُصَلِّينَ»⁽¹⁾.

«ابو ثمامه! نماز را به یاد آوری، خدا تو را از نماز گزارانی که به یاد خدا هستند، قرار بدهد».

10/4 - «نَعَمْ هَذَا أَوَّلُ وَقْتِهَا، ثُمَّ قَالَ: سَلَوْهُمْ أَنْ يَكْفُوا عَنَا حَتَّى نَصَلِّيَ»⁽²⁾.

«آری اینک اول وقت نماز است، از دشمن بخواهید دست از جنگ بردارد تا نماز خود را به جای آوریم».

امام علیه السلام این جمله را که مانند جمله قله، مرکب از دو شعار است، در پاسخ (ابو ثمامه صیداوی) یکی از یاران وفادارش فرمود، آنگاه که او را در حال شدت جنگ متوجه گردید که اول ظهر است، لذا به آن حضرت عرض نمود:

(بنفسی انت؛ جانم به قربانت)، گرچه این مردم به حملات خود ادامه می دهند، ولی به خدا سوگند! تا مرا نکشته اند نمی توانند بر تو دست یابند و من دوست دارم آنگاه به لقای خدایم نایل شوم که این یک نماز آخر را هم با امامت شما به جای آورده باشم.

10/5 - «نَعَمْ، أَنْتَ أَمَامِي فِي الْجَنَّةِ»⁽³⁾.

«سعید! آری تو پیش از من در بهشت (برین) هستی».

83- مقتل مرقم/244. طبری 251/6. کامل ابن اثیر 291/3.

84- همان

85- مقتل مرقم/246. مقتل عوالم 8/17. لهوف/95. مثير الاحزان و تنقيح المقال مامقانی شرح حال سعید

بن عبدالله.

روز عاشورا برای ادای نماز ظهر، پیشنهاد آتش بس از سوی حسین بن علی علیه السلام عملاً مورد موافقت قرار نگرفت و آن حضرت بدون توجه به تیرباران دشمن در بیرون خیمه ها و در مقابل صفوف اهل کوفه، به نماز ایستاد و چند تن از یاران با وفایش از جمله (سعید بن عبدالله) و (عمرو بن قرظہ کعبی) در پیش روی آن حضرت ایستادند و سینه خود را سپر کردند و در اثر تیرهایی که به سرو سینه آنان اصابت نمود، پس از نماز به روی خاک افتادند و به شهادت رسیدند.

سعید، پس از نماز آن حضرت که با ضعف شدید و با پیکر خون آلود افتاده بود، چشمش را باز کرد و امام را در کنارش دید که در روی زمین نشسته و خاک و خون از صورت وی پاک می کنند، در مقابل این محبت امام علیه السلام که سر از پا نمی شنکد ، چنین عرض کرد: «اوفیت یا ابن رسول الله صلی الله علیه و آله ؛ ای فرزند رسول خدا! آیا من وظیفه خود را به نیکی انجام دادم؟».

امام علیه السلام هم در پاسخ وی فرمود: آری تو پیش از من در بهشت (برین) هستی.

10/6 - «نعم، أنت أمي في الجنة فاقراء رسول الله ﷺ مني السلام وأعلمه أني في لا أثر.»⁽¹⁾

«عمرو! تو نیز پیش از من در بهشت (برقی) هستی، از من به رسول خدا ﷺ سلام برسان و به ایشان عرض کن که من نیز در پشت سر تو به سوی او خواهم شتافت.»

عمرو بن قرظه که در کنار سعید، افتاده بود و مکالمه او و امام را می شنید که چگونه آن حضرت به وی، وعده حتمی بهشت می دهد، او نیز از آن حضرت همان سؤال را نمود که (اوفیت یابن رسول الله؟؛ من هم وظیفه خود را به نیکی انجام دادم؟). امام هم در پاسخ وی همان جواب را داد که به سعید داده بود و این جمله را نیز اضافه نمود که: «سلام مرا به رسول خدا برسان و به او عرض کردم من (حسین) لحظات دیگر عازم دیدار تو هستم.»

1- مقتل مرقم/248. مقتل عوالم 88/17. لهوف/95 و مشیر الاحزان.

11 - سه پیام تهدیدآمیز

و طبق دلایل فراوان از جمله آیه شریفه؛ (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ).⁽¹⁾

اطاعت از اوامر ائمه معصومین علیهم السلام همانند اطاعت از اوامر پیامبر صل الله علیه وآله وسلم بر مسلمانان واجب و مخالفت با آن حرام و موجب عذاب الهی است؛ زیرا اطاعت در هر دو مورد مانند اطاعت خداوند به طور مطلق و بدون هیچ قید و شرطی بر مومنان واجب گردیده است.

ولی در آنجا که امر و دستور امام، جنبه استغاثه و استمداد پیدا کند، مخالفت با آن تنها حرام است، بلکه حرمت آن تشدید و مجازات آن هم مضاعف و کیفر آن شدیدتر خواهد گردید؛ زیرا استمداد و استغاثه امام، حاکی از مظلومیت خط کلی اسلام و نیاز شدید قرآن به حمایت و بیانگر حساسیت شرایط و اوضاع است و باید مسلمانان ندای مظلومیت او را دریابند و با تمام توان حتی با نثار خون و بذل جان به دفاع از آن بشتابند و لذا مسامحه در این امر مهم و عدم استجابت به این استغاثه که تضعیف حق و تقویت باطل را در پی خواهد داشت، موجب شدیدترین مجازات و سخت ترین عذاب اخروی خواهد گردید؛ مثلاً فاصله و فرق زیادی است بین موعظه و امر حسین بن علی علیه السلام که فرمود: «اعْتَبِرُوا أَيُّهَا النَّاسُ بِمَا وَعَظَ اللَّهُ بِهِ أَوْلِيَاءَهُ مِنْ سَوْءِ ثَنَائِهِ عَلَى الْأَحْبَارِ...».⁽²⁾

«ای مردم از به بدی یاد نمودن خداوند علمای یهود را که به وسیله آن اولیای خود را پند داده است، عبرت بگیرید.»

1- نسأ/59.

2- تحف العقول/237.

با استغاثه آن حضرت که در روز عاشورا فرمود:

«هَلْ مِنْ ذَابٍ يَذِبُ عَنْ حَرَمِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ؟ ... مِنْ مَغِيثٍ يَرْجُو اللَّهَ يَا غَاثِنَا؟...»⁽¹⁾

«آیا کسی هست که از حرم رسول خدا دفاع کند؟ آیا فریاد رسی هست که به امید پاداش خداوندی به فریاد ما برسد».

با این مقدمه، اهمیت این نوع پیام حسین بن علی علیه السلام و انگیزه تهدید نمودن کسانی که به ندای آن حضرت پاسخ مثبت نداده اند، با جملات:

«أَكْبَهُ اللَّهُ عَلَى وَجْهِهِ فِي نَارِ جَهَنَّمَ» و: (یکبه عل منخریه فی النار) آیا کسی هست که از حرم رسول خدا دفاع کند؟ آیا فریاد رسی هست که به امید پاداش خداوندی به فریاد ما برسد). روشن می گردد چرا که کلمه (اکب) به مفهوم شدت ذلت و خواری می باشد. و در اینجا تذکر این نکته را لازم می دانیم که مقاومت و رهبری امت در زمان غیبت و عدم حضور ائمه معصومین علیهم السلام بر اساس دلایل قطعی به جانشینان آنان یعنی علما و فقهای که دارای شرایط ولایت و رهبری امت هستند واگذار گردیده است. و طبعاً اوامر آنان نیز از لحاظ وجوب اطاعت و کیفر مخالفت، مانند اوامر ائمه معصومین خواهد بود.

11/1 - «يا ابن الحر!... ان استطعت ان لا تسمع صراخنا ولا تشهد وقعتنا فافعل، فوالله لا يسمع واعيتنا احد ولا ينصرنا الا اكبهُ اللهُ في نار جهنم».⁽²⁾

«پسر حر!... حالا که حاضر نیستی در راه ما از جان بگذری، اگر می توانی از این منطقه دور شو تا صدای استغاثه ما را نشنوی و جنگ ما را نبینی؛ زیرا به خدا سوگند! اگر کسی استغاثه ما را بشنود و بر ما یاری نکند، خداوند او را با ذلت به آتش جهنم خواهد کشید».

1- لهوف/50.

2- مقتل مقرر/189 با اختلاف مختصر در متن طبری 306/7. کامل ابن اثیر 282/3 و امالی صدق ، مجلس 30.

حسین بن علی علیه السلام این جمله را در (منزل بنی مقاتل) در نزدیکی کربلا به (عبیدالله حر جعفی) ایراد نمود، هنگامی که در میانشان ملاقاتی به وقوع پیوست دعوت آن حضرت را در توبه نمودن از خطاهای گذشته اش و یاری نمودن به فرزند پیامبر، رد نمود و خواست اسب معروف خود را نام (ملحقه) را در اختیار آن حضرت قرار دهد، در اینجا بود که امام علیه السلام فرمود: «فَلَا حَاجَةَ لَنَا فِي فَرَسِكَ وَلَا فِيكَ وَمَا كُنْتَ مَتَّخِذَ الْمُضِلِّينَ عَضُدًا».

«ما نه تو نیاز داریم و نه به اسب تو، زیرا که من از افراد گمراه برای خود نیرو نمی گیرم».

پس به عنوان نصیحت و موعظه فرمود: «ان استطعت ان لا تسمع صراخنا ولا تشهد وقعتنا فافعل...».

11/2 - «انطلقا فلا تسمعا لي واعية ولا تريا لي سوادا فانه من سمع واعيتنا او راي سوادنا فلم يجبنا او يغثنا كان حقا على الله عزوجل ان يكبه على منخريه في النار».⁽¹⁾

«شما (دو نفر) از این منطقه دور شوید تا صدای استغاثه مرا نشوید و اثری از من نبینید؛ زیرا هر کس استغاثه ما را بشنود و سیاهی ما را ببیند پس پاسخ ما را ندهد و به فریاد ما نرسد، بر خداوند است که او را با ذلت تمام به دوزخ وارد کند».

امام حسین علیه السلام این جمله را نیز در (منزل بنی مقاتل) خطاب به (عمرو بن قیس مشرقی) و پسر عمویش، فرمود آنگاه که این دو نفر به حضور امام رسیدند، آن حضرت از ایشان سؤال فرمود که آیا برای نصرت و یاری امام خود به اینجا آمده اید؟ آنان عذر آورده و خود را در ظاهر برای رفتن به کوفه مجبور دانستند.

1- مقتل مقرر/190. عقاب الاعمال، شیخ صدوق، به پاورقی آقای غفاری/409. رجال کشی/74.

اینجا بود که امام علیه السلام با این جملات به ارشاد و راهنمایی آنان پرداخته و فرمود که اگر بناست به کوفه برگردید، هر چه سریعتر این کار را انجام دهید، و از منطقه خارج شوید.

11/3 - «فول هربا حتی لا تری مقتلنا فوالذی نفس حسین بیده لا یری الیوم أحد مقتلنا ثم لا یعیننا إلا دخل النار»⁽¹⁾.

«هرثمه از این منطقه فرار کن تا جنگ ما را نبینی زیرا سوگند به خدایی که جان در ید قدرت اوست هر کس جنگ ما را نبیند و یاریمان نکند به آتش داخل خواهد شد».

ابن ابی الحدید از نصر بن مزاحم با اسناد، از هرثمه نقل می کند که من در جنگ صفین به همراه علی علیه السلام بودم در مراجعت به کوفه راه ما از سرزمین کربلا بود و در همان سرزمین توقف نموده و با آن حضرت نماز بجای آوردیم امیر مومنان علیه السلام پس از نماز مشتی از خاک کربلا را برداشت و آن را بوید و گفت چه خوش خاکی هستی تو ای خاک کربلا زیرا مردمی از درون تو محشور می شوند که بدون حساب داخل بهشت می گردند.

هرثمه می گوید: چون به خانه ام بازگشتم برای همسرم (جرداً) دختر سمیر که از شیعیان خالص علی علیه السلام بود خاطرات سفر جنگ را تعریف و آنچه را که از علی بن ابیطالب در کربلا دیده و شنیده بودم برای او نقل و اضافه نمودم که ای جرداً تو که علی علیه السلام را این همه دوست داری بگو ببینم: آیا او به غیب آگاه است که اینگونه کربلا را توصیف می کند؟ همسرم گفت دست از سرم بردار و این حرف ها را کنار بگذار و یقین بدان که به جز حق بر زبان علی علیه السلام جاری نمی گردد.

1- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید 3/170 و وقعه صفین 140/140.

هرثمه می گوید: سال ها از این جریان گذشت تا اینکه عیدالله بسیج عمومی بر علیه حسین بن علی علیه السلام اعلام نمود و من نیز در سپاهی بودم که بر علیه آن حضرت گسیل گشته بود، چون به امام حسین و یارانش رسیدم، محلی را که قبلا به همراه علی علیه السلام در آن بودیم و جایگاهی که حضرت از خاکش برداشتم و، شناختم و به یاد فرمایش امیرالمومنین علیه السلام افتادم، لذا از آمدنم با لشکر ابن زیاد نادم گشته و سوار بر اسب شده در مقابل حسین علیه السلام قرار گرفتم و آنچه را از پدرش علی علیه السلام در این منزل شنیده بودم اظهار نمودم، حسین بن علی علیه السلام فرمود: حالا حامی ما هستی یا دشمن ما؟ عرض کردم یابن رسول الله نه حامی شما هستم و نه دشمن شما زیرا من زن و فرزندی را در کوفه رها کرده ام و از ابن زیاد بر آن بیمنمک . حسین علیه السلام فرمود ای هرثمه: «فول هربا حتی لاتری متلنا...» هرثمه گوید با شنیدن این جمله بسرعت به سوی کوفه حرکت کردم و از خیمه ها دور شدم تا شاهد جنگ و کشته شدن آن حضرت نباشم.

12 - پیام شجاعت

فرازا و جملات متعددی از حسین بن علی عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل شده است که بیانگر شجاعت، شهامت و استقامت اهل بیت و یاران آن حضرت و گویای صداقت و بالاترین مرحله وفاداری آنان به آیین اسلام، قرآن و مقام ولایت است.

در یک کلمه، این جملات و فرازا (پیام شجاعت) یاران فرزند رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از زبان آن حضرت و بیانگر استقامت و پایداری لئان در کلام پنجمین فرد از (اصحاب کساء) است. و هر یک از این جملات، مدال افتخاری است که در صفحه تاریخ تاوایسین روز، بر سینه آنان و در روز قیامت در سیمایشان خواهد درخشید، خداوند در

توصیف اهل ایمان می فرماید:

«يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَى نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ بِشْرَاكُمُ الْيَوْمَ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ»⁽¹⁾

«(این پاداش بزرگ) در روزی است که مردان و زنان با ایمان را می نگری که نورشان پیش رو و در سمت راستشان به سرعت حرکت می کند (و می نگری که نورشان پیش رو و در سمت راستشان به سرعت حرکت می کند (و به آنها می گویند: بشارت باد بر شما امروز به باغهایی از بهشت که نهرها زیر (درختان) آن جاری است؛ جاودانه در آن خواهید ماند! و این همان رستگاری بزرگ است.»

1- حدید/12.

مناسب است مطلبی را که (ابن الحدید) در همین زمینه نقل نموده، در اینجا بیاوریم :
او می گوید به یک نفر از لشکریان عمر سعد که در جنگ با حسین بن علی علیه السلام
شرکت کرده بود، گفتند وای بر شما که فرزندان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را کشتید! آن شخص
پاسخ داد:

«عضضت بالجدل، انک لو شهدت ما شهدنا لفعلت ما فعلنا، ثارت علينا عصابة ایدیها فی
مقابض سیوفها کالا سود الضاریة، تحطم الفرسان یمینا و شمالا، و تلقی انفسها علی الموت، لا تقبل
الامان، و لا ترغب فی المال، و لا یحول حائل بینها و بین الورد علی حیاض المنیة او الاستیلاء علی
الملک، فلو کففنا عنها رویدا لاتت علی نفوس العسکر بحذا فیرها، فما کنا فاعلین، لا ام لک.»
«دهانت بشکند! آنچه را که ما دیدیم اگر تو نیز می دیدی، کاری را می کردی که ما
انجام دادیم؛ زیرا گروهی را در مقابل خود دیدیم که دست در قبضه شمشیرشان مانند
شیران غرنده در حالی که شجاعان لشکر را از چپ و راست در هم می شکستند به
سوی مرگ می شتافتند، نه از کسی قبول امام می کردند و نه به مال دنیا میل و رغبت
می نمودند. آخرین خواسته آنان این بود: یا مرگ یا پیروزی، اگر کمی فرصت می دادیم
از لشکر ما یک نفر زنده نمی گذاشتند، با این شرایط چه می توانستیم بکنیم، مادرت به
عزایت بنشیند؟!».

اینکه این پیام ها:

12/1 - «مَنْ كَانَ بَاذِلًا فَيُنَا مَهْجَتَهُ وَ مَوْطِنًا عَلَى لِقَاءِ اللَّهِ نَفْسَهُ فَلْيُرْحَلْ مَعَنَا فَإِنِّي رَاحِلٌ مُصْبِحًا إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى».⁽¹⁾

«هر یک از شما حاضر است در راه ما از خون خود در گذرد و برای لقای خدا (شهادت) نثار جان کند، آماده حرکت با ما باشد که ان شاء الله من فردا صبح حرکت خواهیم نمود».

این فراز آخرین جمله سخنرانی حسین بن علی علیه السلام است که شب هشتم ذیحجه سال شصت در مکه ایراد و روز هشتم به سوی عراق حرکت نمود.

12/2 - «أَمَّا بَعْدُ فَإِنِّي لَا أَعْلَمُ لِي أَصْحَابًا أَوْفَى وَلَا خَيْرًا مِنْ أَصْحَابِي وَلَا أَهْلَ بَيْتِ أَبْرٍ وَلَا أَوْصَلَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فَجَزَاكُمْ اللَّهُ عَنِّي [جَمِيعًا] خَيْرًا».⁽²⁾

(اما بعد، من اصحاب و یارانی بهتر از یاران خود ندیده ام و نه اهل بیتی باوفاتر و صدیق تر از اهل بیتم. خداوند به همه شما در حمایت از من یاداش نیکو بدهد).

این جمله از فرازهای سخنرانی حسین بن علی علیه السلام در شب عاشورا است که خطاب به اهل بیت و اصحابش ایراد فرمود.

12/3 - «وَاللَّهِ لَقَدْ بَلَوْتَهُمْ فَمَا وَجَدْتُمْ فِيهِمْ إِلَّا الْأَشْوَسَ الْأَقْعَسَ يَسْتَأْنِسُونَ بِالْمَنِيَةِ دُونِي اسْتَيْنَاسَ الطِّفْلِ إِلَى مَحَالِبِ أُمِّهِ».⁽³⁾

«به خدا سوگند! آنان (اصحابم) از آزمودم و ندیدم آنان را مگر دلاور و غرنده (شیروار) و با صلابت و استوار (کوهوار) که به کشته شدن در کنار من چنان مشتاقند مانند اشتیاق طفل شیر خوار به پستان مادرش».

1- بحار الانوار 44/347. لهوف/53 و مثير الاحزان/41.

2- طبری 238/6. کامل ابن اثیر 285/3 و مقاتل الطالبيين/82.

3- مقتل مقرر/219.

امام علیه السلام این جمله را شب عاشورا در پاسخ زینب کبرا علیها السلام فرمود، آنگاه که سؤال کرد از برادر! آیا یاران خود را آزموده ای و به نیت آنان پی برده ای؟! مبادا در موقع سختی، دست از تو بردارند و در میان دشمن، تو را تنها بگذارند.

12/4 - «جزاکما الله یا ابنی اخی بوجد کما من ذلک و مواساتکما ایای بانفسکا

احسن جزأ المتقین». (1)

«ای فرزند برادران من! خداوند در مقابل این احساس وظیفه و نصرت و یاری که نسبت به من انجام داده اید، بهترین پاداش متقین را بر شما عنایت کند».

حسین بن علی علیه السلام این جمله تشکرآمیز را خطاب به (سیف) و (مالک) که دو پسر عمو بودند، ایراد فرمود، آنگاه که دید گریه می کنند و آن حضرت چون علت گریه آنان را سؤال فرمود، پاسخ دادند:

«به خدا سوگند! نه از ترس جان خودمان بلکه برای تنهایی شما گریه می کنیم در حالی که می بینیم ما یک جان بیشتر نداریم. و بجز یکبار کشته شدن کاری از ما ساخته نیست».

12/5 - «ألا وإني زاحف بهذه الأسرة على قلة العدد، وكثرة العدو، وخذلان الناصر». (2)

«آگاه باشید که من با همین گروه کم از یارانم و با عقب نشستن کسانی کله انتظار یاری و کمک از آنان می رفت، به سوی جهاد در راه خدا خواهم رفت».

امام علیه السلام این جمله را که دلیل بر استقامت و پایداری یک گروه با تعداد کم ولی دارای ایمان ثابت است، در دومین سخنرانی خود در روز عاشورا ایراد فرمود.

1- بحار الانوار 29/45. تنقیح المقال 78/2. طبری 253/6 و ابن اثیر 292/3.

2- مقتل مقرر/234، متن مشروح این خطبه را در سخنان حسین بن علی علیه السلام نقل نموده ایم، مراجعه شود.

12/6 - «أَنْتَ الْحُرُّ كَمَا سَمَّيْتَكِ أُمُّكَ حُرًّا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ»⁽¹⁾.

«تو آزاد مرد هستی همانگونه که مادرت تو را (حر) نامیده است و تو آزاد مردی در دنیا و در آخرت».

امام علیؑ آنگاه که در کنار پیکر خون آلود (حر) نشست و خون از سر و صورت او پاک می نمود، این جمله را - که مدال افتخاری است در سینه او - ایراد فرمود.

1- مقتل عوالم 258/17، مقتل مفرم/245، امالی صدوق رحمة الله عليه، مجلس 30 و خوارزمی 11/2.

13 - پیام انتخاب

یکی از خصوصیات قیام حسین بن علی علیه السلام و از پیامهای عاشورا این است که آن حضرت علی رغم قلت یاران و کثرت دشمنانش که باید طبق محاسبات ظاهری به هر نحو ممکن، اصحاب و یاران خویش را برای کمک و یاریش دعوت و تشویق و در صورت نیاز از جایگاه ولایت و امامت، آنان را مجبور و ملزم نماید، ولی برخلاف این روش، آن حضرت در موارد مختلف، گاهی به طور عموم و گاهی به طور خصوص، به آن اجازه انتخاب کارزار یا ترک آن را داده و حتی نزدیکترین اهل بیت خویش را نیز در این انتخاب نمودن مسیر دلخواه و مورد نظرشان، مخیر نموده است.

این اصل اساسی است در میان قیام های ظاهری و معنوی و یک فرق بارزی است که پیشوایان و رهبران غیر واقعی متمایز می سازد؛ چون این نوع رهبران، معمولاً برای جلب و مساعدت دیگران، به هر حيله و تزویر متمسک می گردند و برای به دست آوردن پیروزی، از توسل به هیچ عمل خلاف و غیر انسانی، امتناع نمی ورزند.

اینک متن این پیام ها:

13/1 - «فَمَنْ أَحَبَّ مِنْكُمْ الْإِنصِرَافَ فَلْيَنْصِرْ لِيَسْ عَلَيْهِ مِنَّا ذِمَامٌ»⁽¹⁾.

«هر یک از شما (یاران من) بخواهد برگردد، آزاد است و از طرف ما بیعتی برگردنش

نیست».

1- طبری 226/6 و ارشاد مفید/231.

امام علی علیه السلام این جمله را در (منزل زباله) خطاب به همه اصحاب و اهل بیتش فرمود، آنگاه که از کشته شدن (مسلم وهانی) در کوفه، در این منزل مطلع گردید و شهادت آنان را با یارانش در میان گذاشت و از بی وفایی مردم کوفه و دورویی آنان سخن گفت، سپس فرمود: «فمن احب منکم...».

13/2 - « وَأَنْتِ قَدْ أَذِنْتِ لَكُمْ فَاَنْطَلِقُوا جَمِيعًا فِي حِلِّ لَيْسَ عَلَيْكُمْ مِنْ ذِمَامٍ وَهَذَا اللَّيْلُ قَدْ غَشِيَكُمْ فَاتَّخِذُوهُ جَمَلًا وَلِيَاءُ خذ كل رجل منكم بيد رجل من اهلبيتي،... و تفرقوا في سوادكم و مدائنكم». (1)

«و من به همه شما اجازه دادم به وطن های خود برگردید، همه شما آزاد هستید و من بیعتی در گردن شما ندارم، اینک شب فرا رسیده، تاریکی آن را مرکب خویش قرار دهید و هر یک از شما دست یکی از اهل بیت مرا بگیرید و به سوی شهر و دیار خود متفرق شوید».

امام علیه السلام نزدیک غروب تاسوعا یا پس از نماز مغرب شب عاشورا، خطاب به اهل بیت و اصحاب خود، خطبه ای ایراد فرمود، در آن خطبه ضمن سپاسگذاری از همه آنان خبر شهادت خویش را که در کربلا واقع خواهد شد، از زبان رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل فرمود و این جمله را هم اضافه نمود که اینک زمان این شهادت فرا رسیده است، سپس به تمام اهل بیت و یارانش فرمود شما در رفتن و نجات جان خویشان آزاد هستید. و جمله یاد شده از فرازهای همین خطبه است:

13/3 - «حسبکم من القتل بمسلم، اذهبوا قد اذنت لکم». (2)

«فرزندان عقیل! کشته شدن مسلم بن عقیل برای (خانواده) شما بس است، من شما را مرخص کردم از این منطقه بیرون بروید».

1- مقتل مرقم/213. طبری 238/6 - 239 و کامل 278/3 و 285.

2- مقتل مرقم/213.

امام علیه السلام در سخنرانی شب عاشورا (در فراز قبل اشاره گردید) پس از اجازه مرخصی عمومی و پس از شنیدن پاسخ یاران خویش که دلیل وفاداری و ایمان ثابت آنان بود، متوجه فرزندان عقیل گردید و آنان را بالخصوص مورد خطاب قرار داد که: «حسبکم من القتل بمسلم، اذهبوا قد اذنت لکم».

و آنان نیز جواب دادند اگر ما تو را ترک کنیم و از ما بپرسند چرا دست از آقا و مولای خود برداشتید چه پاسخی خواهیم داشت؟ نه، به خدا سوگند! جان و مال و فرزند و عیال خود را فدای تو خواهیم کرد و تا نفس آخر، در کنار تو خواهیم بود.

13/4 - «أنت في إذن مني، فإنما تبعنا طلبا للعافية فلا تبطل بطريقنا».⁽¹⁾

«جون! من بیعت را از تو برداشتم؛ زیرا تو به امید عافیت و آسایش به همراه ما آمده ای، خود را در راه ما گرفتار و مصیبت مکن!».

امام علیه السلام این جمله را در روز عاشورا و در اوج جریان جنگ خطاب به جون، غلام خود فرمود، آنگاه که او برای خدا حافظی و اذن برای رفتن به میدان جنگ، به خدمت آن حضرت شرفیاب گردید.

13/5 - «رَحِمَكَ اللهُ أَنْتَ فِي حِلٍّ مِنْ بِيَعْتِي فَأَعْمَلُ فِي فَكَاكَ ابْنِكَ».⁽²⁾

«محمد بن بشیر! خدا تو را رحمت کند، اینک تو از طرف من آزادی و من بیعت را از تو برداشتم تا درباره آزادی فرزندت، تلاش کنی».

1- لهوف/95. ابصارالعین/105. مشیر الاحزان/63.

2- مقتل مقرر/214.

امام علیه السلام این جمله را خطاب به (محمد بن بشیر حضرمی) فرمودند؛ زیرا در همین روزها به وی خبر رسیده بود که فرزندت در اطراف ری، گرفتار و زندانی شده است و چون این جریان را آشنایان و دوستان محمد بن بشیر با او در میان گذاشتند، او از مفارقت فرزند پیامبر امتناع ورزید؛ و چون آن حضرت او را اینگونه دید، فرمود: (رحمک الله...).

پاسخ وی به امام علیه السلام این بود که: «اکلتنی السباع حیا ان فارقتک».

«درندگان بیابان مرا زنده پاره پاره کنند اگر از شما جدا شوم».

امام علیه السلام لباس هایی که قیمت آنها به هزار دینار بالغ می گردید، در اختیار وی قرار داد تا آنها برای رهایی فرزندش، استفاده کند.

14 - پیام اتمام حجت

در بخش گذشته با پیامهای حسین بن علی علیه السلام که یاران خود را در ماندن یا رفتن آزاد گذاشته بود، آشنا شدیم و اینک پیام های دیگری از آن حضرت که در آنها (احتجاج و اتمام حجت) می باشد در اختیار خواننده عزیز قرار می دهیم.

امام علیه السلام با این پیام ها در روز عاشوا به مردم و لشکریان بنی امیه که قصد جنگ با آن حضرت را داشتند، به صورت عام و گاهی به طور خاص و انفرادی ، موعظه و نصیحت و اتمام حجت نموده و عواقب خطرناک دنیوی و مجازات سخت اخروی جنایت هولناک آنان را گوشزد و یاد آوری فرموده است. و این اتمام حجت گاهی به مرحله استغاثه و استمداد و دعوت و درخواست، جهت حمایت از آن حضرت و دفاع از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله رسیده است و احیانا چنین استمدادی در کنار درخواست توبه و بازگشت از گناه نسبت به بعضی از افرادی که با آن حضرت قصد خصومت و جنگ و منازعه نداشتند و دارای شرارت و سابقه جنایت بودند آن هم قبل از عاشورا و پیش از رسیدن به کربلا، به وقوع پیوسته است.

در اینجا ممکن است این سؤال مطرح شود که آیا این دو نوع پیام با هم متضاد و متناقض نیستند؟ آن اجازه مرخصی و برداشتن بیعت و پیمان شهادت از افراد متعهد و از جان گذشته و اهل بیت و یاران باوفا و این استغاثه و استمداد و دعوت به یاری از دشمنان و افرادی خونخوار!!

پاسخ این است همانگونه که در بخش قبل اشاره نمودیم، فرق بارز و روشنی هست میان قیام و مبارزه ای که پیشوایان دینی انجام می دهند، با رهبران غیر مذهبی و مبارزه ای که رهبران غیر مذهبی در پیش می گیرند و موضوع مورد سؤال یکی از همین موارد امتیاز است و مطلب را باید از این زاویه بررسی نمود.

آری، حسین بن علی علیه السلام در پی پیروزی و شکست ظاهری نیست، بلکه او در فکر انجام یک وظیفه الهی و فریضه مذهبی است و لذا به افرادی که با آن حضرت پیمان شهادت بسته اند و ایمان و عقیده و استقامت خود را تا پای جان نسبت به آن حضرت به اثبات رسانیده و تا این بیابان با همان فکر و اندیشه به همراه او حرکت نموده اند، رنج سفر و ترس از دشمن، کوچکترین تزلزل و سستی در آنان به وجود نیاورده است، اگر آنان با این شرایط و با اجازه ولی امر و امامشن، صحنه جنگ را ترک نمایند، گرچه به اجر و پاداش و مقام ارجمند شهدا نایل نخواهد گردید و آن همای سعادت را که تنها در بالای سر آنان به پرواز در آمده است، برای همیشه و به رایگان از دست خواهند داد، ولی به هر حال در پیشگاه عدل خداوند مورد سؤال و مؤاخذه قرار نخواهد گرفت.

ولی آنجا که امام علیه السلام استغاثه و استمداد می کنند، شرایط دیگری به وجود آمده است و صحبت نجات یک فرد و یا گروهی از بدبختی هلاکت ابدی و عذاب حتمی است. این استغاثه و استمداد و اتمام حجت، متوجه گروهی است که مصمم شده است خون امام زمان خویش را بریزد و پیکر پاکش را قطعه - قطعه کند و اهل و عیالش را به خون اسیر خارجی و کسانی که با اسلام و قرآن در ستیز هستند، شهر به شهر بگرداند که اگر این فکر و اندیشه عملی شود، نه تنها همه افراد این گروه، بلکه حتی کسانی که بر عمل آنان راضی هستند به خسران ابدی و عذاب دایمی گرفتار خواهند گردید.

و اینجاست که امکان دارد این اتمام حجت ولو تنها یک نفر از آنان را از عذاب دایمی نجات بخشد و برای هیچ یک از آنان در روز قیامت بهانه و توجیهی وجود نداشته باشد و نگوید:

(رَبَّنَا لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا فَنَتَّبِعَ آيَاتِكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَذِلَّ وَنَخْزَى). (1)

«پروردگارا! چرا به سوی ما پیامبری نفرستادی تا از آیات تو پیروی کنیم پیش از آنکه خوار و رسوا شویم».

به هر حال، این پیامها را می توان در طی دو خطبه مفصلی که حسین بن علی علیه السلام در روز عاشورا و یا خطابه های کوتاه دیگری که آن حضرت به صورت عام و یا به طور خاص ایراد فرموده است، ملاحظه نمود.

و ما هم از همین دو خطبه عاشورا، آغاز و از روش این جزوه که نقل پیامها به صورت کوتاه نه به شکل مشروح و طولانی است، پیروی می کنیم.

خطبه اول

14/1 - «أَيُّهَا النَّاسُ اسْمَعُوا قَوْلِي وَلَا تَعْجَلُوا حَتَّىٰ أُعْظِمَ بِمَا هُوَ حَقٌّ لَكُمْ عَلَيَّ؛ وَ حَتَّىٰ أَعْتَذِرَ إِلَيْكُمْ مِنْ مَقْدِمِي عَلَيْكُمْ! فَإِنْ قَبَلْتُمْ عِذْرِي، وَصَدَقْتُمْ قَوْلِي وَأَعْطَيْتُمُونِي النَّصْفَ مِنْ أَنْفُسِكُمْ كُنْتُمْ يَذَلِكِ أَسْعَدُ؛ وَلَمْ يَكُنْ لَكُمْ عَلَيَّ سَبِيلٌ. وَإِنْ لَمْ تَقْبَلُوا مِنِّي الْعِذْرَ وَلَمْ تَعْطُوا النَّصْفَ مِنْ أَنْفُسِكُمْ؛ فَأَجْمِعُوا أَمْرَكُمْ وَشُرَكَاءَ كِمِ ثُمَّ لَا يَكُنْ أَمْرُكُمْ عَلَيْكُمْ غَمَةً ثُمَّ اقْضُوا إِلَيَّ وَلَا تَنْظُرُونَ. إِنْ وَّلِيَ اللَّهُ الَّذِي نَزَلَ الْكِتَابَ وَهُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ.»

«ای مردم! گناه مرا بشنوید و در جنگ و خونریزی شتاب نکنید تا امن و وظیفه موعظه که حق شما و به عهده من است، را انجام بدهم و انگیزه سفر به سوی شما را بیان کنم، اگر دلیل مرا پذیرفتید و با من منصفانه رفتار نموددید، همه شما متحد شوید و هر اندیشه باطل که درباره من دارید اجرا کنید و مهلتم ندهید، ولی به هر حال، امر بر شما مشتبه نباشد، و در نهایت یار و یاور من خدایی است که قرآن را فرو فرستاد و اوست یاور صالحان.»

14/2 - «عِبَادَ اللَّهِ اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مِنَ الدُّنْيَا عَلَىٰ حَذَرٍ، فَإِنَّ الدُّنْيَا لَوِ بَقِيَّتٍ عَلَىٰ أَحَدٍ أَوْ بَقِيَ عَلَيْهَا إِحْدٌ لَكَانَتْ الْإِنْبِيَاءُ أَحَقَّ بِالْبَقَاءِ وَأَوْلَىٰ بِالرِّضَا وَأَرْضِي بِالْقَضَاءِ غَيْرِ إِنْ اللَّهُ خَلَقَ الدُّنْيَا لِلْفَنَاءِ فَجَدِيدَهَا بَالٌ وَ نَعِيمَهَا مَضْمَحِلٌّ وَ سِرُّهَا مُكْفَهَرٌ وَ الْمَنْزِلُ ثَلَاثَةٌ وَ الدَّارُ قَلْعَةٌ. فَتَزُودُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَىٰ فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تَفْلِحُونَ.»

«ای بندگان خدا! از خدا بترسید و از دنیا برحذر باشید که اگر بنا بود همه دنیا از آن کسی باشد و او نیز برای همیشه در دنیا بماند، پیامبران برای بقا سزاوارتر و جلب خشنودی آنان بهتر و چنین حکمی خوش آیندتر بود، ولی هرگز! زیرا سرور و شادیش به غم و اندوه مبدل خواهد گردید. دون منزلی است و موقت خانه ای، پس برای آخرت خود توشه ای بگیرید و بهترین توشه تقواست، و تقوا پیشه کند امید است رستگار شوید.»

14/3 - «ایها الناس! الحمد لله الذي خلق الدنيا فجعلها دار فناء و زوال، متصرفة باهلها حالا بعد حال، فالمغرور من غرته و الشقي من فتنته فلا تغرنكم هذه الدنيا فانها تقطع رجاء من ركن اليها، و تخيب طمع من طمع فيها.»

«ای مردم! خدا دنیا را محل فنا و زوال قرار داده که اهل خویش را تغییر می دهد و وضعشان را دگرگون می سازد، مغرور و گول خورده کسی است که فریب دنیا را بخورد و بدبخت کسی است که مفتون آن گردد، پس دنیا شما را گول نزند که هر که بدو تکیه کند ناامیدش سازد و هر کس بر وی طمع کند، په یأس و ناامیدش کشاند.»

14/4 - «وَأَرَاكُمْ قَدْ اجْتَمَعْتُمْ عَلَىٰ أَمْرٍ قَدْ أَسْخَطْتُمُ اللَّهَ فِيهِ عَلَيْكُمْ، وَأَعْرَضَ بوجهه الْكُرَيْمِ عَنْكُمْ، وَأَحْلَ بِكُمْ نِقْمَتَهُ، وَجَنَّبَكُمْ رَحْمَتَهُ، فَنِعْمَ الرَّبُّ رَبَّنَا، وَبئس العبيد أنتم، أَقْرَرْتُمْ بِالطَّاعَةِ، وَأَمَنْتُمْ بِالرَّسُولِ مُحَمَّدٍ ﷺ، ثُمَّ إِنَّكُمْ زَحَفْتُمْ إِلَىٰ ذُرِّيَّتِهِ وَعِترته تَرِيدُونَ قَتْلَهُمْ، لَقَدْ اسْتَحْوَذَ عَلَيْكُمُ الشَّيْطَانُ فَأَنسَاكُمْ ذِكْرَ اللَّهِ الْعَظِيمِ. فتابا لكم ولما تَرِيدُونَ. إنا لله وإنا إليه راجعون، هؤلاء قوم كفروا بعد إيمانهم فبعدا للقوم الظالمين.»

«و اینک می بینم شما به امری هم پیمان شده اید که خشم خدا را برانگیخته و به سبب آن خدا از شما اعراض کرده و غضبش را بر شما فرو فرستاده است، چه نیکوست خدای ما و چه بندگان بدی هستید شما که به فرمان خدا گردن نهادهاید و به پیامبرش حضرت محمد ﷺ ایمان آوردید، سپس برای کشتن اهل بیت و فرزندانش هجوم آوردید، شیطان بر شما مسلط شده که خدای بزرگ را از یاد شما برده است، ننگ بر شما و بر هفتان! ما از خداییم و به سوی او باز می گردیم.»

این قوم ستمگر از رحمت خدا دور باشند که پس از ایمان، به کفر گراییدند.»

14/5 - «ایها الناس! انسبونی من انا، ثم ارجعوا الى انفسكم وعاتبوها، وانظروا هل يحل لكم قتلى وانتهاك حرمتي؟ الست ابن بنت نبيكم وابن وصية وابن عمه و اول المومنين بالله و المصدق لرسوله بما جا من عند ربه؟ اوليس حمزة سيد الشهداء عم ابي؟»

اولیس جعفر الطیار عمی، اولم یبلغکم قول رسول الله ﷺ لی ولاخی: هذان سیدا شباب اهل الجنة؟»

«مردم! نسب مرا بشناسید که من چه کسی هستم، سپس بخود آیید و خویشان را ملامت کنید و ببینید آیا کشتن من و درهم شکستن حریم حرمت من برای شما جایز است؟ آیا من فرزند دختر پیامبر شما نیستم؟ آیا من فرزند وصی و پسر عم پیامبر شما نیستم؟ آیا من فرزند کسی هستم که وی اولین کسی است که به خدا ایمان آورد و رسالت پیامبرش را تصدیق نمود؟ آیا حمزه سید الشهدا عموی پدر من نیست؟ آیا جعفر طیار عموی من نیست؟ آیا سخن رسول خدا را درباره من و برادرم نشنیده اید که فرمود: این دو سرور جوانان بهشتند؟».

14/6 - «فان صدقتمونی بما اقول و هو الحق و الله ما تعدت الکذب منذ علمت ان الله یمقت علیه اهله و یضر به من اختلفه و ان کذبتمونی فان فیکم من ان سالتموه عن ذلك اخبرکم، سلوا جابرین عبدالله الانصاری و ابا سعید الخدری و سهل بن سعد الساعدی و زید بن ارقم و انس بن مالک یخبروکم انهم سمعوا هذه المقالة من رسول الله و لآخی، اما فی هذا حاجز لکم عن سفک دمی.»

«اگر مرا در گفتار تصدیق کنید که حق است، به خدا سوگند از روز اول دروغ نگفته ام، چون دریافته ام که خداوند به دروغگو غضب کرده و ضرر دروغ را به خود دروغگو بر می گرداند و اگر مرا تکذیب می کنید، اینک در میان مسلمانان از صحابه پیامبر، کسانی هستند که می توانید از آنان سؤال کنید که همه آنان گفتار پیامبر را درباره من و برادرم شنیده اند و شما را از آن آگاه خواهند نمود و همین گفتار می تواند مانع خونریزی شما گردد.».

از جابر بن عبدالله و ابوسعید خدری و سهل بن سعد ساعدی و زید بن ارقم و انس بن مالک بیسید که همه آنان به شما خواهند گفت که این گفتار را از رسول خدا ﷺ

درباره من و برادرم شنیده اند که فرمود: (آنها سرور جوانان بهشتند) و همین گفتار می تواند مانع ریختن خون من گردد.

14/7 - «فَإِنْ كُنْتُمْ فِي شَكٍّ مِنْ ذَلِكَ، فَأْتِشْكُونِ أُنِي ابْنَ بِنْتِ نَبِيِّكُمْ؟! فَوَاللَّهِ، مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ ابْنُ بِنْتِ نَبِيِّ غَيْرِي فِيكُمْ وَلَا فِي غَيْرِكُمْ، أَنَا ابْنُ بِنْتِ نَبِيِّكُمْ خَاصَّةً. وَيُحِبُّكُمْ! أَتَطْلُبُونِي بِقَتْلِ مَنْكُم قَتْلَتَهُ، أَوْ مَالٍ لَكُمْ اسْتَهْلَكْتَهُ، أَوْ بِقِصَاصٍ مِنْ جِرَاحَةٍ؟ فَأَخَذُوا لَا يَكْلُمُونَهُ، فَنَادَى: يَا شَبِثُ بْنُ رَبْعِي، وَيَا حِجَارَ بْنَ أَبِجْرٍ، وَيَا قَيْسَ بْنَ الْأَشْعَثِ، وَيَا زَيْدَ بْنَ الْحَرِثِ، أَلَمْ تَكْتُبُوا إِلَيَّ: أَنْ قَدْ أَيْعَتِ الثَّمَارُ، وَاخْضَرَ الْجَنَابُ، وَإِنَّمَا تَقْدِمُ عَلَيَّ جُنْدٍ لَكَ مَجْنَدَةٌ؟»⁽¹⁾

«اگر در گفتار پیامبر درباره من و برادرم تردید دارید، آیا در این واقعیت نیز شک می کنید که من فرزند پیامبر شما هستم و در همه دنیا نه در میان شما و نه در جای دیگر، برای پیامبر فرزندی بجز من وجود ندارد. وای بر شما! آیا کسی را از شما کشته ام که به قصاص او مرا می کشید؟ آیا مال کسی از شما را تباه ساخته ام؟ آیا جراحی بر کسی وارد کرده ام تا مستحق مجازاتم بدانید؟!»

... ای شبث بن ربعی! ای حجار بن ابجر! ای قیس بن اشعث! و ای یزید بن حارث! آیا شما نبودید برای من نامه نوشتید که میوه های ما رسیده و درختان ما سر سبز و خرم است و در انتظار تو دقیقه شماری می کنیم و در کوفه لشکریانی مجهز و آماده در اختیار تو می باشد!».

1- مقتل مرقم/227 - 228.

این بود هفت فقره از اتمام حجت بن علی علیه السلام که مجموعاً اولین خطبه آن حضرت را که در روز عاشورا ایراد فرموده است، تشکیل می دهد آری هفت فقره اتمام حجت در ضمن یک سخنرانی و کیفیت ایراد این خطبه به طوری که در منابع نقل شده بدین صورت بوده است که امام علیه السلام پس از تنظیم صفوف لشکر خویش، سوار بر اسب گردید و از خیمه های خود فاصله گرفت و با صدای بلند و رسا به ایراد این خطبه پرداخت. ⁽¹⁾

خطبه دوم

خطبه و سخنرانی دوم حسین بن علی علیه السلام نیز که مجموعه دیگری است از اتمام حجت آن بزرگواری، دارای هفت فراز است و مشتمل بر دلایل و بیانات مختلف و اتمام حجت در ابعاد گوناگون و در کیفیت ایراد این سخنرانی (خطیب خوارزمی) می گوید:

روز عاشورا پس از آنکه هر دو سپاه کاملاً آماده گردید و پرچمهای لشکر عمر سعد بر افراشته شد و صدای طبل و شیپور آنان در بیابان کربلا طنین افکن گردید، به طرف خیمه های حسین بن علی حرکت کرده و خیمه ها را احاطه نمودند، حسین بن علی از میان خیمه و از داخل لشکر خویش بیرون آمد و در برابر صفوف لشکر دشمن قرار گرفت و از آنان خواست تا سکوت کنند و به سخنان او گوش فرا دهند، ولی آنان همچنان سر و صدا و هلهله می کردند و صدای قهقهه و شادبختی بلند بود که آن حضرت با این جملات، به آرامش و سکوتشان دعوت نمود:

1- این دو سخنرانی با اختلاف جزئی در طبری 242/6 - 243. کامل ابن اثیر 287/3 - 288. ارشاد مفید/234 و مقتل خوارزمی 253/1 و 6/2 - 8 آمده است.

14/8 - «وَيَلِكُمْ مَا عَلَيْكُمْ أَنْ تَهْتُمُوا إِلَيَّ وَتَسْمَعُوا لِقَوْلِي، وَإِنَّمَا أَدْعُوكُمْ إِلَى سَبِيلِ الرَّشَادِ، فَمَنْ أَطَاعَنِي كَانَ مِنَ الْمُرْشِدِينَ، وَمَنْ عَصَانِي كَانَ مِنَ الْمُهْلِكِينَ، وَكَلِّكُمْ عَاصِيَّ مَرِيٍّ غَيْرِ مُسْتَمِعٍ لِقَوْلِي، قَدْ انْخَلَّتْ عَطِيَّاتِكُمْ مِنَ الْحَرَامِ وَ مَلِئْتُ بَطُونَكُمْ مِنَ الْحَرَامِ، فَطَبِعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِكُمْ، وَيَلِكُمْ! أَلَا تَنْصِتُونَ؟! أَلَا تَسْمَعُونَ?!»⁽¹⁾

«وای بر شما! چرا گوش فرا نمی ندهید تا گفتار را که شما را به رشد و سعادت فرا می خوانم بشنوید، هر کس از من پیروی کند، خوشبخت و هر کس عصیان و مخالفت ورزد، از هلاک شدگان است و همه شما عصیان و سرکشی نمود، و با دستور من مخالفت می کنید که به گفتارم گوش فرا نمی دهید. آری، در اثر هدایای حرامی که به دست شما رسیده، و در اثر غذاها و لقمه های غیر حلال ک شکمهای شما از آنها انباشته شده، خدا بر دلهای شما این چنین زده است. وای بر شما! چرا آرام نمی شوید؟! چرا گوش فرا نمی دهید؟!».

14/9 - «تَبَا لَكُمْ أَتَمَّتْ الْجَمَاعَةُ وَ تَرَحَّأَ، أَفْحِينَ اسْتَصْرَخْتُمُونَا وَالْهَيْنَ مَتَحَبِّئِينَ فَأَصْرَخْنَاكُمْ مُؤَدِّينَ مُسْتَعِدِّينَ، سَلَلْتُمْ عَلَيْنَا سَيْفًا فِي رِقَابِنَا، وَ حَشِشْتُمْ عَلَيْنَا نَارَ الْفِتَنِ الَّتِي جَنَاهَا عَدُوُّكُمْ وَ عَدُونَا فَأَصْبَحْتُمْ إِلَيْنَا عَلَى أَوْلِيَائِكُمْ، وَ يَدَا عَلَيْهِمْ عَدَائِكُمْ، بَغَيْرِ عَدَلٍ أَفْشَوْهُ فِيكُمْ، وَ لَا أَمَلَ أَصْبَحَ لَكُمْ فِيهِمْ، إِلَّا الْحَرَامَ مِنَ الدُّنْيَا أَنَالُوكُمْ، وَ خَسِيسَ عَيْشٍ طَمَعْتُمْ فِيهِ، مِنْ غَيْرِ حَدِّثِ كَانِ مِنَّا، وَ لَا رَأْيَ تَفِيلَ لَنَا.»

«ای مردم! ننگ و عار و حزن ذلت بر شما باد که با اشتیاق فراوان در حالی که سرگردان بودید. ما را به یاری خود خواندید و چون به فریاد شما پاسخ مثبت داده و با سرعت به سوی شما شتافتیم،

شمشیرهایی که از خود ما بود، بر علیه ما به کار گرفتید و آتش فتنه ای را که دشمن مشترک برافروخته بود، بر علیه ما شعله ور ساختید، به حمایت از دشمنانتان بر علیه پیشوایانمان به پا خاستید بی آنکه ما در میان شما عدالتی را برقرار سازد. و یا امید چیزی در آنان داشته باشید به جز طعمه حرامی که به شما رسانیده اند و مختصر زندگی ذلت باری که چشم طمع به آن دوخته اید و شما آنگاه بر علیه ما به پا ساختید که نه خطایی از ما سرزده و نه عقیده و اندیشه نادرستی از ما مشاهده کرده اید».

4/10 - «فَهَلَا لِكُمُ الْوَيْلَاتُ إِذْ كَرِهْتُمُونَا وَتَرَكْتُمُونَا، تَجْهَرْتُمُونَا وَالسِّيفُ لَمْ يَشْهَرْ، وَالْجَائِشُ طَامِنٌ، وَالرَّأْيُ لَمْ يُسْتَحْصَفْ، وَلَكِنْ أَسْرَعْتُمْ عَلَيْنَا كَطَيْرِ الدَّبَا، وَتَدَاعَيْتُمْ إِلَيْهَا كِتْدَاعِي الْفَرَّاشِ، فِقْبِحَا لَكُمْ، فَإِنَّمَا أَنْتُمْ مِنَ طَوَاغِيتٍ مَّتَّةٍ، وَبَشِيدٍ إِذْ لَوْلَا حِزَابٌ، وَنَبَذَ الْكِتَابَ، وَنَفَثَ الشَّيْطَانُ، وَعَصَبَهُ الْإِثَامُ، وَمَجْرَفِي الْكِتَابِ، وَمَطْفِيءِ السِّنِّ، وَقَتْلِهِ لَوْلَا دَلِيلُ نَبِيَّائِهِ، وَمَبِيرِي عَتْرَلَا وَصِيَّائِهِ، وَمُلْحَقِي الْعَهَارِ بِالنَّسَبِ، وَمَوْذِي الْمُؤْمِنِينَ، وَصُرَاخِ أُمَّةِ الْمُسْتَهْزِئِينَ، الَّذِينَ جَعَلُوا الْقُرْآنَ عِضِينَ.»

«هان! وای بر شما که با ناخوشایندی روی از ما برتافتید و از یاری ما سرباز زدید و آماده جنگ با ما شدید، آنگاه که شمشیرها در غلاف و دلها آرام و رأیها نیکو نبود، با این وصف مانند ملخ از هر سو به ما یاری روی آوردید و چون پروانه از هر طرف فرو ریختند، رویتان سیاه باد که شما از سرکشان امت و از بازماندگان احزاب منحرف هستید که قرآن را پشت سر انداخته و از دماغ شیطان در افتاده اید.

شما از گروه جنایتکار و تحریف کنندگان کتاب و خاموش کنندگان سنتها می باشید که فرزندان پیامبر را می کشید و نسل اوصیا را از بین می برید. شما از گروه ملحق کنندگان زنازادگان به نسب و آزار دهندگان مومنان و فریاد رس پیشوایان استهزاکنندگان می باشید، همانان که قرآن را پاره پاره کردند (آنچه را به سودشان بود پذیرفتند، و آنچه را بر خلاف هوسهایشان بود رها نمودند)!».

4/11 - «وَأَنْتُمْ إِنْ حَرَبَ وَأَشْيَاعَهُ تَعْتَمِدُونَ، وَإِنَّا تَخْذِلُونَ، أَجَلٌ! وَاللَّهُ الْخَذِلُ فِيكُمْ مَعْرُوفٌ، وَشَجَّتْ عَلَيْهِ عُرُوقُكُمْ، وَتَوَارَثَتْهُ أَصُولُكُمْ وَفُرُوعُكُمْ، وَنَبَتَتْ عَلَيْهِ قُلُوبُكُمْ وَغَشِيَتْ صُدُورُكُمْ، فَكُنْتُمْ أَخْبَثَ شَيْءٍ سَنَخًا لِلنَّاصِبِ وَأَكْبَلَهُ لِلْغَاصِبِ، أَلَا لِعَنَةِ اللَّهِ عَلَى النَّاكِثِينَ الَّذِينَ يَنْقُضُونَ إِيْمَانَ بَعْدَ تَوْكِيدِهَا، وَقَدْ جَعَلْتُمْ اللَّهَ عَلَيْكُمْ كَفِيلًا فَأَنْتُمْ وَاللَّهُ هُمْ.»

«و شما اینک به فرزند حرب و پیروانش اتکا و اعتماد نموده و دست از یاری ما بر می دارید، بلی به خدا سوگند! غدر و خذل از صفات بارز شماست که رگ و ریشه شما بر آن استوار، تنه و شاخه شما آن را به ارث برده، دلهایتان با این عادت نکوهیده رشد نموده و سینه هایتان با آن مملو گردیده است.

شما به آن میوه نامبارکی می مانید که درگروی باغبان رنجیده اش گیر کند و در کام سارق ستمگرش، لذتبخش باشد. لعنت خدا بر پیمان شکنان که پیمانشان را پس از تاکید و توثیق آن، درهم می شکنند و حال آنکه شما خدا را بر عهد و پیمان خود ضامن قرار داده بودید و به خدا سوگند! که شما همان پیمان شکنان هستید.»

4/12 - «أَلَا وَإِنَّ الدَّعِيَّ ابْنَ الدَّعِيِّ قَدْ رَكَزَ بَيْنَ اثْنَتَيْنِ: بَيْنَ السَّلَةِ وَالذَّلَةِ، وَهِيَهَاتَ مَنَا الذَّلَةَ، يَا أَبِي اللَّهِ لِنَا ذَلِكَ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ، وَحِجْرٍ طَابَتْ وَطَهْرَتْ، وَأَنْوَفٍ حَمِيَّةٍ وَنَفُوسٍ أُبِيَّةٍ مِنْ أَنْ نُوْثِرَ طَاعَةَ اللّٰثَامِ عَلَى مِصَارِعِ الْكِرَامِ. أَلَا وَقَدْ أَعْذَرْتَ وَأَنْذَرْتَ، أَلَا وَإِنِّي زَا حِفِّ بِهَذِهِ الْأَسْرَةِ عَلَى قَلَةِ الْعَدَدِ، وَكَثْرَةِ الْعَدُوِّ، وَخِذْلَانِ النَّاصِرِ.»

«آگاه باشید! که این فرومایه (ابن زیاد) و فرزند فرومایه مرا در بین دو راهی شمشیر و ذلت قرار داده است ما کجا و ذلت کجا چرا که خدا و پیامبرش و مومنان از ذلت پذیری ما ابا دارند و دامنهای پاک مادران و مغزهای با غیرت و نفوس با شرافت پدران، روا نمی دارند، که اطاعت افراد لئیم و پست را بر قتلگاه کرام و نیک منشان مقدم بداریم. آگاه باشید! که من با این گروه کم و با قلت یاران و عقب نشینی کنندگان، برای جهاد آماده ام.»

فإن نهزم فهزامون قدام
 وإن نهزم فغير مهزينا
 وما إن طبنا جبن ولكن
 مناينا ودولة آخينا
 فقل للشامتين بنا: أفيقوا
 سيلقى الشامتون كما لقينا
 إذا ما الموت رقع عن أنسلي
 بكلكله أناخ بأخينا

«اگر ما پیروز شویم، در گذشته هم پیروز بودیم و اگر شکست بخوریم، باز هم شکست واقعی از آن ما نیست؛ ترس، از شوون ما نیست، ولی حوادثی به ظاهر بر علیه ما رخ داده و سودی به دیگران رسیده است؛ شماتت کنندگان ما را بگو به هوش باشید که آنان نیز مانند ما مورد شماتت قرار خواهند گرفت؛ و این مرگ هر وقت شترش را از کنار دری بلند کرد، در کنار خانه دیگری خواهد خوابانید».

4/14 - «لا تلبثون بعدها إلا كريثما يركب الفرس، حتى تدور بكم دور الرحي! وتقلق بكم قلق المحور! عهد عهد إلى أبي جدى؛ فأجمعوا أمركم وشركاءكم ثم لا يكن أمركم عليكم غمه ثم افضوا إلى ولا تنظرون! إني توكلت على الله ربي وربكم ما من دابة إلا هو آخذ بناصيتها إن ربي على صراط مستقيم».⁽¹⁾

«آگاه باشید! به خدا سوگند! پس از این جنگ به شما مهلت داده نمی شود که بر مرکب مراد خویش سوار شوید مگر به اندازه مدت کوتاهی که شخص سواره بر اسب خویش سوار است (که به زودی باید پیاده شود). آنگاه اسباب حوادث شما را به سرعت بچرخاند و مانند محور و مدار سنگ آسیاب، مضطربتان گرداند و این عهد و پیمانی است که پدرم از جدم رسول خدا ﷺ برای من بازگو نموده است و

اینک، همه شما پس از آنکه امر بر شما روشن گردیده است، دست به دست توکل می‌کنم که پرودگار من و شماست و اختیار هر جنیده‌ای در دست اوست و خدای من بر صراط مستقیم است».

و این بود هفت فراز از اتمام حجیت امام در دومین خطبه عاشورای آن حضرت.

14/15 - «وَيُحَكِّمُ يَا شَيْعَةَ آلِ أَبِي سَفْيَانَ! إِنَّ لِمِ يَكُنْ لَكُمْ دِينَ، وَكُنْتُمْ لَا تَخَافُونَ الْمَعَادَ، فَكُونُوا أَحْرَارًا فِي دُنْيَاكُمْ هَذِهِ، وَارْجِعُوا إِلَى أَحْسَابِكُمْ إِنْ كُنْتُمْ عَرَبًا كَمَا تَزْعُمُونَ... أَنَا الَّذِي أَقَاتِلُكُمْ، وَتَقَاتِلُونِي، وَالنِّسَاءُ لَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ، فَاْمْنَعُوا عِتَاتِكُمْ وَطَغَاتِكُمْ وَجَهَالِكُمْ عَنِ التَّعَرُّضِ لِحَرَمِي مَا دَمْتُ حَيًّا».⁽¹⁾

«وای بر شما ای شیعیان آل ابی سفیان! شما اگر دین ندارید و از روز جزا نمی‌هراسید (لا اقل) در زندگی خود آزار مرد باشید و اگر خود را عرب می‌پندارید، به نیاکان خود بیندیشید و شرف انسانی خود را حفظ کنید من با شما جنگ می‌کنم و شما با من و این زنانی گناهی ندارند، تا من زنده هستم از تعرض یاغیان و تجاوزگراتان به حریم اهل بیت من جلوگیری کنید».

(خوارزمی) می‌گوید: امام حسین علیه السلام جنگ سختی نمود و در هر حمله عده‌ای از دشمن را به هلاکت رسانید دشمن خواست با وارد کردن ضربه روحی آن حضرت را تضعیف کند و با حایل شدن در خیمه‌ها و قتلگاه، حمله به خیمه‌ها را شروع کرد، در اینجا بود که آن حضرت لشگریان کوفه را با این جملات مورد خطاب قرار داد: (یا شیعة آل ابی سفیان...).

1- مقتل خوارزمی 33/2.

15 - اتمام حجت خصوصی

این بود فراز از اجتهاج و اتمام حجت عمومی حسین بن علی علیه السلام که در این فرازها بود مورد خطاب آن حضرت، همه لشکریان ابن زیاد و همه افرادی است که برای جنگ با فرزند رسول خدا در کربلا شده بودند.

ولی در اجتهاج آن بزرگوار، مواردی نیز وجود دارد که در آنها طرف خطب، افراد مخصوصی بوده و اتمام حجت آن حضرت عنوان فردی و شخصی داشته است، به ذکر نمونه هایی از این نوع اتمام حجت که در دسترس ما بوده، می پردازیم:

با عبید الله بن حر جعفی

15/1 - «یا بن الحر! ان اهل مصر کم کتبوا الی انهم مجتمعون علی نصرتی و سالونی القدوم علیهم و لیس الامر عل ما زعموا و ان علیک ذنوبا کثیرة، فهل لك من توبة تمحو بها ذنوبك؟... تنصرا بن بنت نبیک و تقاتل معه».⁽¹⁾

«(ای پسر حر!) همشهریان شما (کوفه) برای من نامه نوشته اند که بر نصرت و یاری من اتحاد نموده اید و از من خواسته اند به شهرشان بیایم. در حالی که حقیقت امر غیر از این است و تو ای (حر جعفی!) گناهان زیادی را مرتکب شده ای، آیا نمی خواهی از آن گناهان تو کنی؟... فرزند دختر پیامبرت را یاری کرده و به همراه او با دشمنانش بجنگی».

امام علیه السلام این جملات را در منزل (قصرین مقاتل) و هنوز به کربلا وارد نشده بود و به عبیدالله) فرمود، آنگه که در میان آنان ملاقاتی رخ داد، ولی عبیدالله به بهانه ای ملحق، توفیق این توبه را از دست داد.

1- مقتل مرقم/189. طبری 231/6. مقتل خوارزمی 226/1 - 227.

باید توجه داشت که (عبیدالله بن حو) از افراد شجاع و سرشناس و از هواداران عثمان بود و پس از کشته شدن او، نزد معاویه رفت و در جنگ صفین در صف لشکریان او با امیر مومنان علیه السلام جنگ نمود، در تاریخ از غارتگریها و راهزنیهای عبیدالله در دوران معاویه و غیر آن، مطالب فراوان نقل گردیده است.

با عمر بن سعد

15/2 - «وَيْلَكَ يَا بَنَ سَعْدٍ أَمَا تَتَّقِي اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ مَعَادُكُمْ؟ أَتُقَاتِلُنِي وَأَنَا ابْنُ مَنْ عَلِمْتَ؟ ذَرِ هَؤُلَاءِ الْقَوْمَ وَكُنْ مَعِيَ، فَإِنَّهُ أَقْرَبُ لَكَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى»⁽¹⁾

«ای پسر سعد! آیا می خواهی با من جنگ کنی؟ در حالی که مرا می شناسی و می دانی من فرزند چه کسی هستم و آیا از خدایی که بازگشت تو به سوی اوست نمی ترسی؟! آیا نمی خواهی به همراه من باشی و دست از اینها (بنی امیه) برداری که این عمل به خداوند نزدیکتر (و جلب کننده رضای اوست)».

امام علیه السلام این جمله را در شب هشتم و نهم محرم در ضمن ملاقاتی که در میان دو لشکر و طبق پیشنهاد آن حضرت با عمر سعد داد، خطاب بدو ایراد فرمود.

بازهم با عمر سعد

15/3 - «يَا عُمَرُ، أَنْتَ تَقْتُلُنِي وَتَزْعَمُ أَنَّ يُولِيكَ الدَّعِيُّ بْنُ الدَّعِيِّ بِلَادِ الرَّيِّ وَجُرْجَانَ؟ وَاللَّهِ، لَا تَقْتِيلُنِي بِذَلِكَ أَبَدًا، عَهْدٌ مَعَهُودٌ، فَاصْنَعْ مَا أَنْتَ صَانِعٌ؛ فَإِنَّكَ لَا تَفْرَحُ بَعْدِي بِدُنْيَا وَلَا آخِرَةٍ، وَكَأَنِّي بِرَأْسِكَ عَلَى قَصَبَةٍ قَدْ نَصَبَ بِالْكَوْفَةِ، يَتْرَامَاهُ الصَّبِيَّانُ، وَيَتَخَذُونَهُ غَرَضًا بَيْنَهُمْ...»⁽²⁾

«ای عمر سعد! آیا تو خیال می کنی با کشتن من (به جایزه بزرگی دست خواهی یافت و) این فرومایه (ابن زیاد) حکومت ری و گرگان را به تو واگذار خواهد نمود،

1- مقتل مقرر/205 و مقتل خوارزمی 245/1.

2- مقتل مقرر/235. مقتل خوارزمی 8/2 و عوالم 253/17.

به خدا سوگند! چنین حکومتی بر تو گوارا نخواهد گردید و این پیمانی است محکم و پیش بینی شده، اینک آنچه درباره ما از دست تو بر می آید انجام بده که پس از (کشتن) من نه در دنیا و نه در آخرت روی خوشی و راحتی نخواهی دید و چندان دور نیست روزی که در همین شهر کوفه، سر بریده تو را بر نیزه بزنند و کودکان آن را اسباب بازی قرار داده و سنگ بارانشان قرار بدهند».

حسین بن علی علیه السلام پس از سخنرانی دوم در روز عاشورا، عمر سعد را گرفت و او با اینکه از این ملاقات اکراه داشت، به ناچار از صف دشمن فاصله گرفت و جلو آمد به طوری که گردن اسب امام با گردن اسب وی مقابل هم قرار گرفت، آن حضرت برای آخرین بار با جملاتی که ملاحظه فرمودید، با وی اتمام حجت فرمود و آینده تیره و تاریک او را ترسیم نمود، اما او از نصیحت و اتمام حجت امام بهره ای نگرفت و همانگونه که آن حضرت فرمود به شقاوت و بدبختی دنیا و آخرت دچار گردید.

با عمرو بن حجاج

15/4 - «يحك يا عمرو! اعلی تحرض الناس؟ انحن مرقنا من الدين و انت تقیم علیه؟»

ستعلمون اذا فارقت ارواحنا اجسادا من اولی بصلی النار.»⁽¹⁾

«وای بر تو ای عمرو! آیا مردم را به این بهانه که ما از دین خارج شده ایم بر علیه من می شورانی؟ آیا ما از دین خارج شده ایم و تو در آن پا برجا هستی؟! آری، به زودی که روح، از بدن ما جدا می شود، خواهید دید که چه کسی از دین بیرون رفته و سزاوار آتش خواهد بود.»

1- مقتل مقرر/240. طبری 249/6. کامل ابن اثیر 290/3 و مقتل خوارزمی 15/2 با تفاوت مختصر در

متن.

امام علیه السلام این اتمام را به (عمرو بن حجاج) یکی از فرماندهان لشکر کوفه نمود آنگاه که دید وی افراد تحت فرماندهی خود را که چهار هزار نفر بودند با این جملات بر جنگ با آن حضرت تشویق می کند:

قاتلوا من مرق عن الدین و فارق الجماعة!!!

«بجنگید! با کسی (حسین بن علی علیه السلام) که از دین خدا برگشته و از صف مسلمانان خارج شده است!!!».

16 - پیام استمداد

این بود پیام های اتمام بخش حسین بن علی علیه السلام. به طوری که قبلا اشاره نمودیم ، در این بخش علاوه بر پیام اتمام حجت، با پیام های استمداد و استغاثه آن حضرت هم آشنا خواهیم گردید و اینک:

16/1 - «أَمَّا مِنْ مُعِيْثٍ يُغِيْثُنَا لَوْجِهِ اللّٰهِ؟ أَمَّا مِنْ ذَابٍ يَذِبُ عَنِ حَرَمِ رَسُوْلِ اللّٰهِ

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ.» (1)

«آیا فریاد رسی نیست که برای رضای خدا به فریاد ما برسد؟! آیا دفاع کننده ای نیست که از حرم رسول خدا صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دفاع کند؟!».

امام علیه السلام این جمله را در روز عاشورا، در ضمن جملاتی پس از آنکه سخنرانی عمویش تمام شد، ایراد فرمود، آنگاه که از طرف دشمن، گروه تیراندازان، یاران حسین بن علی علیه السلام را تیرباران نمودند و تعدادی از آنان را به خاک و خون کشیدند و طبق نقل مرحوم مرقم، چون صدای استغاثه امام علیه السلام به گوش اهل بیت آن حضرت رسید، صدای گریه و ناله از میان خیمه ها برخاست.

16/2 - «هل مِنْ ذَابٍ يَذِبُ عَنِ حَرَمِ رَسُوْلِ اللّٰهِ؟! هل مِنْ مُوَحِّدٍ يَخَافُ اللّٰهَ؟! فَيُنَا هَل

مِنْ مُعِيْثٍ يَرْجُو اللّٰهَ بِإِعَانَتِنَا؟! هل مِنْ مُعِيْنٍ يَرْجُو مَا عِنْدَ اللّٰهِ فِي إِعَانَتِنَا؟!» (2)

«آیا مدافعی هست از حرم رسول خدا دفاع کند؟! آیا بنده یکتا پرستی هست درباره ستمی که بر ما وارد می شود از خدا بترسد؟! آیا فریاد رسی هست که به امید خداوندی به فریاد ما برسد؟! آیا یاری دهنده ای هست که به امید ثواب الهی به یاری ما برخیزد؟!».

1- مقتل مرقم/240 و لهوف/90.

2- مقتل خوارزمی 32/2.

طبق نقل خوارزمی، امام عَلَيْهِ السَّلَامُ این جملات را با صدای بلند و به عنوان اتمام حجت ، خطاب به لشکریان عمر سعد ایراد فرمود در حالی که همه یاران آن حضرت به شهادت رسیده بودند.

16/3 - «یا کرام! هذه الجنة!... فحاموا عن دين الله ودين نبیه وذبوا عن حرم رسول

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ». (1)

«ای عزیزان! اینک درهای بهشت به روی شما باز شده است پس ، از دین خدا و آیین پیامبرش حمایت و از حرم رسول دفاع کنید».

این جملات را امام عَلَيْهِ السَّلَامُ پس از اقامه نماز ظهر روز عاشورا هنگامی که عده ای از یاران در مقابلش به روی خاک افتاده و به درجه شهادت و سعادت ابدی نایل گردیدند، ایراد فرمود، گرچه این خطاب، استغاثه و استمداد به ظاهر متوجه یاران و اصحاب آن حضرت بود که در انتظار شهادت، دقیقه شماری می نمودند، اما در حقیقت دعوتی عام استغاثه ای فراگیر و بیان وظیفه ای بود که شامل تمامی کسانی می شد که صدای آن حضرت را می شنیدند.

1- مقتل مرقم/246.

17 - پیام انتقام

قرآن مجید می فرماید:

(فَانْتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَنْظِرُ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ).⁽¹⁾

«ما از آنان (تکذیب کنندگان انبیا) انتقام گرفتیم، پس بین چگونه است عاقبت کار تکذیب کنندگان».

گرچه این آیه شریفه درباره امتهای پیشین گذشته است که پیامبران خود را بر اساس افکار باطل و به تبعیت از نیاکان خویش تکذیب نموده اند، ولی یکی از مصادیق بارز کسانی که رهبران و پیشوایان خود را تکذیب نموده و با آنان به مبارزه برخاسته اند و قبل از آخرت در این دنیا شمشیر انتقام الهی بر سر آنان فرود آمده و قبل از مگر، قانون مجازات آنان را فراگرفته است، بنی امیه و پیروان آنان مخصوصا مردم کوفه بودند. تاریخ از این نظر غنی و گویاست و نکات حساس و تکان دهنده ای را از سرنوشت آنان برای آیندگان حفظ کرده است.

ولی آنچه در اینجا مورد نظر است، پیش بینهای صریح قاطع و پیامهای کوتاه شعار گونه حسین بن علی علیه السلام در مورد انتقامها و مجازاتها دنیوی است؛ که آن حضرت در مقاطع مختلف به صراحت بیان نموده تا بلکه بتواند از این راه آنان را از عذابی به چنین جنایت هولناکی باز داشته و از بروز سرنوشتی شوم در دنیا و عذابی دردناک در آخرت، جلوگیری نماید.

1- زخرف/25.

17/1 - «والله! لا يدعوني حتى يستخرجوا هذه العلقه من جوفى، فاذا فعلوا ذلك سلط عليهم من يذلمهم حتى يكونوا اذل من فرام المرأة».⁽¹⁾

«به خدا سوگند! بنی امیه از من دست بر نمی دارد تا خون مرا بریزند و چون جنایت را مرتکب شوند خداوند کسانی را بر آنان مسلط می کند تا ایشان را به ذلت بکشاند ذلتی بدتر از کهنه پاره زنان».

امام علیه السلام این جمله را در پاسخ (ابن عباس) فرمود، آنگاه که از عراق آن حضرت درخواست نمود تا در شهر مکه اقامت نموده، پس از قیام مردم عراق و بیرون راندن حکام و فرمانداران بنی امیه از شهرهایشان، به سوی حرکت نماید.

17/2 - «ان هؤلاء اخافوني وهذه كتب اهل الكوفة وهم قاتل فاذا فعلوا ذلك ولم يدعوا لله محرما الا انتهكوه بعث الله اليهم من يقتلهم حتى يكونوا اذل من قوم الامه».⁽²⁾

اینان (بنی امیه) مرا تهدید نمودند، اهل کوفه هم به وسیله این نامه ها از من دعوت کردند و قاتل من هم خودشان خواهند بود و چون این گناه بزرگ را مرتکب شده و احترام الهی را در هم شکستند، خداوند کسی را بر آنان مسلط خواهد نمود که به کشتار آنان پردازد به طوری که ذلیل تر از کهنه پاره کنیزان گردند).

امام علیه السلام این جمله را که مشابه جمله گذشته است، در پاسخ شخصی فرمود که در مسیر کوفه با آن حضرت مواجه گردید، زیرا او سؤال نمود یابن رسول خدا! چه انگیزه ای موجب گردید که شما از مدینه و حرم جد خود خارج شده و به این بیابان بی و آب و علف روی آوردید؟!!

1- مقتل مقرر/168. طبری 217/6 و کامل ابن اثیر 276/3.

2- مقتل مقرر/168. طبری 217/6 و کامل ابن اثیر 276/3.

17/3 - «انهم لن يدعوني حتى يستخرجوا هذه العلقه من جوفي، فاذا فعلوا ذلك سلط الله عليهم من يذلمهم حتى يكونوا اذل فرق الامم». (1)

(آنان دست از من بر نمی دارند تا خون مرا بریزند و چون این جنایت را مرتکب شوند، خداوند کسی را بر ایشان مسلط گرداند که آنان را ذلیلترین ملتها سازد). این جمله را امام علیه السلام در منزل (بطن عقبه) و در پاسخ (عمرو بن لوزان) فرمود آنگاه که او هم از سفر منصرف شده و به مدینه مراجعت نماید.

17/4 - «وايم الله! ليقتلوني فيلبسهم الله ذلا شاملا و سيفا قاطعا و يسلط عليهم من يذلمهم حتى يكونوا اذل من قوم سبأ، اذ ملكتهم امرأة فحكمت في اموالهم و دمائهم». (2)

به خدا سوگند! مسلما آنان مرا خواهند کشت و خدا به ذلت فراگیر و شمشیر بران مبتلایشان ساخته و کسی را بر آنان مسلط خواهد نمود که آنان را به ذلت کشانیده از قوم سبا که زنی بر ایشان مسلط شد و به دلخواه خویش در مال و جانشدن حکمرانی نمود، ذلیل تر گرداند.

این جمله را امام علیه السلام در منزل (زهیمه) در پاسخ (ابوهرم) ایراد فرمود.

- 17/5

لعنتم و اخزيتم بما قد جنيمه فسوف تلاقوا حرنار توقد (3)

«شما (مردم کوفه) در اثر جنایاتی که مرتکب شدید، مورد لعنت و غضب خدا قرار گرفتید و به زودی آتشی سوزان را در خواهید یافت». این بیت، یکی از چهار بیت شعری است که حسین بن علی علیه السلام در بالین حضرت ابوالفضل به عنوان ندبه و مرثیه برادرش و نکوهش از اقدام و جنایت مردم کوفه و خطاب به آنان ایراد فرموده است.

1- مقتل مقرر/181 و ارشاد مفید/223.

2- مقتل مقرر/185. مقتل خوارزمی 266/1 و لهوف 62.

3- مناقب 108/4.

18 - پیام شهادت

گرچه موارد متعددی از پیام های پیشین بویژه پیام انتقاد که در فصل گذشته ملاحظه نمودید، متضمن پیام شهادت نیز می باشد و مضمون آنها بیانگر آمادگی امام برای فداکاری در راه اعلاى کلمه توحید و از بین بردن موانع پیشرفت اسلام و بذل جان و مال در راه عقیده و آرمان خویش است، ولی به جهت اهمیت موضوع و صراحت پیام شهادت آن بزرگوار و جلب توجه بیشتر اینک نمونه هایی از این شعار پیام را به صورت بخشی مستقل و جداگانه در اختیار خوانندگان عزیز قرار می دهیم:

18/1 - «الْحَمْدُ لِلَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ، وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ، خَطَّ الْمَوْتَ عَلَى وَدِّ آدَمَ مَخْطُ الْقِلَادَةِ عَلَى جَيْدِ الْفَتَاةِ، وَمَا أَوْلَهْنِي إِلَى أُسْلَافِي إِشْتِيَاقَ يَعْقُوبَ إِلَى يَوْسُفَ، وَخَيْطِ مِصْرَعٍ إِنَّا لِأَقِيهِ. كَأَنِّي بِأَوْصَالِي تَقَطَّعَهَا عَسَلَانِ الْفِلَوَاتِ بَيْنَ النَّوَاوِيسِ وَكَرْبَلَاءَ بِلَاءِ بَنِي مِثْنَى أَكْرَاشَا جَوْفَا وَاجْرِيَةَ سَعْبَا، لَا مَحِيصَ عَن يَوْمِ خَطِّ بِالْقَلَمِ، رَضِيَ اللَّهُ رِضَانًا أَهْلَ الْبَيْتِ، نَصَبْرٍ عَلَى بِلَائِهِ وَيُوفِينَا أَجْرَ الصَّابِرِينَ... مَن كَانَ بِإِذْلًا فِينَا مَهْجَتَهُ، وَمَوْطِنَا عَلَى لِقَاءِ اللَّهِ نَفْسَهُ فَلْيَرْحَلْ مَعْنَا فَإِنِّي رَاحِلٌ مَصْبِحًا إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى.»⁽¹⁾

مرگ بر فرزندان آدم لازم و حتمی گردیده، همانند گردنبد که لازمه گردن دختران جوان است و من به دیدار نیاکانم آنچنان مشتاقم مانند اشتیاق یعقوب به دیدار یوسف و برای من قتلگاه معین شده که به آنجا خواهم رسید و گویا می بینم که درندگان بیانان ها (لشکرکوفه) در سرزمین میان نواویس⁽²⁾

1- مقتل مقرر / 166. لهوف / 53. مثير الاحزان / 41 و مقتل خوارزمي / 5/2.

2- در (بصار العين سماوی) آمده است که: (نواویس) در اصل به معنای (مقبره مسیحیان) است و منظور از آن در اینجا قریه ای است که در گذشته در نزدیکی کربلا قرار داشته و در کتاب (الامام الحسين واصحابه) جلد اول، می گوید: آنچه از کلمات ظاهر می شود، (نواویس) قریه ای است که (بنوریاح) قبیله حربن یزید ریاحی در آنجا سکونت داشته اند و هم اکنون قبر حر در آنجا قرار دارد.

و کربلا اعضای بدن مرا قطعه - قطعه کرده و شکم های گرسنه خود را با آنها سیر و انبانهای خالی خود را پر می کنند، از پیش آمدی که با قلم قضا و قدر نوشته شده است، گریزی نیست، خشنودی خداوند ما اهل بیت پیامبر ﷺ است، در برابر امتحان خدا صبر و شکیبایی می خواهد در راه ما از جانش بگذرد و خونس را در راه لقای خداوند نثار کند، آماده حرکت با ما باشد که من فردا صبح حرکت خواهم نمود. ان شاء الله تعالی. این جملات، بخشی از سخنرانی حسین بن علی علیه السلام است که یک روز قبل از حرکت از مکه آن را ایراد نموده است.

نامه ای به بنی هاشم

18/2 - «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، مِنَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ إِلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَمَنْ قَبْلَهُ مِنْ بَنِي هَاشِمٍ، أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّ مِنْ لِحْقِ بِي اسْتَشْهَدُ، وَمَنْ لَمْ يَلْحَقْ بِي لَمْ يَدْرِكِ الْفَتْحَ، وَالسَّلَامُ»⁽¹⁾.

«به نام خداوند بخشنده مهربان. از حسین بن علی به محمد بن علی و افراد دیگر از بنی هاشم که در نزد وی هستند. اما بعد هر یک از شما در این سفر به من ملحق شود، به شهادت خواهد رسید و هر کس از شما مرا همراهی نکند، به پیروزی دست نخواهد یافت. والسلام».

بنا به نقل محدث بزرگ (ابن قولویه) حسین بن علی علیه السلام این نامه را در ایامی که در مکه اقامت داشت برای برادرش (محمد حنفیه) و سایر افراد بنی هاشم که در مدینه بودند، نگاشت و (ابن عساکر و ذهبی) هم نظریه (ابن قولویه) را تایید نموده اند.⁽²⁾ ولی مرحوم (سید بن طاووس)⁽³⁾ از (کلینی رحمه الله علیه) نقل می کند که این نامه از ناحیه حسین بن علی علیه السلام پس از آنکه از مکه حرکت نموده، صادر شده است.

1- کامل الزیارات/باب 23/ح 20.

2- کامل الزیارات/باب 23/ح 20.

128- ترجمه حسین بن علی علیه السلام در تاریخ ابن عساکر و تاریخ الاسلام ذهبی.

در بطن عقبه

18/3 - «ما ارانی الا مقتولا، فانی رایت فی المنام کلابا تنهشنی، و اشدھا علی کلب

ابقع». (1)

«من درباره خودم هیچ پیش بینی نمی کنم جز اینکه کشته خواهم شد؛ زیرا در عالم رویا دیدم که سگ های چندی به من حمله نمودند و درنده ترین آنها سگی بود سفید و سیاه».

امام عَلَيْهِ السَّلَام این خبر را در منزل (بطن عقبه) به اطلاع یاران و اهل بیت خویش رسانید.
18/4 - «انی خفت براسی فعن لی فارس و هو یقول: القوم یسیرون و المنایا تسری

الیهم، فعلمت انها انفسها نعیت الینا». (2)

«من سرم را به زین اسب گذاشته بودم که خواب خفیفی بر چشمم مسلط شد، در این موقع صدای اسب سوار (هاتفی) به گوشم رسید که می گفت اینان به هنگام شب در حرکتند، مرگ هم آنان را تعقیب می کند و برای من معلوم شد که این خبر مرگ ماست».

امام این جمله را پس از حرکت از (قصر بنی مقاتل) و در نزدیکی کربلا فرمود، آنگاه که قافله شبانه در حرکت بود، صدای استرجاع امام بلند شد، حضرت علی اکبر علت این استرجاع را سؤال نمود، امام در پاسخ وی فرمود: (انی خففت برأسی...).

129- مقتل مقرر/181 کامل الزیارات باب 23/ح 19.

130- مقتل مقرر/191. انساب الاشراف 3/185. طبری 6/213 و کامل ابن اثیر 3/282.

هنگام ورود به کربلا

18/5 - «ارض کرب و بلاً قفوا و لا تبرحوا و حطوا و لا ترحلوا فیهنا و اللہ محط رحالنا و ہیہنا و اللہ سفک دماننا و ہیہنا و اللہ تسبی حریمنا و ہیہنا و اللہ محل قبورنا و ہیہنا و اللہ محشرنا و منشرنا و بہذا و عدنی جدی رسول خدا ﷺ و لا خوف لو عدہ»⁽¹⁾.
«اینجا سرزمین حزن و مصیبت است بایستید و حرکت نکنید، بارها را بگشایید و منزل کنید، به خدا سوگند اینجاست محل فرود آمدن قافله ما، و به خدا سوگند همین جاست جایگاه ریخته شدن خونهای ما، و به خدا سوگند اینجاست که خانواده ما اسیر می شود و به خدا سوگند اینجاست محل قبرهای ما و به خدا سوگند اینجاست حشر و نشر ما که جدم رسول خدا به من وعده داده است و خلاقی در وعده او نیست».

امام، این جملات را هنگام ورود به سرزمین کربلا ایراد فرمود.

عصر تاسوعا

18/6 - «انی رایث رسول اللہ ﷺ فقال لی: إنک تروح إلینا»⁽²⁾.

«اینک جدم رسول خدا ﷺ را در خواب دیدم که به من فرمود: به نزد ما خواهی آمد».

امام، این جمله را در عصر تاسوعا فرمود، آنگاه که در کنار خیمه به شمشیرش تکیه نموده و خواب خفیفی بر چشمان آن حضرت غالب گردید و همان وقت لشکر کوفه به سوی خیمه ها حرکت نمود و چون زینب کبری علیها السلام هلهله دشمن را شنید، شتابزده برادرش را بیدار کرده و از وضعی که پیش آمده بود که را مطلع نمود، در این موقع آن حضرت فرمود: «انی رایث رسول اللہ ﷺ فی المنام...».

1- مقتل مقرر/191. انساب الاشراف/185/3. طبری/231/6 و کامل ابن اثیر/282/3.

2- تاریخ طبری/416/5. ارشاد مفید/20 و کامل ابن اثیر/56/4.

18/7 - «... وَقَدْ أَخْبَرَنِي جَدِّي رَسُولُ اللَّهِ ﷺ بَأَنِّي سَاسَقُ إِلَى الْعِرَاقِ فَأَنْزَلَ أَرْضًا يُقَالُ لَهَا عَمُورًا وَكَرْبَلَا وَفِيهَا اسْتَشْهَدُ وَقَدْ قُرِبَ الْمَوْعِدُ. أَلَا وَإِنِّي أَظُنُّ يَوْمَنَا مِنْ هَؤُلَاءِ الْأَعْدَاءِ غَدًا...»

«...جدم رسول خدا به من چنین چیزی خبر داده بود که من به عراق فرا خوانده می شوم و در محلی که به آن عمورا و کربلا می گویند فرود آمده و در همانجا به شهادت می رسم و اینک وقت آن رسیده است و به گمان من فردا دشمن جنگ را با ما آغاز خواهد نمود.»

18/8 - «إِنِّي غَدًا أَقْتُلُ، وَتَقْتُلُونَ كَلِمَةً مَعِيَ، وَلَا يَبْقَى مِنْكُمْ وَاحِدٌ»⁽¹⁾.

«من فردا کشته می شوم و همه شما حتی قاسم و عبدالله شیرخوار کشته خواهد شد و کسی از شما زنده نخواهد ماند.»

حسین بن علی عليه السلام عصر تاسوعا یا شب عاشورا یا شب عاشورا در میان یارانش سخنرانی و با جملاتی که از رسول خدا نقل نمود و شهادت خود و هرکس را که همراه اوست، صریحا اعلان کرد، آنگاه به همه آنان اجازه مرخصی داد و هر یک از آنان با بیانی استقامت و پایداری خود را ابراز نمود و در اینجا بود که برای آخرین بار با یک جمله دیگر، آینده را برای آنان ترسیم نمود و چنین فرمود:

18/9 - «... رَأَيْتُ كَأَنَّ كِلَابًا قَدِ شَدَّتْ عَلَيَّ لِتَنْهَشَنِي، وَفِيهَا كَلْبٌ أَبْقَعَ رَأْيَتَهُ أَشَدَّهَا عَلَيَّ، وَأُظُنُّ أَنَّ الَّذِي يَتَوَلَّى قَتْلِي رَجُلٌ أَبْرَصٌ مِنْ بَيْنِ هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ؛ ثُمَّ إِنِّي رَأَيْتُ بَعْدَ ذَلِكَ جَدِّي رَسُولَ اللَّهِ ﷺ وَمَعَهُ جَمَاعَةٌ مِنْ أَصْحَابِهِ وَهُوَ يَقُولُ لِي: «يَا بَنِيَّ أَنْتَ شَهِيدٌ آلِ مُحَمَّدٍ قَدْ بَلَغَتْكَ لِيْلَةُ الْيَوْمِ وَهَلْ لَكَ مِنْ أَمَلٍ مُلْتَمَسٍ وَهَلْ لَكَ مِنْ مَخْرَجٍ لَا عَلَيَّ فَلَئِنْ كُنْتُ فِي الْيَوْمِ اللَّيْلَةِ، عَجَلٌ وَلَا تَوَخَّرُ، فَهَذَا مَلِكٌ قَدْ نَزَلَ مِنَ السَّمَاءِ لِيَأْخُذَ دِمَكَ فِي قَارُورَةِ خَضْرَاءٍ. فَهَذَا مَا رَأَيْتَ وَقَدْ نَزَلَ لَمْ يَرَوْا اقْتَرَبَ الرَّحِيلُ مِنْ هَذِهِ الدُّنْيَا، لَا شَكَّ فِي ذَلِكَ»⁽²⁾.

2- نفس المهموم/234 و مقتل خوارزمی 252/1.

1- نفس المهموم/230.

سحرگاهان شب عاشورا خواب سبکی چشم امام علیه السلام را فرا گرفت و چون بیدار گردید خطاب به یاران و اصحابش چنین فرمود:

«من در خواب دیدم گویا که چندین سگ بر من حمله می کنند و درنده ترین آنها سگی بود به رنگ سیاه و سفید و چنین گمان می کنم قاتل من از میان این مردم کسی است که به مرض برص مبتلاست. پس از آن رسول خدا را با گروهی زیارانش در خواب دیدم که به من فرمود پسرکم تو شهید آل محمد هستی و ساکنان آسمانها و عرش برین، آمدن تو را به همدیگر مژده و بشارت می دهند. تو امشب افطار را نزد من خواهی بود، بشتاب و تاخیر روامدار. و اینک فرشته ای از آسمان فرود آمده است تا خون تو را در شیشه سبز رنگی جمع آوری و حفظ کند این بود خوابی که من دیدم، اینک وقت آن فرا رسیده و زمان کوچ کردن از این دنیا، نزدیک شده است و شکی در آن نیست.»

19 - پیام پیروزی

آنان که وارد صحنه جنگ و میدان مبارزه شده و در برابر دشمن قرار می گیرند، در پی پیروزی خود و شکست دشمن هستند و حسین بن علی علیه السلام نیز از این قانون خود مستثنا نیست، ولی نکته مهم این است که شکست و پیروزی از نظر آن حضرت ، بر خلاف عامه مردم، مفهوم و معنای خاص داشت و دارای بعد دیگری است که این معنا در نظر اکثر مردم نه تنها کاربردی ندارد، بلکه گاهی درک و تصور آن نیز ممکن نیست و از این رو درباره قیام آن حضرت تاویلات و برداشتهای گوناگون و گاهی نظرات متضادی ابراز شده است.

آری، مفهوم پیروزی از نظر امام علیه السلام در مرحله اول انجام دادن یک وظیفه الهی و به پایان رسانیدن یک مسوولیت شرعی است . پیروزی از دیدگاه آن حضرت تحکیم بخشیدن به ارزشهای انسانی و حرکت در مسیری است که برای همه انبیا و اوصیا در جهت هدایت جامعه به سوی سعادت ابدی آنان ترسیم شده است؛ خواه این حرکت با پیروزی ظاهری او و شکست دشمن همراه باشد یا این حرکت به شکست ظاهری منجر شود.

و این حقیقتی است که فرازهای متعددی از پیامهای آن حضرت به وضوح بر آن دلالت می کند، اکنون به نقل چند نمونه از آنها می پردازیم:

19/1 - «أَمَّا بَعْدُ! فَإِنَّهُ لَمْ يَشَاقِقِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ عِزًّا وَجَلًّا، وَعَمِلَ صَالِحًا؛ وَقَالَ: إِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ، وَقَدْ دَعَوْتُ إِلَى الْأَمَانِ وَالْبِرِّ وَالصَّلَةِ، فَخَيْرُ الْأَمَانِ، أَمَانُ اللَّهِ»⁽¹⁾.

«کسی که به سوی خدا دعوت کند و عمل صالح انجام دهد و خود را در زمره مسلمانان بداند، بی شک با خداوند و پیامبرش مخالفت نورزیده است و اما اینکه به امان، احسان، صلّه و پاداش دعوت نمودی پس آگاه باش بهترین امان، امان خداست».

این فراز و پیام، بخشی از جملاتی است که حسین بن علی علیه السلام در پاسخ (عبدالله بن جعفر و یحیی بن سعید) فرمود که آنان پس از حرکت امام علیه السلام از مکه، بیرون شهر به آن بزرگوار رسیدند و ضمن ارائه امان نامه ای از (عمرو بن سعید⁽²⁾) از آن حضرت در خواست مراجعت به مکه نمودند و عبدالله در این باره اصرار می ورزید و خطرات آینده و پیمان شکنی مردم عراق را ترسیم می نمود، امام علیه السلام با جملات یاد شده، پاسخ داد.

19/2 - «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، مِنَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ إِلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَمَنْ قَبْلَهُ مِنْ بَنِي هَاشِمٍ، أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّ مَنْ لَحِقَ بِي اسْتَشْهَدُ، وَمَنْ لَمْ يَلْحَقْ بِي لَمْ يَدْرِكِ الْفَتْحَ، وَالسَّلَامُ»⁽³⁾.

ما این فراز و ترجمه آن را در صفحه یکصد و نه ضمن پیام شهادت حسین بن علی علیه السلام نقل نمودیم و چون این سخن امام، گذشته از پیام شهادت، دارای مفهوم پیروزی معنوی می باشد، در این بخش نیز به نقل آن مبادرت ورزیدیم.

1- تاریخ طبری 229/6

2- (عمرو بن سعید بن عاص) از طرف یزید امیر الحجاج بود و در مکه حضور داشت و برای اینکه بتواند حسین بن علی علیه السلام را از سفر عراق منصرف سازد و بر او در اقامت در مکه اطمینان بدهد، نامه ای را به وسیله برادرش (یحیی بن سعید و عبد الله بن جعفر) به آن حضرت فرستاد.

3- کامل الزیارات، باب 23/ح 20.

19/3 - «إِنَّ نَزْلَ الْقَضَاءِ بِمَا نَحِبُّ وَنَرِضَىٰ فَنَحْمَدُ اللَّهَ عَلَىٰ نِعْمَائِهِ وَهُوَ الْمُسْتَعَانُ عَلَىٰ آدَاءِ الشُّكْرِ وَإِنْ حَالَ الْقَضَاءِ دُونَ الرَّجَاءِ فَلَمْ يَتَعَدَّ مِنْ كَانِ الْحَقُّ نِيَّتَهُ وَالتَّقْوَىٰ سِرِّيَّتَهُ»⁽¹⁾.

«اگر پیشامدها بر وفق مراد و دلخواه ما باشد، شکرگزار نعمتهای خداوند خواهیم بود و تنها اوست یار و مددکار ما در سپاس گزاریش. و اگر حوادث و پیشامدها میان ما و خواسته هایمان مانع گردد و کارها طبق مراد ما پیش نرود، باز هم کسی که نیتش حق و پاکیزه سرشت است، از مسیر صحیح دور نگردیده (و راه خود را گم نمی کنید)».

امام عليه السلام این فراز را در پاسخ (فرزدق) شاعر معروف که عازم حج بود، در خارج از شهر مکه به او فرمود. حضرت در این ملاقات از وی وضع مردم عراق را پرسید، پاسخ فرزدق این بود:

«قُلُوبُ النَّاسِ مَعَكَ وَأَسْيَافُهُمْ عَلَيْكَ»⁽²⁾.

«گرچه دلهای مردم با شماست، اما شمشیرهایشان بر علیه تان می باشد».

لحن فرزدق یاس آور و پیشنهادش به امام عليه السلام انصراف از سفر به عراق بود که امام با جمله فوق: (ان نزل القضاء...) به او پاسخ داد.

19/4 - «أَمَّا وَاللَّهِ! إِنِّي لَأَرْجُو خَيْرًا مَا أَرَادَ اللَّهُ بِنَا، قَتَلْنَا أُمَّ ظَفَرْنَا»⁽³⁾.

«آگاه باش! به خدا سوگند! من امید قطعی دارم بر اینکه اراده و خواست خداوند درباره ما خیر است، خواه کشته شویم یا پیروز گردیم».

1- ارشاد مفید/218. کامل ابن اثیر 276/3. طبری 218/6 و البداية و النهاية 166/8.

2- ارشاد مفید/218.

3- مقتل مقرر/187. طبری 230/6 - 231. کامل ابن اثیر 281/3.

این فراز و فراز سوم را امام در منزل (عذیب الهجانث) یکی از منازل نزدیک کربلاست، در پاسخ (طرماع) و یارانش ایراد فرمود وقتی او به همراه چهار تن از دوستانش در این منزل به حضور امام رسید، دوستانش عرض کردند یابن رسول الله! (طرماع) در این سفر، اشعاری را که مشعر بر شوق وافر و ارادت شدید به درک فیض زیارت شما و در عین حال، حاکی از اضطراب و نگرانی او از این سفر شما بود، زیاد می خواند و تکرار می نمود، امام علیه السلام برای رفع نگرانی آنان فرمود:

«...انی لارجوان یكون خیرا ما اراد الله بنا...».

آنگاه خود طرماع چنین گفت: یابن رسول الله! نگرانی من بی جهت نیست؛ زیرا من از کوفه بیرون نیامدم مگر اینکه دیدم در کنار این شهر، گروه زیادی برای مقابله با شما اجتماع کرده اند، شما را به خدا سوگند! از این سفر بر گردید؛ چون من اطمینان ندارم حتی یک نفر از اهل کوفه هم به یاری شما برخیزد.

امام علیه السلام در پاسخ پیشنهاد طرماع پیشنهاد چنین فرمود:

19/5 - «ان بیننا و بین القوم عهدا و میثاقا و لسننا نقدر علی الانصراف حتی تتصرف بنا و بهم الامور فی عاقبة».⁽¹⁾

در میان ما و مردم کوفه عهد و پیمان بسته شده است (از آنان و عده حمایت و از ما وعده رهبری و هدایت) و در اثر این پیمان، برای ما امکان بازگشت نیست تا ببینیم عاقبت کار ما و آنان به کجا می انجامد).

19/6 - «ما کنت لا بداهم بالقتال حتی یبدئونی».⁽²⁾

«من شروع کننده جنگ نخواهم بود مگر آنان شروع کنند».

1- مقتل مرقم/187. طبری 230/6 - 231. و کامل ابن اثیر 281/3.

2- خوارزمی 234/1. طبری 232/6. و کامل 282/3.

چون قافله امام علیه السلام و به موازات آن، سپاهیان حر به (عذیب الهجانات) رسیدند، نامه ای از ابن زیاد به دست حر رسید که مضمون آن سختگیری نسبت به حسین بن علی و جلوگیری از حرکت آن حضرت بود. در اینجا (زهیر بن قین) از یاران امام علیه السلام چنین پیشنهاد نمود که یا بن رسول الله! برای ما جنگ کردن با این گروه کم آسانتر است از جنگ نمودن با لشکر انبوهی که در پشت سر آنان می باشد و با ورود چنین لشکی ، تاب مقاومت برای ما نخواهد ماند.

امام در پاسخ (زهیر) فرمود: «تا آنان شروع به جنگ نکنند، من آغازگر جنگ نخواهم بود».

20 - دعا و نفرین در پیام امام

مواردی در کلام حسین بن علی علیه السلام ملاحظه می شود که دل‌آی مفهوم دعا و یا جنبه نفرین می باشد. این نوع پیامها همانگونه که از لحاظ مفهوم، دارای ویژگی است، از جهت شرایط زمان و انگیزه بیان نیز دارای ویژگی و خصوصیت است؛ زیرا پیام دعای امام، متوجه کسانی است که از آنان علاوه بر وفاداری و شجاعت که همه یاران آن حضرت از آن برخوردار بودند، نوعی شهادت و ثبات قدم و ایثار به وقوع پیوسته که نظر فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله را به تحسین بیشتر که در قالب دعا و تحقیق پذیرفته است، جلب نموده است.

و همچنین آن حضرت افرادی را مورد نفرین قرار داده است که از آنان علاوه بر عداوت و دشمنی عمومی، نوعی حالت عناد و لجاجت و کینه عمیق و خصومت بیش از حد، مشاهده فرموده است.

و اینک دعاهای آن حضرت:

20/1 - «اللَّهُمَّ اجْعَلْ لَنَا وَلَهُمُ الْجَنَّةَ وَاجْمَعْ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ فِي مَسْتَقَرٍّ مِنْ رَحْمَتِكَ وَ

رَغَائِبٍ مَذْخُورٍ ثَوَابِكَ»⁽¹⁾.

«خدایا! بهشت را برای ما و آنان قرار بده و آنان را در پایگاه رحمتت به مرغوبترین ثوابهای ذخیره شده ات، نایل بگردان».

1- مقتل مرقم/طبری 230/6. و کامل ابن اثیر 281/3.

امام هنگام ملاقات با (طرمح بن عدی) و همراهانش، در نزدیکی کربلا این دعا را فرمود، آنگاه که آنان خبر شهادت (قیس بن مسهر صیداوی)، پیک حسین علیه السلام را به اطلاع آن حضرت رسانیدند، امام علیه السلام اول این آیه شریفه را قرائت نمود:

(فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا).⁽¹⁾

آنگاه چنین دعا کرد: «اللَّهُمَّ اجْعَلْ لَنَا وَلَهُمُ الْجَنَّةَ...».

20/2 - «جزاك الله من ولد خير ما جزى ولدا عن والده».⁽²⁾

«خداوند بهترین پاداشی را که فرزند از سوی پدر دریافت می کند به تو عطا فرماید».

امام علیه السلام این دعا را درباره فرزندش علی اکبر علیه السلام فرمود، آنگاه که در (قصر بنی مقاتل) هنگام حرکت، پس از خواب سبک، فرمود: انا لله و انا اليه راجعون و الحمد لله رب العالمين.

حضرت علی اکبر علیه السلام از استرجاع پدرش سؤال نمود، امام پاسخ فرمود: خواب دیدم که هاتفی می گوید: این گروه شبانه در حرکتند و مرگ نیز در تعقیب آنان است.

حضرت علی اکبر علیه السلام عرضه داشت:

«لا اراك الله بسوء، السنا على الحق؟».

«خدا تو را بد ندهد آیا ما بر حق نیستیم؟»

فرمود: چرا؟، عرضه داشت: «فاذا لانبالی ان نموت محقين».

«اگر در راه حق بمیریم از مرگ ترسی نداریم».

1- احزاب/23. (بعضی مومنان) پیمان خود را به آخر بردند (و در راه او شربت شهادت نوشیدند)، و بعضی

دیگر در انتظارند؛ و هرگز تغییر و تبدیلی در عهد پیمان خود ندادند).

2- مقتل مقرر/191. طبری 232/6. کامل ابن اثیر 282/3.

در اینجا بود که آن حضرت فرمود: «جزاك الله من ولد خير ما جرى ولدا عن والده».
20/3 - «ذَكَرَتِ الصَّلَاةَ، جَعَلَكَ اللهُ مِنَ الْمُصَلِّينَ الذَّاكِرِينَ».⁽¹⁾

متن و توضیح این فراز در بخش پیام نماز، از نظر خواننده عزیز گذشت و این دعا که خطاب به (بوثامه صائدی) است، بیانگر اهمیت نماز است که او فرا رسیدن وقت نماز ظهر را به اطلاع امام عليه السلام رسانید و آن حضرت وی را به نیل بزرگترین مقامات معنوی که مقام نمازگزاران و ذاکرین خداوند است دعا نموده است.

20/4 - «أَمَّا بَعْدُ، فَإِنِّي لَا أَعْلَمُ أَصْحَابًا أَوْفَى وَلَا خَيْرًا مِنْ أَصْحَابِي، وَلَا أَهْلَ بَيْتٍ أَبَرَّ وَلَا أَوْصَلَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، فَجَزَاكُمْ اللهُ عَنِّي خَيْرًا».⁽²⁾

این فراز از گفتار و دعای امام که خطاب به یاران و اهل بیت آن حضرت است، جزء سخنرانی شب عاشورا است که در ضمن شجاعت ملاحظه فرمودید و در اینجا دعای آن بزرگوار، مجدداً نقل نمودیم.

20/5 - «جَزَا كَمَا اللهُ يَا ابْنِي اخِي بُوَجِدْ كَمَا مِنْ ذَلِكَ وَمَوَاسَاتِكُمْ أَيَّاهِ بَانَفْسِكُمْ أَحْسَنَ جَزَاً لِلْمُتَّقِينَ».⁽³⁾

این فراز نیز در پیام شجاعت، با ترجمه و توضیح و اشاره به منابع آن نقل گردید که هم پیام شجاعت دو جوانمرد سیف و مالک و هم ادعای امام درباره آنان است به پاس وظیفه و درک مسوولیتشان که حضرت برای آنان بهترین پاداش متقین را از پیشگاه خداوند درخواست نموده است.

1- مقتل مقرر/244. طبری 251/6 و کامل 291/3.

2- ارشاد مفید/231. تاریخ طبری 238/6. و مقتل خوارزمی 247/1 و مقاتل الطالبیین/82.

3- بحار الانوار 29/45. طبری 253/6 و ابن اثیر 292/3.

20/6 - «فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَجْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا»⁽¹⁾.

«مسلم! خدا رحمتت کند، (سپس حضرت این آیه شریفه را تلاوت فرمود): بعضی از آنان به پیمان خود وفا نمودند و بعضی دیگر به انتظار نشسته اند و تغییر و تبدیلی در پیمانشان نداده اند».

آنگاه که (مسلم بن عوسجه) آن صحابه پیر رسول خدا ﷺ با تن آلود بر روی خاک افتاد و هنوز رمقی از حیات در او بود، حسین بن علی علیه السلام به همراه حبیب بن مظاهر به بالینش آمد و چنین گفت: (رحمک الله یا مسلم...).

و (حبیب بن مظاهر) هم چنین گفت: (مسلم! به خدا سوگند کشته شدن تو برای من سخت است اما به تو مژده می دهم که چند لحظه دیگر وارد بهشت خواهی شد). مسلم با صدائی که به سختی شنیده می شد در پاسخ وی گفت: بشرک الله بخیر... او صیک بهذا رحمک الله - و او ما الی الحسین علیه السلام - ان تموت دونه.

«خداوند خیرت دهد، مسلم ضمن اینکه اشاره به امام حسین علیه السلام می کرد، گفت: وصیتم درباره این حضرت است؟ در یاریش تا سر حد جانبازی فداکاری کنی».

20/7 - «جَزَيْتُمْ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ خَيْرًا، اِرْجِعِي رَحْمَةَ اللَّهِ إِلَى النِّسَاءِ فَاجْلِسِي مَعَهُنَّ، فَإِنَّهُ لَيْسَ عَلَى النِّسَاءِ قِتَالٌ»⁽²⁾.

(عبدالله بن عمر مکی) یکی از یاران با وفای امام علیه السلام در دفع حمله دشمن، استقامت به خرج داد و دست راست و یکی از پاهایش قطع گردید و به اسارت دشمن درآمد و در مقابل صفوف دشمن، بدنش قطعه - قطعه گردید و به (قتل صبر) به شهادت رسید و سر او را بردند و به سوی خیمه ها انداختند.

1- مقتل خوارزمی 15/2. طبری 249/6. لهوف 46/ و ابن اثیر 290/3.

2- طبری 246/6. ابصار العین 107/.

مادر عبدالله سر بریده فرزندش را برداشت و خاک و خون آن را پاک کرد و در حالی که عمود خیمه را به دست گرفته بود، به سوی دشمن حمله نمود. امام علیه السلام دستور داد تا او را به خیمه برگردانیدند و خطاب به وی فرمود:

« جَزَيْتُمْ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ خَيْرًا... ».

«شما در راه حمایت اهل بیت (من)، به پاداش نیک نایل گردید، خدا رحمت کند، به خیمه برگرد که جهاد از شما زنان برداشته شده است.»

20/8 - «اللَّهُمَّ سَدِّدْ رَمِيْتَهُ وَاجْعَلْ ثَوَابَهُ الْجَنَّةَ». ⁽¹⁾

«خدایا! تیر او (ابوشعثاً) را به هدف برسان و پاداشش را بهشت قرار بده.»

(ابوشعثاً) که نامش (یزید) است، از تک تیراندازان و کمانداران معروف کوفه است که پس از سخنرانی امام علیه السلام و قبل از حر، توبه کرده و به یاران امام پیوست. او اول سواره به میدان رفت اما چون اسبش پی شد، به خیمه بازگشت و در مقابل خیمه ها زانو بر زمین زد و یکصد چوبه تیر که داشت همه را به سوی لشکر کوفه انداخت.

امام چون توبه و شهادت او را دید، فرمود؛ اللَّهُمَّ سَدِّدْ رَمِيْتَهُ وَاجْعَلْ ثَوَابَهُ الْجَنَّةَ.

20 /9 - «لَا يَبْعِدُنكَ اللَّهُ يَا زُهَيْرُ، وَلَعَنَ اللَّهُ قَاتِلَكَ، لَعَنَ الَّذِينَ مَسَّخَهُمْ قِرْدَةً وَخَنَازِيرًا». ⁽²⁾

«زهیر! خداوند تو را از رحمتش دور نگرداند و کشندگان تو را لعنت کند مانند کسانی که انسانیت خود را از دست داده و به صورت میمون و خوک درآمده اند.»

1- مقتل خوارزمی 25/2.

2- مقتل خوارزمی 20/2 و ابصار العین/99.

(زهیر بن قین) از یاران امام پس از یک حمله و جنگ شدید، به حضور امام برگشت در حالی که دستش را روی دوش آن حضرت گذاشته بود، مجدداً برای رفتن به میدان اذن گرفت در حالی که دو بیت شعر هم در هدایت یافتنش به وسیله امام می سرود، پس از آنکه از پای در آمد، امام عَلَيْهِ در بالینش حاضر گردید و با جمله قبلی او را دعا نمود و دشمنانش را مورد لعن قرار داد.

20/10 - «رَحِمَكَ اللَّهُ إِنَّهُمْ اسْتَوْجَبُوا الْعَذَابَ حِينَ رَدُوا عَلَيْكَ مَا...»⁽¹⁾

«حنظله! خدا رحمت کند! این مردم، آنگاه که به سوی حق دعوتشان نمودی و پاسخ مثبت ندادند، سزاوار عذاب گردیدند...».

این دعا را امام عَلَيْهِ در حق (حنظله شبامی) فرمود که وی پس از موعظه و نصیحت اهل کوفه، به سوی خیمه ها برگشت و امام عَلَيْهِ در تقدیر و تشویق وی، مطالبی فرمود که در ابتدای سخن، حضرت دعای فوق را در حقش نمود.

20/11 - «اللَّهُمَّ بِيضَ وَجْهٍ وَ طَيِّبَ رِيحَةٍ وَ أَحْسَرَهُ مَعَ الْأَبْرَارِ وَ عَرَّفَ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ»⁽²⁾

«خدایا او (جون) را رو سفید، بدنش را خوشبو و با ابرار و نیکان محشورش گردان و در میان او و محمد و اهل بیتش، و آشنایی قرار بده».

به طوری که در بخش پیام انتخاب آوردیم، از جمله کسانی که حسین بن علی عَلَيْهِ به وی اذن خصوصی داد (جون) غلام آن حضرت بود که فرمود: جون! خود در راه ما مبتلا نکن، به همراه ما به امید راحتی آمده ای.

1- مقتل مقرر/251. طبری 254/6 و کامل 292/3.

2- بحار الانوار 23/45 و ابصار العین/105.

(جون) چون این جمله را شنید، خود را به روی قلم های آن حضرت انداخت و عرضه داشت: «یا بن رسول الله! آیا سزاوار است که من در هنگام راحتی و رفاه بر سر سفره شما بنشینم و در ایام ناراحتی و پیشامدها، دست از شما بردارم؛ بدن من بدبو، خاندانم ناشناخته و رنگم سیاه است، با رفتنم به بهشت برین، بر من منت بگذار تا بدنم خوشبو و رنگم سفید و حسب من به شرف و عزت نایل گردد».

امام، این صفا و صمیمیت را که از وی مشاهده فرمود، اجازه ماندن و شهادت را به او داد.

زمانی که (جون) در روی خاک گرم کربلا قرار گرفت، فرزند امیرمؤمنان در کنار او نشست و با این جملات وی را دعا نمود؛ سخنانی که یاد آور گفتار و درخواست خود (جون) بود: «اللَّهُمَّ بَيِّضْ وَجْهَهُ وَطَيِّبْ رِيحَهُ وَاحْشِرْهُ مَعَ الْأَبْرَارِ».

20/12 - «رب ان تك حبست عنا النصر من السماء فاجعل ذلك لما هو خير، وانتقم لنا من هولاء الظالمين⁽¹⁾، الهی تری ما حل بنا فی العاجل فاجعله ذخیره لنا فی الاجل». ⁽²⁾

«پروردگارا! اگر در دنیا نصر و پیروزی آسمانی را بر ما نازل نکردی، در عوض این پیروزی بهتر از آن را نصیب ما بگردان و انتقام ما را از این ستمگران بگیر پروردگارا! تو خود شاهدی آنچه در دنیا بر ما وارد شد پس آن را ذخیره آخرتمان قرار بده».

این جمله را حضرت در حالی که یکی از اطفالش را در آغوش گرفته و (حرمه پسر کاهل اسدی) با انداختن تیری، گلوی او درید و حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ دستش را از خون گلوی او پر نموده و به طرف آسمان پاشید، ایراد فرمود.

1- طبری 257/6.

2- تظلم الزهرا/203.

این بود دعای پیام حسین بن علی علیه السلام که در دوازده فقره و به مناسبت‌های مختلف از آن بزرگوار در جنگ و ستیز بودند و گاهی نیز جنبه خصوصی دارد و مورد خطاب و نفرین او اشخاص خاصی بودند.

و اینک از نفرین عمومی آن حضرت شروع می‌کنیم:
20/13 - «لا افلح قوم اشتروا مرضاة المخلوق بسخط الخالق».⁽¹⁾

«رستگار مباد: گروهی که خشنودی خلق را به خشم خالق مقدم می‌دارند».
(ابن زیاد) از ورود امام حسین علیه السلام به سرزمین کربلا به وسیله (حرین یزید،) و مطلع، و طی نامه ای به آن حضرت چنین نوشت:

«اما بعد، من از ورود شما به کربلا آگاهی یافتم و امیرمؤ منان (یزید) به من دستور داده است که سر به بالین راحت نگذارم و شکم از غذا سیر ننمایم تا اینکه یا تو را به قتل برسانم، و یا فرمان من و حکومت یزید را بپذیری و السلام».

هنگامی که این نامه به دست امام علیه السلام رسید، آن را بر زمین انداخت و فرمود:
«لا افلح قوم اشتروا مرضاة المخلوق بسخط الخالق».

1- مقتل خوارزمی 239/1 و بحار الانوار 383/44.

20/14 - «اللَّهُمَّ احْبِسْ عَنْهُمْ قَطْرَ السَّمَاءِ، وَأَبْعَثْ عَلَيْهِمْ سِنِينَ كَسِنِي يُوسُفَ،
وَسَلِّطْ عَلَيْهِمْ غِلَامَ ثَقِيفٍ يَسُومُهُمْ كَأَسَا مُصْبِرَةً، فَإِنَّهُمْ كَذِبُونَ وَخَذَلُونَ، وَأَنْتَ رَبُّنَا عَلَيْكَ
تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنبْنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ»⁽¹⁾.

«خدایا! قطرات باران را از آنان قطع کن و سالهایی (سخت) مانند سالهای (گرسنگی
اهل مصر) در دوران یوسف را بر آن بفرست و غلام ثقفی را بر ایشان مسلط فرما تا با
کاسه تلخ، سیرابشان کند و کسی را از آنان بدون مجازات رها نسازد، در مقابل قتل، به
قتلشان برساند و ضاربین را با ضرب و جرح، مجازات کند، انتقام من و خاندانم و
پیروانم را از آنان بستاند؛ زیرا آنان مکر کرده و ما را تکذیب و در مقابل دشمنی، رها
نمودند و تویی پروردگار ما، بر تو توکل کرده ایم و برگشت ما به سوی توست».

امام علیؑ در روز عاشورا پس از آنکه دومین بار در طی خطبه ای اهل کوفه را
موعظه و نصیحت فرمود و گذشته آنان را ترسیم نمود و از آینده تلخ و بدبختی آنها
خبر داد، ولی آنان به موعظه و نصیحت فرزند رسول خدا اعتنایی ننمودند و در
تصمیمشان بر کشتن آن حضرت، تردیدی به خود راه ندادند، امام علیؑ دستهای خود را
به آسمان بلند کرد و آنان را با جملاتی که نقل نمودیم، نفرین کرد.

«اللَّهُمَّ احْبِسْ عَنْهُمْ قَطْرَ السَّمَاءِ...».

1- مقتل خوارزمی 8/2. لهوف/43. بحارالانوار 10/45 و عوالم 252/17.

20/15 - «اللَّهُمَّ انا اهل بيت نبيك و ذريته و قرابته، فاقصم من ظلمنا و غصبنا حقنا، انك سميع قريب». (1)

بنابر نقل (خوارزمی) امام علیه السلام این نفرین را در عصر تاسوعا خطاب به عمر سعد و لشکریانش ایراد فرمود:

«خدایا! ما اهل بیت پیامبر تو و فرزندان عشیره او هستیم. خدایا! کسانی را که به ما ظلم نمودند و حق ما را غصب کردند، هلاکشان کن که تو بر دعای بندگان شنوا و به آنان نزدیک هستی».

خوارزمی اضافه می کند (محمد بن اشعث) که در صف مقدم سپاهیان دشمن بود و نفرین امام را می شنید، جلو آمد و به آن حضرت چنین گفت:

«ای قرابة بينك و بين محمد؟!».

«در میان تو و محمد چه قوم و خویشی هست؟!».

امام علیه السلام که این انکار صریح و لجاجت را در راه او مشاهده نمود، این چنین نفرینش کرد:

20/16 - «اللَّهُمَّ فَأَرِنِي فِيهِ هَذَا الْيَوْمَ ذَلًا عَاجِلًا». (2)

«خدایا! همین امروز، ذلت عاجل و زود رس او را بر من آشکار کن».

(محمد بن اشعث) پس از چند دقیقه برای قضای حاجت از صف لشکریان فاصله گرفت و در گوشه ای نشست، در این هنگام عقربی او را نیش زد و در حالی که لباسش آلوده به نجاست شده، بود رهایش نمود.

1- مقتل خوارزمی 249/1.

2- مقتل خوارزمی 249/1.

سه نفرین به یک مناسبت

هنگام اعزام حضرت علی اکبر به میدان جنگ و در موقع شهادتش حسین بن علی علیه السلام دو نفرین عمومی خطاب به لشکریان کوفه و یک نفرین خصوصی، خطاب به عمر سعد ایراد نموده اند؛ بدین توضیح که هنگام میدان رفتن علی بن الحسین، پدر ارجمندش در حالی که سیل اشک از چشمانش جاری می شد، محاسن مبارک را به سوی آسمان بلند کرد و چنین گفت:

«اللَّهُمَّ اشْهَدْ عَلِيَّ هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ فَقَدْ بَرَزَ إِلَيْهِمْ غَلَامٌ أَشْبَهَ النَّاسَ خَلْقًا وَخُلُقًا وَمَنْطِقًا
بِرَسُولِكَ كُنَّا إِذَا اشْتَقْنَا إِلَيْ نَبِيِّكَ نَظَرْنَا إِلَيْ وَجْهِهِ.»

«بارالها بر این مردم گواه باش، جوانی که در صورت و سیرت و گفتار شبیه ترین مردم به پیغمبرت (درود خدا بر او و خاندانش باد) بود، به جنگ آنان رفت؛ پرودگارا ما هرگاه به دیدن پیامبرت مشتاق می شدیم به این جوان نگاه می کردیم.»

آنگاه چنین نفرین نمود:

20/17 - «اللَّهُمَّ امْنَعُهُمْ بَرَكَاتِ الْأَرْضِ، وَفَرِّقَهُمْ تَفْرِيقًا، وَمَزَقَهُمْ تَمْزِيقًا، وَاجْعَلْهُمْ طَرَائِقَ قِدْدَا، وَلَا تُرِضِ الْوَلَاةَ عَنْهُمْ أَبَدًا، فَإِنَّهُمْ دَعَوْنَا لِيَنْصُرُونَا، فَعَدَّوْا عَلَيْنَا يُقَاتِلُونَنَا...».

«خدایا! این مردم (ستمگر) را از برکات زمین محروم و به تفرقه و پراکندگی، مبتلا بگردان. صلح و سازش از میان آنان و فرمانروایانشان بردار که ما را با وعده یاری و نصرت، دعوت نمودند، سپس به جنگ با ما برخاستند...».

و آنگاه که حضرت علی اکبر خواست از خیمه ها جدا شود، امام عَلَيْهِ السَّلَامُ بر عمر سعد بانگ زده و چنین نفرین نمود:

20/18 - «مَا لَكَ؟ قَطَعَ اللَّهُ رَحِمَكَ... سَلَطَ عَلَيْكَ مَنْ يَذْبُجُكَ بَعْدِي عَلَى فِرَاشِكَ، كَمَا قَطَعَتْ رَحِمِي وَلَمْ تَحْفَظْ قَرَابَتِي مِنْ رَسُولِ اللَّهِ». (1)

«تو را چه شده است؟ خدا رحم و قرابت تو را قطع کند (و در میان قوم و خویشت، منفور و مطرود گردی) همانگونه که تو قرابت و خویشاوندی مرا قطع نموده و حرمت قرابت مرا با پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حفظ نکردی و خداوند کسی را بر تو مسلط گرداند که در میان رختخوابت سر از تنت جدا کند».

چون در بالین فرزند عزیزش نشست، چنین گفت:

20/19 - «قَتَلَ اللَّهُ قَوْمًا قَتَلُواكَ! يَا بَنِيَّ مَا أَجْرَاهُمْ عَلَى الرَّحْمَنِ وَعَلَى انْتِهَاكِ حُرْمَةِ الرَّسُولِ عَلَى الدُّنْيَا بَعْدَكَ الْعَفَاءُ». (2)

«خدا بکشد مردم ستمگری را که تو را کشتند، فرزندم! اینها چقدر به خدا و هتک حرمت رسول او جری شده اند، پس از تو خاک بر سر دنیا!».

20/20 - «بَعْدًا لِقَوْمٍ قَتَلُواكَ وَمِنْ خَصْمِهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيكَ جَدُّكَ». (3)

«دور باد از رحمت خدا گروهی که تو را به قتل رسانیدند و در روز رستاخیز دشمن آنان جدت و پدرت باد».

1- مقتل مقرر/257 - 258. خوارزمی /20 30 - 31. ارشاد 238. لهوف/99. و طبری 256/6.

2- مقتل خوارزمی 31/2.

3- ارشاد مفید/239.

این نفرین را امام علیه السلام در بالین حضرت (قاسم بن حسن)، آنگاه که با بدن قطعه - قطعه، به روی خاک افتاده بود، ایراد نموده است. پیکر فرزند برادرش را به سوی خیمه ها حمل نمود و در میان خیمه شهدا و در کنار جنازه فرزندش علی اکبر قراره داد، سپس این چنین نفرین نمود:

20/21 - «اللَّهُمَّ أَحْصِهِمْ عِدَدًا، وَاقْتُلِهِمْ بَدَدًا، وَلَا تَغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا، وَلَا تَغْفِرْ لَهُمْ أَبَدًا»⁽¹⁾.

«خدایا! همه آنان را گرفتار بلا و عذاب خویش بگردان و کسی را از آنان باقی نگذار و هیچگاه مشمول مغفرت خویش قرار مده».

نفرین های شخصی
20/22 - «مَالِكُ، ذَبْحَكَ اللهُ عَلَى فِرَاشِكَ عَاجِلًا، وَلَا غَفَرَ لَكَ يَوْمَ حَشْرِكَ، فَوَاللَّهِ إِنِّي لَأَرْجُوا أَلَّا تَأْكُلَ مِنْ بَرِّ الْعِرَاقِ إِلَّا يَسِيرًا»⁽²⁾.

امام علیه السلام قبل از شب عاشورا پیشنهاد ملاقات با (عمر سعد) نمود و این ملاقات با تشریفات انجام پذیرفت و آن حضرت، عمر سعد را موعظه و نصیحت نمود که در بخش اتمام حجت خصوصی، اشاره نمودیم و در پایان چون امام علیه السلام سکوت عمر بن سعد را مشاهده نمود از وی روی گرداند و چنین فرمود: (مالک ذبحک الله علی فراشک...).

«فرزند سعد! چرا این قدر در راه شیطان پافشاری می کنی؟! خدا هر چه زودتر در میان رختخوابت تو را بکشد و در قیامت گناه تو را نبخشد، امیدوارم که از گندم عراق نخوری مگر به اندازه کم (یعنی عمرت کوتاه باد)».

1- مقتل مرقم/265.

2- مقتل خوارزمی 245/1.

20/23 - «اللَّهُمَّ حِزْهُ إِلَى النَّارِ». (1)

«خدایا! او را به سوی آتش بکش».

هنگام نزدیک شدن عده ای از لشکریان به خیمه ها، مردم به نام (عبد الله بن حوزة) جلو آمد و با صدای بلند گفت: (أفیکم حسین؟؛ آیا حسین بن در میان شماست؟). یکی از یاران آن حضرت در حالی که به امام اشاره می نمود، گفت: این است حسین، چه می خواهی؟

او به امام گفت: «ابشر بالنار!!، بر تو باد مژده آتش!!».

امام پاسخ داد دروغ می گویی، من به سوی خدای کریم و بخشنده و مطاع می روم، تو کیستی؟

گفت: (ابن حوزة). در اینجا بود که امام عَلَيْهِ السَّلَامُ او را نفرین نمود: «اللَّهُمَّ حِزْهُ إِلَى النَّارِ».

«خدایا! او را به سوی آتش بکش».

(ابن حوزة) از نفرین امام خشمناک شده و بر اسب خویش سوار گردید و بر آن تازیانه زد، اسب به سرعت حرکت نمود و ابن حوزة در اثر سرعت اسب، به زمین افتاد ولی پایش در رکاب، گیر کرد، اسب رم نمود و او را به این طرف و آن طرف کشاند و بالاخره به سوی خندقی که در آن آتش روشن شده بود، کشاند و بدن مجروح و نیمه جان ابن حوزة به گودال افتاد و در میان آتش سوخت امام با دیدن این جریان، سر به سجده نهاد و برای استجابت نفرینش، سجده شکر به جای آورد. (2)

1- انساب الاشراف 191/3. مقتل خوارزمی 431/1 و کامل ابن اثیر 27/4.

2- مقتل خوارزمی 249/1. انساب الاشراف 191/3. کامل 27/4 و تاریخ ابن عساکر 256/

20/24 - «اللَّهُمَّ اقْتُلْهُ عَطْشًا وَلَا تَغْفِرْ لَهُ أَبَدًا»⁽¹⁾.

«خدایا! او را با تشنگی بمیران و هیچگاه نیامرزش».

یکی از لشکریان عمر به نام (عبدالله بن حصین ازدی) با صدای بلند خطاب به حسین بن علی علیه السلام چنین گفت: «یا حسین! این آب فرات را می بینی که همانند آسمان سبز و شفاف است، ولی به خدا نخواستیم گذاشت حتی یک قطره از آن به گلویت تا از تشنگی بمیری!!».

در اینجا امام را نفرین کرد که: «اللَّهُمَّ اقْتُلْهُ عَطْشًا وَلَا تَغْفِرْ لَهُ أَبَدًا».

(بلاذری (نقل می کند که (ابن حصین) به مرض عطش مبتلا گردید و هر چه آب می خورد، سیراب نمی شد تا به هلاکت رسید و بدینگونه نفرین امام درباره او مستجاب گردید.

«الحمد لله الذي استجاب دعاً وليه علي عدوه، وجعلنا من اوليائه و شيعته».

با پایان یافتن بخش پیام دعا و نفرین امام علیه السلام، (پیام عاشورا) نیز به پایان می رسد، ولی مطالب زیادی از جمله ادعیه و مناجات امام که بخش زیبایی از پیامهای فرزند رسول خدا را تشکیل می دهد، به محل دیگر و مجموعه بزرگی موکول می گردد.

این مجموعه در شب جمعه، 15 شهر رجب المرجب 1417 مطابق با 9 آذرماه 1375 صورت اختتام پذیرفت.

1- انساب الاشراف 181/3.

فهرست مطالب

3	مقدمه دفتر
5	مقدمه مؤلف.....
10	معرفی اهل بیت <small>علیهم السلام</small> و بنی امیه در پیام امام حسین <small>علیه السلام</small>
12	1 - معرفی اهل بیت <small>علیهم السلام</small>
15	2 - معرفی حسین بن علی <small>علیه السلام</small>
19	3 - معرفی بنی امیه.....
24	4 - معرفی معاویه
26	5 - معرفی یزید.....
27	6 - نکوهش مردم کوفه در پیام امام حسین <small>علیه السلام</small>
31	7 - پیام مقاومت.....
40	8 - دعوت به صبر و پایداری.....
47	9 - امر به معروف و نهی از منکر در پیام حسین بن علی <small>علیه السلام</small>
59	10 - نماز در پیام امام
64	11 - سه پیام تهدیدآمیز.....
69	12 - پیام شجاعت.....
74	13 - پیام انتخاب
78	14 - پیام اتمام حجت.....
91	15 - اتمام حجت خصوصی.....
95	16 - پیام استمداد.....
97	17 - پیام انتقام.....
100	18 - پیام شهادت.....
106	19 - پیام پیروزی.....
111	20 - دعا و نفرین در پیام امام